

دین و بین الملل

شماره سی و هفتم | آبان ماه ۱۴۰۳

۴۷

دین و بین الملل

آبان ۱۴۰۳

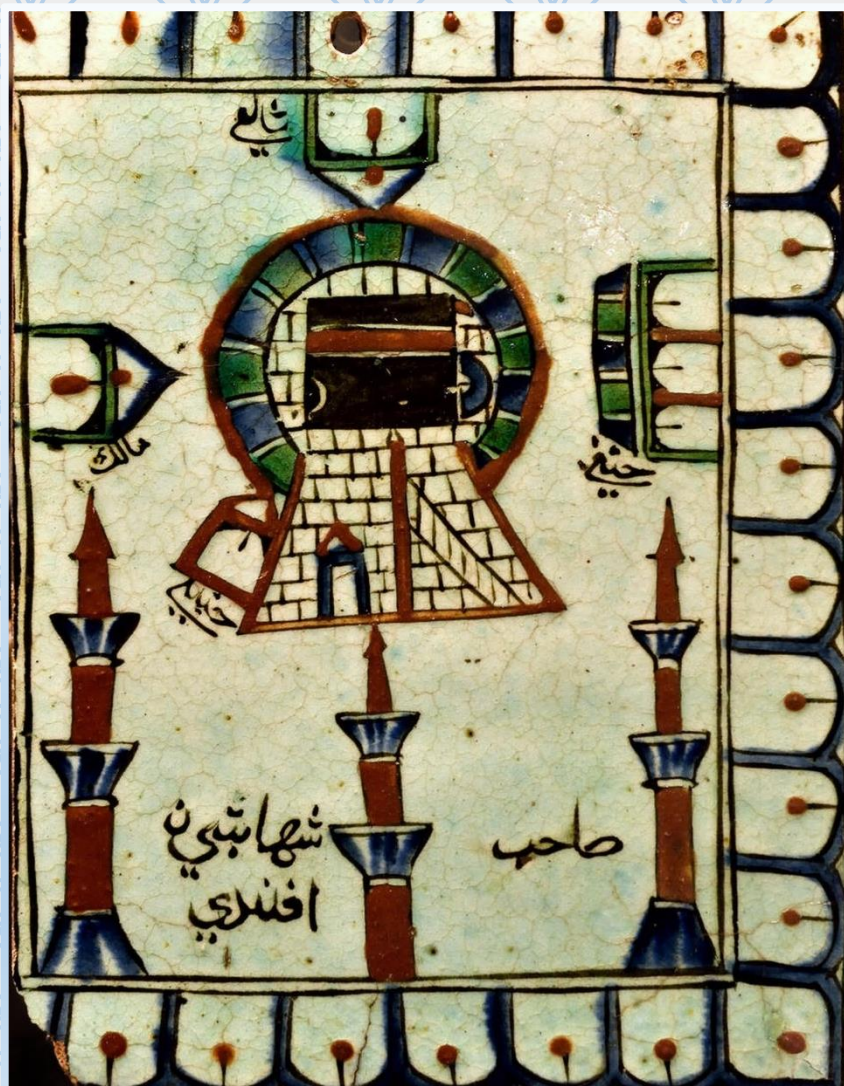


معاونت ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه
معاونت اطلاعات و الشؤون الدولية للبحرین العلمیة
Department of Relations and International Affairs of the Islamic Consultative Assembly

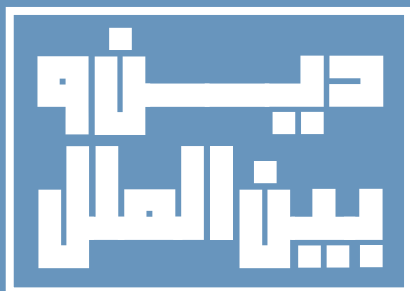
دولت-ملت ها، همیشه گرفتار مرزهای خاکی بوده اند. اینکه «ملت»ها مجبور باشند تا «خود» را در جغرافیایی دوبعدی از «دیگری» جدا کنند می تواند از پیامدهای عرفی شدن مفرد حیات بشر در عصر جدید تلقی گردد.

به عکس، «دین» در گستره تاریخی آن مستحکم ترین عامل «تعریف» آدمیان از «خود جمعی» شان بوده است. اگر هویت های لخت جغرافیایی می توانند در دولت-ملت های مدرن متمثل شوند عجیب نیست هویت های سخت ایمانی را نیز در کالبد امامت-امت باز شناسیم.

در گذر تاریخ تا به امروز، امامت امت های دینی به دست شخصیت هایی بوده است که از طریق حکم و حکمت توده پیروان را سیاست کرده و بازیگرانی مهم در تعیین بخشی به حوزه عمومی بوده اند. این شخصیت ها را صرف نظر از آنکه گاه حقیقی اند (چون علما) و گاه حقوقی (چون سازمان های دینی)، «نهاد دین» تعبیر کرده ایم تا اشارتی باشد بر نقاط تکیه تأثیرگذاری بر جریان امر قدسی در میان توده ها.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شماره سی و هفتم

آبان ۱۴۰۳



معاونت ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه

ماهنامه دین و بین الملل

تهیه و تدوین: معاونت ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه

با همکاری اندیشگده راهبردی مرصاد

ناظر علمی: سید مفید حسینی کوهساری

سر دبیر: علی امیر خانی

آدرس: قم - ابتدای بلوار محمد امین (ص) - مدرسه علمیه

معصومیه - معاونت ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه

تلفن: ۰۲۵۳۳۱۳۵۲۱۵

آدرس پایگاه اطلاع رسانی: www.cica.ismc.ir



فهرست

۱۱

رخداد

۲۲

نهاد

۲۳ حوزه علمیه نجف/ اشرف

۲۳ بازداشت فاضل البدیری و بازتاب‌های آن در عراق

۳۰ الأزهر مصر

۳۰ دیدارهای گسترده احمد الطیب در حاشیه COP29

۳۵ دیدار نخست‌وزیر مالزی با شیخ الازهر

۳۶ احمد الطیب و سردرگمی در پروژه دیانت ابراهیمی

۴۰ سازمان دیانت ترکیه

۴۰ افتتاح بزرگترین مسجد بالکان در پایتخت آلبانی

۴۲ ترکیه و دیپلماسی دینی در بالکان: ابعاد، اهداف و چالش‌ها

غرباء: ناشر سلفی جهادی که همچنان در ترکیه آزادانه فعالیت می‌کند ۴۸

۵۳ کلیسای کاتولیک

۵۳ دیدار پاپ با مشهورترین طرفدار سقط جنین ایتالیا



۵۵ رونمایی از نماد جدید واتیکان

۵۶ صرفه‌جویی واتیکان با کسر حقوق اسقف‌های رم

۵۸ کلیسای ارتدوکس

۵۸ رویارویی کلیسای ارتدوکس قبطی با تفکر شیعه

۶۱ دومای روسیه قانون ممنوعیت «تبلیغ بی‌فرزند» را تصویب کرد

۶۵ کلیسای انگلستان

۶۵ اذعان اسقف اعظم انگلیس به ارتباط اجدادش با صنعت برده‌داری

۶۷ رسوایی اخلاقی کلیسا اسقف اعظم انگلیس را به استعفا واداشت

۷۰

پرونده

۷۱ بازگشت ترامپ

۷۱ مسیحیان راست‌گرای که معتقدند ترامپ را خدا فرستاده است

۷۵ بازگشت تفکر ملی‌گرایی مسیحی به کاخ سفید

ترامپ‌پسزم: نوستالژی دهه ۱۹۵۰ و بازگشت به گذشته‌ای اسطوره‌شده

۸۰

۸۴ چرا اکثریت یهودیان آمریکا به هریس رای دادند؟

۸۷ درخواست اتحاد العلماء از ترامپ برای پایان دادن به جنگ غزه

۸۹ ناامیدی مسلمانان آمریکا از ترکیب احتمالی کابینه ترامپ

الهیات رهایی‌بخش ۹۲

- ۹۲ گوستاوو گوتیرز، مدافع فقرا، در سن ۹۶ سالگی درگذشت
 ۹۵ الهیات رهایی‌بخش: جنبش دینی در مبارزه با ظلم و امپریالیسم

قانون و خانواده‌گرایی ۱۰۰

- ممنوعیت استفاده کودکان زیر ۱۶ سال از شبکه‌های اجتماعی در
 ۱۰۰ استرالیا
 ۱۰۴ تفکیک خدمات مبتنی بر جنسیت در هند

اسلام‌گرایی و بنگلادش ۱۰۷

- ۱۰۷ انقلاب بعدی در بنگلادش، انقلابی اسلامی خواهد بود
 ۱۱۰ بحران آموزشی در مدارس دینی بنگلادش

موسم‌الریاض ۲۰۲۴ ۱۱۶

- ۱۱۶ انتقاد تند محمد گورمز از موسم‌الریاض
 ۱۲۰ گذر به سکولاریسم؛ فصل ریاض و چالش هویت‌سازی ملی

چالش ناتمام حجاب ۱۲۹

- ۱۲۹ گشت پلیس اخلاق؛ تدبیر لیبی برای مقابله با بی‌حجابی
 ۱۳۱ آغاز ممنوعیت استفاده از برقع در سوئیس از ۲۰۲۵

اسلام‌ستیزان در آلمان ۱۳۴

- ۱۳۴ نیم‌نگاهی به تأثیرات جنگ غزه بر مسلمانان در آلمان



۱۴۶ پایان جنبش ضد اسلامی پگیدا: از اوج تا افول

۱۴۱ اسلام‌ستیزی دولتی در هند

۱۴۸ کلیشه‌سازی؛ بالیوود و تصویرسازی نفرت‌آمیز از مسلمانان

۱۵۲ سیاست استفاده از ترقه در جشنواره‌های مذهبی

۱۵۵ یوتیوب و تشویق به افراط‌گرایی در هند

عشق در زمانه «جهاد عشق»: زندگی پیچیده زوج‌های هندو-مسلمان در

۱۵۸ هند

۱۶۳ نظارت گسترده بر مدارس اسلامی در ایالت اوتار پرادش

۱۶۸

دیدگاه

۱۶۹ اسلام نوسانتارا؛ ماهی پرورشی غرب در برکه‌ی اندونزی

۱۷۹ جشن هالووین در عراق؛ نفوذ فرهنگی و تهدید هویت ملی

۱۸۳ نمادگرایی دینی؛ جدال بر سر بازوبند «تاج مسیح» در ارتش اسرائیل

۱۸۵ دن ماتئو؛ بازنمایی دل‌نشین نهاد دین در خدمت جامعه

۱۸۸

گزارش

۱۸۹ بیانیه مجمع صرب‌ها: تلاش برای سلطه فرهنگی-دینی

۱۹۳ جماعة التبلیغ: جمعیتی جهانی با بزرگ‌ترین اجتماعات مذهبی جهان

۱۹۶ اجبار مسلمانان روهینگیا به خدمت برای ارتش میانمار

۱۹۸ نگاهی به رده‌بندی وبسایت‌های پرمخاطب دینی جهان



پیش‌گفتار

برخی بر این باورند که سرنوشت شیعیان و تحولات منطقه‌ای به سیاست‌های داخلی ایالات متحده، چه در دوران دموکرات‌ها و چه جمهوری خواهان، وابسته است، اما حقیقتی که فراتر از این تحلیل‌ها قرار دارد، واقعیتی عمیق‌تر و پیچیده‌تر است. در سیاست جهانی، نه تنها آمریکا به عنوان یک قدرت بزرگ، بلکه نهضت شیعه نیز به عنوان یک حرکت فکری و سیاسی مستقل، سهم عمده‌ای در تحولات آینده جهان خواهد داشت.

تاریخ آمریکا نشان می‌دهد که از دوران جنگ جهانی دوم تا پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سیاست‌های ایالات متحده همواره با تأکید بر نفوذ در خاورمیانه و مهار نهضت‌های اسلامی از جمله شیعه، تدوین شده است. این نهضت، با پشتوانه فکری و

فرهنگی خود، همچنان تهدیدی برای اهداف سلطه‌جویانه آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه به شمار می‌رود. از دیدگاه آمریکا، هرگونه حرکت فکری یا اجتماعی که از اساس بر پایه اسلام انقلابی بنا شده باشد، باید سرکوب شود. این امر نه تنها در سطح نظری بلکه در عمل نیز در سیاست‌های آمریکا و هم‌پیمانان آن در اروپا و اسرائیل مشهود است.

در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بسیاری از تحلیل‌گران و گروه‌های سیاسی در غرب به این نتیجه رسیدند که فرصت‌ها برای گسترش نفوذ آمریکا در جهان اسلام بیشتر شده و در این میان، باید از هر ابزاری برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران و نفوذ شیعیان در منطقه استفاده کنند. برای تحقق این اهداف، طرح‌هایی چون «خاورمیانه بزرگ» طراحی شد که هدف آن هم‌راستایی رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی و اسلامی از طریق عادی‌سازی روابط، تسلیم و حتی کشتار بود.

واقعیت این است که تفاوتی میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در اصول و سیاست‌های اساسی وجود ندارد، بلکه در استراتژی‌های جزئی و رویکردهای تاکتیکی آن‌ها است که تفاوت‌هایی دیده می‌شود. اما شیعیان در اصول نهضتی خود هیچ تفاوتی ندارند و همچنان در مسیر مقاومت به پیش می‌روند. آنها دیگر به هیچ چیزی جز آزادی و کرامت خود راضی نمی‌شوند و حاضر نیستند در برابر استکبار جهانی تسلیم شوند. این عزیمت به سمت قدرت، نه تنها در سطح منطقه‌ای،

بلکه در سطح جهانی نیز به شکلی جدی‌تر و با هدف ایجاد تغییرات اساسی در نظام بین‌المللی صورت می‌گیرد.

امروز دیگر دوران تسلیم‌پذیری و عقب‌نشینی به سر آمده است. عصر جدید متعلق به مستضعفان و قهرمانانی است که در برابر ظلم و استکبار می‌ایستند و آماده‌اند تا جایگاه خود را در قلب جهانی که از آن سال‌ها دور نگه داشته شده‌اند، تثبیت کنند. در این مبارزه تاریخی، دیگر تفاوتی بین چپ و راست آمریکایی نیست، بلکه تنها حقیقتی واحد وجود دارد: مادر نبردی برای بقای خود و تحقق آرمان‌های انسانی و اسلامی‌مان هستیم و این مبارزه ادامه خواهد داشت تا پیروزی نهایی.

سید مفید حسینی کوهساری

معاون ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه

رخ داد

برگزاری اجلاس جهانی رهبران دینی در حاشیه COP۲۹

اجلاس جهانی رهبران دینی با شعار «ادیان جهانی برای یک سیاره سبز» در کاخ گلستان باکو افتتاح شد و با حضور حدود ۳۰ رهبر مذهبی از ۵۵ کشور و ۳۰ سازمان بین‌المللی از جمله نمایندگان واتیکان، ال‌زهر و دیگر ادیان، به بررسی ابعاد اخلاقی تغییرات آب و هوایی پرداخت. این نشست که به ابتکار الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان، و با همکاری نهادهایی چون برنامه محیط‌زیست سازمان ملل و شورای بین‌المللی بزرگان مسلمان برگزار شد، فرصتی برای مشارکت ادیان در حل چالش‌های زیست‌محیطی فراهم آورد. حجت‌الاسلام والمسلمین حمید شهریاری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، نیز در این اجلاس حضور داشت.^۱

انتقاد شیخ عیسی قاسم از ادامه ممنوعیت نماز جمعه در بحرین

آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، روحانی برجسته بحرینی، از ممانعت مستمر مقامات بحرینی از اقامه نماز جمعه در مسجد امام صادق (ع) به شدت انتقاد کرد و آن را جنگی هفتگی علیه مسجد، نماز و عبادت خدا به خاطر صهیونیسم دانست. وی بیان کرد که نیروهای امنیتی بحرین با مسدود کردن مسیرها به محله الدراز، مانع از رسیدن مردم به مسجد برای اقامه نماز جمعه می‌شوند و این اقدامات با هدف جلوگیری از شنیده شدن صدای حمایت از اسلام و مقابله با صهیونیست‌ها صورت

می‌گیرد. از اکتبر ۲۰۲۴، رژیم بحرین به دلیل درخواست مردم برای بزرگداشت شهید سید حسن نصرالله، نماز جمعه را در این مسجد ممنوع کرده است.^۱

محکومیت تعدی رژیم اشغالگر به ایران

اتحادیه بین‌المللی علمای مسلمان و رابطه العالم الاسلامی تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران را محکوم کردند و این اقدام را تهدیدی برای تشدید درگیری‌های منطقه‌ای دانستند. این نهادها با اشاره به نقض قوانین بین‌المللی توسط رژیم صهیونیستی در حملاتش به غزه، لبنان و ایران، خواستار مداخله فوری جامعه جهانی و کشورهای اسلامی برای جلوگیری از بی‌ثباتی بیشتر شدند. آن‌ها سکوت بین‌المللی را شرم‌آور توصیف کرده و هشدار دادند که ادامه این تجاوزات، صلح و امنیت جهانی را به خطر می‌اندازد.^۲

«انتخاب رئیس‌جمهور بدون حضور شیعیان غیرممکن است»

اظهارات سمیر جعجع درباره امکان برگزاری جلسه انتخاب رئیس‌جمهور لبنان بدون حضور نمایندگان حزب الله با واکنش‌های اعتراضی مواجه شد. مفتی جعفری، شیخ احمد قبلان، تأکید کرد که مجلس نمایندگان بدون حضور نمایندگان شیعه تشکیل نخواهد شد و هرگونه تلاش برای انزوای شیعیان مردود است. وی از نبیه بری،

1 iqna.ir/00HpFR

2 isna.ir/xdS8Gj

رئیس پارلمان، به عنوان تنها مرجع قانونی برای دعوت به جلسات یاد کرد و نسبت به اقدامات تحریک آمیز و فتنه انگیزی هشدار داد. مفتی جعفری بر ضرورت اتحاد ملی، حمایت از صلح داخلی و توافق سیاسی برای رفع بحران لبنان تأکید کرد.^۱

اعتراض به اصلاحات قانونی برای ممنوعیت قرآن سوزی در سوئد

نهادهای حقوقی برجسته سوئد با طرح پیشنهادی دولت برای اصلاح قانون و ممنوعیت تجمعات تهدیدکننده امنیت، مانند قرآن سوزی، مخالفت کرده اند. آنها این اقدام را مغایر آزادی بیان و اصول دموکراتیک دانسته و هشدار داده اند که چنین قوانینی ممکن است به ابزار سرکوب مخالفان تبدیل شود. دولت سوئد، با وجود این انتقادات، تأکید دارد که هدف این اصلاحات حفظ امنیت ملی است و از تجربه کشورهای دیگر در این زمینه استفاده خواهد شد، اما اعلام کرده که در بررسی و تصویب این قانون شتاب زده عمل نخواهد کرد.^۲

شکست عربستان سعودی در کسب کرسی شورای حقوق بشر

عربستان سعودی بار دیگر در تلاش برای کسب کرسی شورای حقوق بشر سازمان ملل ناکام ماند. در رقابت میان شش نامزد گروه آسیا و اقیانوسیه برای پنج کرسی، عربستان با ۱۱۷ رای شکست خورد و کرسی پنجم به جزایر مارشال رسید. این ناکامی، ضربه ای به تلاش های

1 iqna.ir/00Hoxd

2 iqna.ir/00Hp6J

ریاض برای بهبود تصویر بین‌المللی خود در چارچوب برنامه «چشم‌انداز ۲۰۳۰» محمد بن سلمان محسوب می‌شود. شورای حقوق بشر، اگرچه قطعنامه الزام‌آوری صادر نمی‌کند، اما نقش مهمی در مستندسازی و بررسی موارد نقض حقوق بشر دارد. این شکست در حالی رخ داد که عربستان در سال جاری با اجرای ۲۱۲ اعدام، رکورد جدیدی در نقض حقوق بشر ثبت کرده است.^۱

فتوای عجیب عالم دینی عربستانی در خصوص مصرف الکل

سعد الخثلان، استاد دانشگاه و عالم دینی عربستانی، مصرف مقدار بسیار کم الکل در مواد غذایی و دارویی را از نظر شرعی مجاز دانست. او با استناد به سخنان ابن تیمیه و توضیح حدیث مربوط به مست‌کنندگی، تأکید کرد که این مقدار کم در محصولات مانند داروها، نوشیدنی‌ها و مواد غذایی، حتی در صورت مصرف زیاد، مست‌کننده نیست و بنابراین حرام تلقی نمی‌شود. این فتوا، که به نظر می‌رسد در راستای تسهیل واردات مواد غذایی غربی به عربستان صادر شده باشد، با واکنش‌هایی همراه بوده است.^۲

تلاش‌های صهیونیستی برای ساخت معبد بر خرابه‌های الاقصی

گروه‌های تندرو صهیونیستی برای برگزاری کنفرانسی در چهارم دسامبر با هدف تسریع در ساخت معبد ادعایی خود بر روی خرابه‌های

1 <https://f24.my/Aemq>

2 arabic.rt.com/middle_east/1607161-

مسجد الاقصی برنامه ریزی کرده اند. فعالان فلسطینی نسبت به این اقدام هشدار داده و خواستار مقابله با پروژه های تخریبی و دفاع از مسجد الاقصی شده اند. شهرک نشینان صهیونیستی با حمایت دولت افراتی اسرائیل به تلاش ها برای یهودی سازی این مکان مقدس ادامه می دهند.^۱

لغو ممنوعیت واردات کتاب «آیات شیطانی» در هند

دادگاهی در دهلی نو، هند، ممنوعیت واردات کتاب «آیات شیطانی» سلمان رشدی را پس از ۳۶ سال لغو کرد، زیرا دولت نتوانست مدرکی مبنی بر وجود ابلاغیه رسمی برای این ممنوعیت ارائه کند. این کتاب که در سال ۱۹۸۸ منتشر شد، خشم مسلمانان در کشورهای مختلف از جمله ایران و هند را برانگیخت و باعث شد هند برای جلوگیری از تنش های مذهبی واردات آن را ممنوع کند. این موضوع در سال ۲۰۱۹ توسط یک شهروند هندی به چالش کشیده شد و پس از بررسی های طولانی، دادگاه حکم به لغو عملی ممنوعیت داد.^۲

حکم حبس ابد ۹ خوانی در مصر

دادگاهی در مصر ۹ فعال رسانه ای وابسته به اخوان المسلمین را به اتهام «تحریک علیه دولت و مشارکت در اقدامات تروریستی» به حبس ابد محکوم کرد و آن ها را در فهرست تروریست ها قرار داد. این افراد که

1 iqna.ir/00HpBt

2 p.dw.com/p/4mpRq

عمدتاً از شبکه‌های ماهواره‌ای مستقر در ترکیه فعالیت می‌کردند، همچنین به اخلاف در صلح عمومی متهم شده‌اند. دادگاه حکم داده است که پس از پایان مجازات، این افراد باید پنج سال تحت نظارت پلیس باشند. این اقدام در ادامه برخوردهای مشابه دولت مصر با اعضا و حامیان رسانه‌ای اخوان المسلمین است.^۱

انتقاد از رفتار رهبران اروپایی در قبال مسلمانان

حمزه یوسف، نخست‌وزیر مسلمان اسکاتلند، در سخنانی به بحران اسلام‌هراسی در اروپا اشاره کرد و آن را ناشی از سیاست‌های برخی رهبران سیاسی دانست که مسلمانان و مهاجران را قربانی مشکلات اقتصادی کرده‌اند. او ضمن بیان تجربه شخصی خود به عنوان یک مسلمان در اسکاتلند، تأکید کرد که اسلام دینی برای تمام بشریت است و میان هویت دینی و زندگی در غرب تعارضی وجود ندارد. یوسف با ابراز نگرانی از گسترش نفرت‌پراکنی علیه مسلمانان، به نقش ایشان در مقابله با راست افراطی و تقویت انسجام اجتماعی اشاره کرد و از آنان خواست با مشارکت مثبت در جامعه به این روند پاسخ دهند.^۲

حکم دادگاه عالی دهلی برای راه‌اندازی سامانه دولتی ثبت ازدواج اسلامی

دادگاه عالی دهلی به مقامات این شهر دستور داده است تا سیستم ثبت نام آنلاین برای ازدواج مسلمانان ایجاد کنند و بر اجرای سریع آن

1 fa.shafaqna.com/?p=1915788

2 iqna.ir/00Hp15

تأکید کرده است. این حکم پس از دادخواست یک زوج مسلمان صادر شد که ازدواجشان بر اساس قوانین شریعت اسلامی انجام شده بود، اما به دلیل محدودیت‌های سیستم ثبت فعلی مجبور شدند تحت قانون ازدواج ویژه ثبت شوند. وکیل زوج استدلال کرد که عدم وجود سازوکار مناسب، حقوق اساسی آنان را نقض می‌کند. دادگاه با ابطال گواهی ثبت اولیه زوج، مقامات را ملزم به اصلاح سیستم ثبت و ارائه راهکار مناسب برای مسلمانان کرد.^۱

راه‌یابی مجدد دو کاندیدای مسلمان به کنگره آمریکا

رشیده طلیب و ایلهان عمر، دو نماینده مسلمان کنگره آمریکا، با پیروزی در انتخابات، بار دیگر به مجلس نمایندگان راه یافتند. این دودر سال ۲۰۱۹ به عنوان نخستین زنان مسلمان تاریخ کنگره آمریکا انتخاب شدند. ایلهان عمر، سیاست‌مداری سومالی‌تبار و پناهجوی سابق، اولین زن با حجاب و نماینده آمریکایی - سومالیایی در کنگره است. رشیده طلیب، سیاست‌مدار فلسطینی‌تبار، اولین زن آمریکایی - فلسطینی و نخستین زن مسلمان عضو مجالس ایالتی آمریکا محسوب می‌شود. مواضع ضد صهیونیستی و حمایت آنان از حقوق فلسطینیان، همواره در ایالات متحده بحث‌برانگیز بوده است.^۲

1 iqna.ir/00Howp

2 iqna.ir/00Hokz

تأکید مالزی بر ادغام ارزش‌های اسلامی در هوش مصنوعی

انور ابراهیم، نخست‌وزیر مالزی، بر ضرورت تلفیق ارزش‌های اسلامی با علوم جدید و هوش مصنوعی تأکید کرد و خواستار تجهیز جوانان مسلمان به دانش دینی و مهارت‌های فنی شد. او در سخنرانی در دانشگاه الازهر، از احیای کمک‌های دولتی به مدارس دینی، افزایش بورسیه‌ها برای مطالعات اسلامی، پزشکی و مهندسی، و تشویق دانش‌آموزان مراکز قرآنی به یادگیری مهارت‌های فنی خبر داد. انور تأکید کرد که این رویکرد نه تنها مهارت‌های قرآنی و دینی را حفظ می‌کند، بلکه فرصت‌های شغلی متنوعی را برای دانشجویان ایجاد خواهد کرد.^۱

المپیاد علوم اسلامی و زبان عربی بریکس برگزار شد

به همت رایزنی فرهنگی ایران در روسیه، شش نماینده ایرانی شامل دو استاد و چهار دانشجو در هفدهمین المپیاد بین‌المللی علوم اسلامی و زبان عربی که با حضور دانشجویان کشورهای اسلامی در قازان برگزار شد، شرکت کردند. این المپیاد که از سال ۲۰۰۸ با هدف شناسایی استعداد های برتر در علوم اسلامی برگزار می‌شود، امسال نمایندگانی از ایران و کشورهای دیگری مانند امارات، ترکیه و هند را گرد هم آورد. انستیتو اسلامی روسیه، برگزارکننده این رقابت، با بیش از ۲۵ سال فعالیت، یکی از مراکز برجسته علوم اسلامی در جهان محسوب می‌شود.

و دانشجویان خود را در حوزه‌های اسلامی، زبان‌شناسی و روزنامه‌نگاری تربیت می‌کند.^۱

تلاش عراق برای پذیرش حافظان و قاریان در دانشگاه‌ها

نخست‌وزیر عراق، محمد شیاع السودانی، در مراسم افتتاحیه نخستین مسابقات بین‌المللی حفظ و تلاوت قرآن عراق اعلام کرد که دولت این کشور برای حمایت از حافظان و قاریان قرآن برنامه دارد و قصد دارد کانالی ویژه برای پذیرش آن‌ها در دانشگاه‌ها ایجاد کند. وی همچنین بر نظارت و حمایت از مراکز قرآنی و تشویق نسل جوان به حفظ قرآن تأکید کرد. این مسابقات با حضور نمایندگان از ۳۱ کشور و با هدف تقویت ارزش‌های صلح و همدلی برگزار می‌شود و تا ۲۴ آبان ادامه دارد.^۲

استفاده از فیلتر شکن در پاکستان غیر اسلامی اعلام شد

شورای امور مذهبی پاکستان استفاده از اپلیکیشن‌های VPN را خلاف شریعت اسلام اعلام کرد. رئیس شورای ایدئولوژی اسلامی پاکستان، استفاده از VPN برای دور زدن محدودیت‌ها یا دسترسی به محتوای ممنوعه را غیرمجاز دانست و آن را تسهیل‌کننده فعالیت‌های غیرقانونی مانند دزدی دیجیتال معرفی کرد. دولت پاکستان اعلام کرده که علیه استفاده از VPN‌های غیرمجاز اقدام خواهد کرد و علت استفاده

1 iqna.ir/00HpEO

2 iqna.ir/00Howc

گسترده از این ابزارها را کاهش پهنای باند اینترنتی عنوان کرده است. همچنین، این سیاست‌ها به دلیل نگرانی از استفاده تروریست‌ها از شبکه‌های اجتماعی برای انتشار اخبار جعلی و ضد دولتی، تقویت شده است.^۱

استعفای وزیر هلندی در اعتراض به خشونت‌ها علیه مسلمانان

نورا آچه‌بار، وزیر دارایی هلند که مراکشی‌تبار است، پس از افزایش تنش‌ها در دولت هلند در پی حوادث بازی فوتبال بین آژاکس و مکابی تل‌آویو، استعفای خود را اعلام کرد. آچه‌بار از اظهارات نژادپرستانه برخی همکاران خود در دولت درباره این رویدادها انتقاد کرد و آنها را نژادپرستانه دانست. خیرت ویلدرز، رهبر حزب پوپولیستی ضد مسلمانان آزادی، گفته بود که مهاجمان اصلی به هواداران اسرائیلی مردان جوان مراکشی‌تبار هستند. آچه‌بار این اظهارات را نژادپرستانه خوانده و تصمیم به استعفا گرفت. این استعفا دومین خروج از اعضای حزب NSC در دولت در مدت کوتاهی بود و فشار بر ائتلاف حاکم را افزایش داد. فرانس تیمرمنس، رهبر حزب مخالف، استعفای آچه‌بار را اقدامی موجه و قابل تقدیر دانست و خواستار بحث عمومی درباره وضعیت داخلی هیئت وزیران شد.^۲

1 isna.ir/xdShjq

2 iqna.ir/00HpD2

ایک

حوزه علمیه نجف اشرف



بازداشت فاضل البدیری و بازتاب‌های آن در عراق



شامگاه شنبه ۲ ماه نوامبر رسانه‌ها از دستگیری یک روحانی در بغداد به نام «فاضل البدیری» به اتهام «کلاهبرداری» و انتقال او به استان ذی قار خبر دادند. در اطلاعیه رسمی دولت عراق تصریح شده است که البدیری به اتهام کلاهبرداری مالی از شهروندان، بر اساس ماده ۱۴۵۶

۱ در بین مردم عراق ۵۶ کنایه از کلاهبرداری و شخص حقه باز است که برگرفته از همین ماده قانونی است.

قانون مجازات عراق، توسط محاکم قضائی در استان ذی قار از سال ۲۰۲۱ تحت تعقیب بوده و بر همین اساس بازداشت و به آن استان فرستاده شده است.

فاضل البدیری کیست؟

فاضل فرزند عبد زید از عشیره آل بدیر و متولد ۱۹۷۱ در یک روستا حوالی مهنایه، استان قادسیه است. بعد از دروس ابتدایی آکادمی، در سال ۱۹۸۸ وارد دانشگاه مستنصریه بغداد شد و با لیسانس زیست شناسی فارغ التحصیل شد و در سال ۱۹۹۱ در مرکز پزشکی کوفه (معهد الطبی) شروع به کار کرد. سال ۱۹۹۳ رسماً وارد حوزه نجف شد و در سال ۱۹۹۶ معمم شده و شروع به تدریس مقدمات و سپس سطوح نمود و پس از آن مشغول تدریس بحث خارج شد.

او در دروس سید محمد علی حمّامی، سید حسین بحر العلوم، سید راغب آل کمونه و ۲ سال نیز در درس شهید سید محمد صدر شرکت کرد. با این حال، بدیری خود را شاگرد ویژه شهید صدر می داند و در مکتب او عکس سید محمد صدر دیده می شود.

بعد از شهادت سید صدر نیز به ادعای خود در دروس مراجع، مانند شیخ فیاض و شیخ بشیر نجفی، شرکت کرده است. بدیری بعد از شروع مدت کوتاهی از درس خارجش، در سال ۲۰۱۲ با اعلام مرجعیت در نجف دفتر تأسیس کرد و از ابتدا، مانند صرخی (که در موارد متعدد در لباس دفاع از صرخی و عقاید و علمیت او درآمده) تأکید بر مرجعیت عربی

داشته و به همین خاطر از ابتدای تلاش برای ارتباط و نفوذ در عشایر عراقی داشته است؛ به طوری که در اکثر مراسم ترحیم بزرگان و شیوخ عشایر شرکت می‌کند یا پیام تسلیت می‌فرستد و در مجالس مختلف عشایر حاضر می‌شود.

بدیری عقاید و آراء مختلف و گاه متناقضی ابراز می‌کند؛ او در بعضی مصاحبه‌ها نظراتی کاملاً مخالف معتقدات شیعه و موافق وهابیت بیان کرده و گاهی مخالفین با افکار خودش را منافق و فاجر می‌نامد.^۲ به همین دلیل نیز در چند سال اخیر اعتبار و جایگاه اجتماعی‌اش در میان عامه مردم به شدت کاهش یافته است، به صورتی که سال گذشته، زمان شرکت در موکب نجف اشرف با برخورد شدید عده‌ای روبه‌رو شد که قصد بیرون کردن او از مجلس را داشتند.

همچنین البدیری در سال‌های اخیر به یکی از ارکان و اعضای «مجلس الإسلامي العالمي لعلماء الدين» تبدیل شده است. این موضوع زمانی به صورت رسمی مطرح شد که صفحه فیس‌بوک البدیری تصویر حضور شیخ صالح سیبویه^۳ در دفتر او در نجف را منتشر کرد. مدتی پس از انتشار این تصویر، البدیری در ژانویه ۲۰۲۳ در صدر هیئتی همراه با محمد توحیدی (نائب رئیس «مجلس الإسلامي العالمي

1 facebook.com/watch/?v=2278189435761128

2 facebook.com/fa.albudary/?locale=ar_AR

۳ فرزند مرحوم میرزا احمد سیبویه و فعال ترین نماینده جریان شیرازی در عرصه بین‌الملل که هم اکنون رئیس «مجلس الإسلامي العالمي لعلماء الدين» بوده و مسئول مراکز اسلامی منتسب به این جریان در کانادا، کوبا و سوئیس است.

لعلماء الدین» که رابطه بسیار نزدیک با او دارد) و استقبال محمدعلی حسینی^۱ به عربستان سفر کرد و با «محمد العیسی»، دبیر کل «رابطه العالم الاسلامی» و مهره اصلی سعودی‌ها برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، دیدار و گفت‌وگو کردند. این سفر بازتاب قابل ملاحظه‌ای در رسانه‌های وابسته به سعودی داشت و پس از این سفر، ساختمان بیت و برانی او در نجف از یک منزل ۹۰ متری به یک ساختمان ۳ طبقه تبدیل شد.



به نظر می‌رسد که البدیری، با وجود تفاوت‌های فاحش در دیدگاه‌های فکری و عقیدتی با جریان شیرازی، توانسته است در پروژه

۱ معمم لبنانی تبعه سعودی که دبیر یک مرکز ناشناخته به نام «المجلس الاسلامی العربی» و عضو سابق حزب الله است که بعد از جاسوسی برای اسرائیل از حزب الله اخراج و دستگیر شد و بعد از آزادی مدتی با مجاهدین خلق ایران همکاری کرد و سپس به عربستان رفته و تبعه سعودی شد.

سیاسی «مجلس الاسلامی العالمی لعلماء الدین» ارتباط نزدیکی با مهره‌های این جریان برقرار کرده و گام‌های مشترکی را تعریف کند. روشن است که این مجلس، به هیچ وجه مورد تأیید یا همکاری حوزه علمیه نجف و علما نیست و در عراق صرفاً توسط منتسبین به «مدرسه سیده الزهراء» در بغداد (وابسته به جریان شیرازی) فعالیت می‌کند و در شهر نجف، به جز البدیری، هیچ نماینده یا شعبه‌ای ندارد.

بازتاب دستگیری «البدیری» در عراق

دستگیری البدیری به صورت ناگهانی و در شهر کاظمین اتفاق افتاد، به همین دلیل بازتاب خبری قابل ملاحظه‌ای در شبکه‌های اجتماعی عراق پیدا کرد. همان طور که گفته شد، بر اساس توضیح رسمی دولت عراق، این دستگیری به دلیل محکومیت البدیری در یک پرونده کلاهبرداری مالی در استان ذی قار است که حکم آن در سال ۲۰۲۱ توسط محاکم قضائی صادر شده است. همچنین با منسوب شدن «نجاح یاسر العابدی» به عنوان رئیس پلیس جدید استان ذی قار در ماه اکتبر [مهرماه] سال جاری، به دستور او بیش از چهار هزار حکم بازداشت صادر شده توسط محاکم قضائی که به دلایل نامشخص معلق شده بودند، دوباره فعال شده و متهمان آن‌ها دستگیر شدند و دستگیری البدیری نیز یکی از همین موارد است.

البته بر اساس گزارش‌های خبری از شهر ناصریه و استان ذی قار، فعال شدن دوباره چند هزار پرونده معلق کاملاً جدی بوده و منجر به

دستگیری نزدیک ۳۰۰ نفر طی سه روز شده است؛ تا حدی که مشاور استاندار ذی قار نیز یکی از افراد دستگیر شده بوده و این دستگیری‌ها منجر به تنش‌ها و تظاهرات‌هایی نیز در استان شده است. بنابراین به نظر می‌رسد فعال شدن دوباره پرونده البدیری در این برهه زمانی کاملاً موجه است.



دیدگاه اطرافیان البدیری

در طرف مقابل، نزدیکان و اطرافیان البدیری مسئله دستگیری او را کاملاً سیاسی و برآمده از کنش‌ها و سخنرانی‌های او می‌دانند و معتقدند این موضوع به سابقه حمله او به حزب الله لبنان بازمی‌گردد. در سال ۲۰۱۷، البدیری همکاری حزب الله لبنان با داعش علیه دولت عراق را در رسانه‌ها مطرح کرد و پس از مدت کوتاهی، بعد از خروج از یکی از

مجالس در نجف، مورد حمله مسلحانه قرار گرفت که در این جریان، ۳ تن از محافظان او کشته شدند، اما خودش بدون هیچ جراحتی جان سالم به در برد. البدیری این ترور را به نزدیکان حزب الله نسبت داد و تصریح کرد که چندین بار از جانب آن ها تهدید شده که در صورت عدم عذرخواهی و تصحیح مواضع گذشته و رفع اتهام از حزب الله، عواقب شدیدی در انتظار اوست.

اما ساعاتی بعد از شهادت دبیرکل فقید حزب الله لبنان، سید حسن نصرالله، مصاحبه ای از محمدعلی حسینی با شبکه العربیه در فضای رسانه ای عرب زبان به صورت وسیعی منتشر شد که در آن، حسینی حرف هایی علیه سید حسن نصرالله و خیانت دولت ایران مطرح کرد و در مقام دفاع از اسرائیل برآمد. با توجه به فضای احساسی برآمده از شهادت سید مقاومت در عراق و واکنش مراجع و حوزه علمیه نجف به این موضوع، تصاویر چند ماه قبل همراهی سید محمدعلی حسینی و البدیری دوباره در فضای مجازی عراق مورد توجه قرار گرفت. فضای منفی ایجاد شده از این موضوع باعث شد تا البدیری با انتشار یک کلیپ کوتاه در فیسبوک خود مدعی شود که محمدعلی حسینی رانمی شناخته و در زیارت عمره صرفاً از او در فرودگاه استقبال کرده است و برای افتتاح یکی از مراکز پژوهشی رابطه از او دعوت شده است. با این حال، پس از دستگیری او، اطرافیان البدیری معتقدند این موضوع در فعال شدن دوباره پرونده او در ذی قار مؤثر بوده و دلیل اصلی دستگیری او همین موضوع گیری های اوست.

الأزهر مصر



COP۲۹ دیدارهای گسترده احمد الطیب در حاشیه



کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد (COP۲۹) در تاریخ ۱۱ نوامبر در باکو آغاز به کار کرد. احمد الطیب برای شرکت در رویداد حاشیه‌ای «اجلاس جهانی رهبران دینی» و برای سخنرانی درباره بحران‌های زیست‌محیطی کنونی به باکو سفر کرد. در حاشیه این نشست، احمد الطیب دیدارهای متعددی با سران و مقامات سیاسی داشت.

شیخ الأزهر در باکو با امامعلی رحمان، رئیس جمهور تاجیکستان دیدار کرد. رئیس جمهور تاجیکستان با تقدیر از نقش الأزهر در ترویج اسلام معتدل و تربیت علمای برجسته تاجیکی، دعوت رسمی خود را برای سفر شیخ الأزهر به تاجیکستان اعلام کرد. احمد الطیب ضمن استقبال از این دعوت، آمادگی الأزهر را برای آموزش ائمه تاجیک در زمینه مهارت‌های تبلیغی و ترویج اسلام میانه‌رو اعلام کرد.^۱

همچنین رئیس جمهور قزاقستان، قاسم جومارت توقایف، در دیداری با شیخ احمد الطیب، از نقش الأزهر در ترویج دانش، صلح، و گفتگوی ادیان قدردانی کرد و آن را الگویی برای جهان اسلام دانست. وی شیخ الأزهر را به هشتمین کنگره رهبران ادیان جهانی در آستانه دعوت کرد و بر اهمیت همکاری‌های آموزشی و پژوهشی میان دو کشور تأکید نمود.^۲

گفتنی است که دانشگاه نورمبارک قزاقستان توسط دانشگاه الأزهر مصر بنابر درخواست رییس جمهور وقت این کشور در سال ۲۰۰۱ در آلماتی تأسیس شده و رییس آن از دانشگاه الأزهر اعزام می‌شود و معاونان آن از قزاق‌ها انتخاب می‌شوند. دانشگاه نورمبارک نقش مهمی در ترویج اسلام میانه‌رو و آموزش امامان جماعت و عالمان دینی در قزاقستان ایفا می‌کند.^۳

1 elbalad.news/6381359

2 en.trend.az/business/3969169.html

3 farhangemelal.icro.ir/news/21774

در دیداری مشابه در باکو، احمد الطیب و محمد بن زاید، رئیس امارات، بر اهمیت همکاری‌های مشترک برای ترویج تسامح، اخوت انسانی، و گفتگوهای دینی تأکید کردند. دو طرف همچنین نقش رهبران دینی در افزایش آگاهی درباره تغییرات اقلیمی و ضرورت حفاظت از محیط زیست را مورد بحث قرار دادند.^۱

شیخ الأزهر همچنین در دیدار با رئیس جمهور آذربایجان، الهام علی‌اف، بر تقویت همکاری‌های دینی و علمی میان دو کشور تأکید کرد. دو طرف نقش رهبران دینی در افزایش آگاهی نسبت به تغییرات اقلیمی را مورد تأکید قرار داده و خواستار بسیج جهانی برای توقف تجاوزات علیه غزه و لبنان شدند. رئیس جمهور آذربایجان مشارکت شیخ الأزهر در کنفرانس COP۲۹ را افتخاری برای کشورش دانسته و بر اهمیت همگرایی جهان اسلام برای مقابله با چالش‌های معاصر تأکید کرد. همچنین کنفرانس اسلامی بحرین که در آغاز سال میلادی پیش رو برگزار می‌شود، مورد حمایت هر دو طرف قرار گرفت و گامی مهم برای تقویت وحدت اسلامی خوانده شد.^۲

شیخ الأزهر در دیدار با محمد یونس، رئیس دولت انتقالی بنگلادش، بر نقش تاریخی الأزهر در نهضت بنگلادش و تقویت همکاری‌های علمی و دینی تأکید کرد. یونس، مبتکر پروژه «بانک فقرا»، از نقش فتوای الأزهر در پذیرش این ابتکار و کمک به فقرای بنگلادش

۱ شیخ-الأزهر-یلتقی-الشیخ-محمد-بن-زاید-فی-ا/raiaiyoun.com

۲ gate.ahram.org.eg/News/5029160.aspx

قدردانی کرد و تأکید کرد که بدون حمایت الأزهر، این پروژه نمی‌توانست به موفقیت برسد. شیخ الأزهر ضمن استقبال از گسترش همکاری‌ها، آمادگی خود را برای افزایش بورسیه‌های تحصیلی دانشجویان بنگلادشی اعلام کرد و دعوت یونس برای سفر به بنگلادش را پذیرفت.^۱



شیخ الأزهر احمد الطیب در دیدار با عبداللطیف رشید، رئیس‌جمهور عراق، بر اهمیت وحدت صفوف اسلامی و عربی برای مقابله با چالش‌های معاصر به‌ویژه توقف تجاوزات علیه غزه و لبنان تأکید کرد. وی از نقش تاریخی عراق در علوم اسلامی و روابط عمیق با

1 gate.ahram.org.eg/News/5029859.aspx

الأزهر یاد کرد و از همبستگی امت اسلامی به عنوان تنها راه حل یادآور شد. احمد الطیب در این دیدار نیز بر حضور تمام کشورهای مسلمان در کنفرانس اسلامی پیش رو در بحرین تأکید کرد. رئیس جمهور عراق نیز از مواضع الأزهر در حمایت از فلسطین و انتقاد از جانبداری های بین المللی قدردانی کرد و بر تداوم حمایت عراق از حقوق فلسطینی ها تأکید نمود. شیخ الأزهر دعوت برای سفر به عراق را پذیرفت.^۱

احمد الطیب در دیدار با شارل میشل، رئیس شورای اروپا، از تلاش های الأزهر برای ترویج صلح جهانی و امضای «وثیقه اخوت انسانی» سخن گفت و نسبت به برخورد دوگانه غرب با مسائل خاورمیانه، به ویژه تجاوزات غزه، انتقاد کرد. وی تصریح کرد که معیارهای نا عادلانه و حمایت از قدرت های نظامی و اقتصادی، به جای ارزش های انسانی، به تشدید خشونت ها دامن زده است. رئیس شورای اروپا با تأکید بر نقش الأزهر به عنوان مرجعیت اسلامی جهان، بر لزوم استفاده از روش های میانه روی الأزهر برای مقابله با افراط گرایی و ارتقای همزیستی مسالمت آمیز تأکید کرد و از همکاری بیشتر با الأزهر در آموزش ائمه اروپایی استقبال نمود.^۲

1 gate.ahram.org.eg/News/5029734.aspx

2 gate.ahram.org.eg/News/5029327.aspx

نخست وزیر مالزی در بازدید از الازهر بر نقش روشن‌گرانه این نهاد تأکید کرد



نخست وزیر مالزی، انور ابراهیم، در جریان سفر رسمی به مصر، در مرکز کنفرانس الازهر سخنرانی کرد و نقش الازهر را به عنوان نماد روشن‌گری و ترویج اعتدال و وسطیت اسلامی ستود. وی فارغ التحصیلان این نهاد را سفیرانی برای نشر ایمان، دانش، و ارزش‌های اسلامی در سراسر جهان، از جمله مالزی، توصیف کرد.

انور ابراهیم ضمن تقدیر ویژه از شیخ الازهر، احمد الطیب، وی را الگویی از اعتدال و شجاعت در حمایت از مسائل اسلامی، به ویژه موضوع فلسطین، دانست.

وی همچنین به چالش اسلام‌هراسی پرداخت و تأکید کرد که این معضل ناشی از جهل عمیق نسبت به دستاوردهای اسلامی در تمدن جهانی است. او راه مقابله با این پدیده را آموزش، حکمت، و تبادل فرهنگی دانست و خواستار تلاش برای ایجاد جامعه‌ای فراگیر و مبتنی بر احترام متقابل شد.

نخست وزیر مالزی گفت که کشورش از تلاش‌های شیخ الازهر برای تأسیس مؤسسه‌ای برای آموزش زبان عربی در کوالالامپور قدردانی می‌کند.

احمد الطیب و سردرگمی در پروژه دیانت ابراهیمی



«بوابة الأزهر»، رسانه رسمی دانشگاه الازهر مصر، در گزارشی از دیدار شیخ الازهر، احمد الطیب، با محمد خلیفه المبارک، رئیس اداره فرهنگ و گردشگری ابوظبی، خبر داد. بنابر این گزارش، محمد المبارک

سلام و تشکر محمد بن زاید، رئیس امارات را به احمد الطیب رسانده و از تلاش‌های شیخ الازهر برای ترویج اسلام میانه‌رو، تسامح و مقابله با افکار افراطی تمجید کرد.

در ادامه این گزارش آمده که در این دیدار، به نقش مسجد «امام احمد الطیب» در ابوظبی به عنوان یکی از مقاصد مذهبی برجسته و مرکزی برای برنامه‌های قرآنی، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی اشاره شده و همچنین بر اهمیت حفظ زبان عربی و تولید محتوای اسلامی جذاب برای نسل جوان در مقابله با افراط‌گرایی تأکید شد. شیخ الازهر نیز از روابط تاریخی و مستحکم الازهر و امارات، از جمله سند «برادری انسانی» که در ابوظبی امضا شد، قدردانی کرد و بر نقش نهادهای فرهنگی در جذب نسل جوان به ارزش‌های اسلامی تأکید کرد.^۱

روایت خبر از زاویه‌ای دیگر

اما خبرگزاری دولتی امارات (وام)، این دیدار را به گونه‌ای متفاوت گزارش کرد. طبق روایت این پایگاه، شیخ الازهر، احمد الطیب، در قاهره میزبان هیئتی از بیت العائلة الإبراهیمیه به سرپرستی محمد خلیفه المبارک بود. در این دیدار، بر تعهد مشترک برای تقویت گفت‌وگوی ادیان و ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید شد. دو طرف درباره تلاش‌ها برای گسترش فرهنگ گفت‌وگو، همکاری و تأثیر مرکز بیت العائلة الإبراهیمیه، از زمان افتتاح آن در سال ۲۰۲۳، گفتگو کردند.

همچنین هیئت بیت العائلة به پاس حمایت شیخ الأزهر از گفت و گوی ادیان، ماکتی از مسجد «امام احمد الطیب» رابه اوتقدیم کرد.^۱



بلا تکلیفی احمد الطیب

در حالی که احمد الطیب برای در امان ماندن از خطر تضعیف بیش از پیش الأزهر از سوی عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهور مصر، چاره‌ای جز پناه آوردن به آغوش محمد بن زاید نیافته است، خود را در میانه‌ی پروژه‌ی مذهبی مشترک امارات و واتیکان وصله‌ای ناجور می‌بیند. شیخ الأزهر با آنکه در این پروژه با پاپ فرانسیس و محمد بن زاید دست بیعت داده و همراهی کاملی با خواسته‌های بن زاید داشته و هزار چندگانه‌ی وظیفه خود می‌بیند که دیداری با سران امارتی تازه‌کند، اما

¹ wam.ae/a/b5t7ube

«دیانت ابراهیمی» را خط قرمزی می‌بیند که مشروعیت و اقتدار نهاد دینی‌الازهر را زیر سؤال می‌برد.

در همان بحبوحه فضا سازی‌های رسانه‌ای درباره دیانت ابراهیمی، احمد الطیب نسبت به ترویج اصطلاحی موسوم به «دیانت ابراهیمی» که هدف ادغام ادیان یهودی، مسیحی و اسلام ذیل یک دین واحد و یکپارچه را دنبال می‌کند، واکنش مهمی نشان داد و این ایده را به شدت رد کرد. وی گفت: «هرچند ایده دیانت ابراهیمی، در ظاهر دعوت به وحدت جامعه بشری، اتحاد آن و پایان دادن به درگیری‌ها است، اما در واقع دعوت به مصادره ارزشمندترین دارایی‌های بنی بشر یعنی آزادی اعتقاد، آزادی ایمان و آزادی انتخاب است».^۱

در این میان، او گرچه مجبور است با هیئت از «بیت العائلة الإبراهیمية» دیدار و خوش و بش کند، اما بی‌شک تمایل ندارد در رسانه‌ای کردن این خبر حتی اشاره‌ای به نام این هیئت و پروژه‌ی دیانت ابراهیمی شود.

سازمان دیانت ترکیه



افتتاح بزرگترین مسجد بالکان دریای تخت آلبانی



رئیس جمهور ترکیه مسجد جدید نمازگاه در تیرانا پایتخت آلبانی را پس از هشت سال تأخیر افتتاح کرد. این مسجد دارای چهار مناره به ارتفاع ۵۰ متری و یک گنبد مرکزی به ارتفاع ۳۰ متر است که آن را به نمادی از تساهل مذهبی و همزیستی بین جوامع تبدیل کرده است.

افتتاح مسجد در زمانی انجام می‌شود که نیاز مبرمی به مسجد برای هزاران مسلمانی که قبلاً در خیابان‌ها یا در کنار مساجد کوچک نماز می‌خواندند وجود داشت.

گزمند تکیا، امام جماعت این مسجد می‌گوید: پس از سقوط رژیم کمونیستی و از سرگیری مراسم دینی، همه گروه‌های مذهبی در آلبانی آرزوی عبادتگاهی نمادین را داشته‌اند که مؤمنان را در خود جای دهد. با افتتاح این مسجد به هدف همزیستی جوامع مذهبی در آلبانی می‌رسیم.

آمارها نشان می‌دهد که در این کشور گروه‌های مذهبی مختلف بدون تنش در کنار هم به صورت مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند. تکیا افزود: ما مردم آلبانی سنت تسامح را به ارث برده ایم و بازدیدکنندگان از ادیان دیگر به اینجا می‌آیند و دستان خود را به دعا بلند می‌کنند و این نمونه خوبی از همزیستی در میان ماست.

کار ساخت این مسجد در سال ۲۰۱۵ آغاز شد و یک سال کامل ادامه یافت، اما به دلیل ترس از نفوذ گروهی که ترکیه آن را یک سازمان تروریستی می‌داند، افتتاح آن به تعویق افتاد. آنکارا اعلام کرد که مسجد نمازگاه توسط یک مؤسسه ترکیه‌ای اداره می‌شود که تلاش خواهد کرد تا اطمینان حاصل کند که هیچ گروه افراطی بر فعالیت‌های آن تأثیر نمی‌گذارد.

این مسجد شامل سالن‌های متعددی برای عبادت و برگزاری برنامه‌ها، سالن کنفرانس، فضای نمایشگاهی و یک کتابخانه دو طبقه است که استفاده از آن برای همه نه فقط مسلمانان آزاد است.

گردشگران زیادی از کشورهای مختلف برای بازدید از این مسجد آمده‌اند. آنها این بنا را مسجدی زیبا و پر از مؤمنان با شور و شوق دینی می‌خوانند.

مسجد نمازگاه به طور رسمی در ۱۰ اکتبر ۲۰۲۴ (۱۹ مهرماه) افتتاح شد و همه امیدوارند که به تقویت گردشگری در پایتخت آلبانی کمک کند. بیش از ۵۰ درصد از جمعیت ۲،۴ میلیونی آلبانی را مسلمانان تشکیل می‌دهند. طبق سرشماری سال ۲۰۲۳، ۸ درصد از مردم این کشور کاتولیک و ۷ درصد ارتدوکس هستند.^۱

ترکیه و دیپلماسی دینی در بالکان: ابعاد، اهداف و چالش‌ها

دیپلماسی دینی ترکیه، به ویژه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه (AKP)، به ابزاری مهم برای تقویت نفوذ این کشور در مناطقی مانند بالکان تبدیل شده است. این رویکرد که توسط نهادهای دولتی مانند سازمان دیانت و سازمان‌های مردم نهاد اسلامی اجرا می‌شود، علاوه بر اهداف فرهنگی و دینی، جنبه‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی نیز دارد. ترکیه از طریق این دیپلماسی تلاش می‌کند جایگاه خود را در این

منطقه استراتژیک تثبیت کند و تصویر خود را به عنوان یک رهبر در جهان اسلام تقویت نماید.



ابعاد و ابزارهای دیپلماسی دینی ترکیه

دیپلماسی دینی ترکیه به فعالیت‌هایی نظیر ساخت و بازسازی مساجد، اعزام امامان، انتشار متون اسلامی، ارائه کمک‌های بشردوستانه و آموزش جوانان مسلمان منطقه متکی است. سازمان دیانت، به عنوان نهاد اصلی دینی ترکیه، نقش مهمی در اجرای این سیاست‌ها ایفا می‌کند.

طبق گزارش سال ۲۰۱۶ سازمان دیانت، این نهاد در بیش از ۱۰۰ کشور دارای دفاتر فعال است و حدود ۲,۰۰۰ نفر از کارکنان آن در سراسر جهان مشغول فعالیت هستند. در بالکان، دیانت دفاتر مشاوره دینی در همه کشورهای منطقه به جز اسلوونی دارد و پروژه‌هایی از قبیل ساخت «مسجد نمازگاه» در تیرانا، پایتخت آلبانی، راه‌دایت کرده است.

این مسجد که بزرگ‌ترین مسجد منطقه محسوب می‌شود، نمادی از نفوذ فرهنگی و مذهبی ترکیه است.

برنامه «شهرهای خواهرخوانده» نیز یکی دیگر از ابزارهای دیپلماسی دینی ترکیه است. تا سال ۲۰۱۵، از میان ۲۱۵ رابطه خواهرخواندگی در جهان، ۶۶ مورد متعلق به بالکان بوده که نشان‌دهنده اهمیت این منطقه برای ترکیه است. این برنامه‌ها شامل ساخت بیش از ۱۰۰ مسجد، مدارس دینی و کلاس‌های قرآن در کشورهای بالکان بوده است.

اسلام ترکی: میراث عثمانی و نسخه‌ای ویژه از دین

اسلام ترکی، که از میراث تاریخی امپراتوری عثمانی نشأت می‌گیرد، به عنوان یک نسخه متمایز از اسلام با ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی خاص، نقش مهمی در دیپلماسی دینی ترکیه ایفا می‌کند. این شکل از اسلام، بر پایه مذهب حنفی و آموزه‌های ماتریدی بنا شده است و با تأکید بر عقلانیت، اعتدال و تساهل، به خوبی با فرهنگ و سنت‌های جوامع مسلمان بالکان سازگار است.

در مناطقی مانند بوسنی و هرزگوین، کوزوو و آلبانی، که میراث عثمانی هنوز در خاطره جمعی مسلمانان زنده است، اسلام ترکی به دلیل پیوندهای عمیق فرهنگی و تاریخی با استقبال روبه‌رو شده است. این پیوندها با حضور طولانی‌مدت سلسله‌های صوفیانه، به ویژه

نقشبندیه، تقویت شده‌اند. صوفی‌گری در این مناطق، یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال ارزش‌های اسلام ترکی بوده‌است.

با فروپاشی یوگسلاوی و وقوع جنگ‌های دهه ۱۹۹۰، بسیاری از گروه‌ها و جریان‌های اسلامی خارجی، از جمله سازمان‌های اسلامی وابسته به عربستان و ایران تلاش کردند تفسیرهای خاص خود از اسلام را در این منطقه گسترش دهند. با این حال، ترکیه از طریق سازمان دیانت و با حمایت ایالات متحده، موفق شد نفوذ این جریان‌ها را کاهش دهد. به گفته گزارش‌های منتشرشده توسط «گروه بحران بین‌المللی»، ترکیه توانسته‌است با بهره‌گیری از رویکردی متعادل، نفوذ ایدئولوژی‌های وهابی و شیعی را به حداقل برساند و جایگاه خود را به عنوان یک نیروی پایدار و مثبت در میان مسلمانان بالکان تثبیت کند. در این میان، نباید پذیرش بالاتر «اسلام ترکی»، به دلیل میراث و تاریخ مشترک فرهنگی در این منطقه، از نظر دور داشت.

دلایل و اهداف دیپلماسی دینی ترکیه در بالکان

یکی از دلایل اصلی تمرکز ترکیه بر دیپلماسی دینی در بالکان، میراث غنی عثمانی در این منطقه است که پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی عمیقی میان ترکیه و مسلمانان این سرزمین ایجاد کرده‌است. به عنوان مثال، در بوسنی و هرزگوین بیش از ۱۰۰۰ مسجد و آثار تاریخی باقی‌مانده از دوران عثمانی وجود دارد که ترکیه با بازسازی آن‌ها تلاش دارد این میراث را احیا کند.

موقعیت استراتژیک بالکان و جوامع ترک تبار در کشورهایمانند کوزوو و مقدونیه نیز فرصت‌های بی‌نظیری را برای ترکیه فراهم کرده است. ترکیه از این موقعیت بهره می‌برد تا خود را به‌عنوان یک «برادر بزرگ‌تر» و حامی مسلمانان منطقه معرفی کند. در همین راستا، دولت ترکیه با ترویج اسلام ترکی به‌عنوان نسخه‌ای معتدل و سازگار، در تلاش است با جریان‌های افراط‌گرایانه مورد حمایت کشورهای خلیج فارس و ایران رقابت کند.

چالش‌ها و محدودیت‌ها

با وجود دستاوردهای قابل‌توجه، دیپلماسی دینی ترکیه با چالش‌هایی روبه‌رو است. یکی از این چالش‌ها، نگرانی دولت‌های بالکان از نفوذ خارجی در نهادهای دینی است. در صربستان، اختلاف میان دو جامعه اسلامی که یکی وابسته به ساریوو و دیگری نزدیک به بلگراد بود، با میانجی‌گری دیانت در سال ۲۰۰۹ آغاز شد. اما عدم بی‌طرفی ترکیه، که به نظر می‌رسید به جامعه نزدیک به بلگراد گرایش بیشتری داشت، باعث شد این تلاش‌ها به نتیجه نرسد.

از سوی دیگر، شکاف سیاسی داخلی ترکیه، به‌ویژه در پی کودتای نافرجام ۲۰۱۶، بر کارآمدی دیپلماسی دینی تأثیر منفی گذاشته است. پیش از این کودتا، شبکه گسترده مدارس و مراکز آموزشی وابسته به جنبش گولن، به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم دیپلماسی نرم ترکیه در بالکان فعالیت می‌کرد. با این حال، پس از سرکوب این جنبش، ظرفیت

ترکیه برای اجرای برنامه‌های مشابه کاهش یافت. به عنوان مثال، در آلبانی، ۶ مدرسه اسلامی از ۷ مدرسه دینی کشور، پیش‌تر تحت مدیریت این جنبش بوده که پس از کودتا تضعیف شدند.

پیامدهای ژئوپلیتیکی

تغییرات در سیاست خارجی ترکیه نیز به چالش‌های دیپلماسی دینی آن دامن زده است. نزدیکی ترکیه به روسیه و فاصله گرفتن از اتحادیه اروپا موجب نگرانی جوامع مسلمان بالکان شده است. این در حالی است که بیشتر کشورهای این منطقه تمایل دارند به اتحادیه اروپا بپیوندند و رویکرد ترکیه ممکن است باعث ایجاد گسست در روابط شود.

همچنین، استفاده سازمان دیانت از زیرساخت‌های خود برای پیشبرد تبلیغات سیاسی دولت، از جمله در انتخابات پارلمانی بلغارستان در سال ۲۰۱۷، واکنش‌های منفی را در منطقه برانگیخته است. به عنوان مثال، در اتریش، ۴۰ امام وابسته به دیانت به دلیل فعالیت‌های مرتبط با دولت ترکیه، با محدودیت‌های ویزا مواجه شدند. کوتاه آنکه، دیپلماسی دینی ترکیه با استفاده از ابزارهایی نظیر سازمان دیانت و شبکه‌های مردم نهاد توانسته است نفوذ این کشور را در بالکان تقویت کند. با این حال، موفقیت بلندمدت این سیاست‌ها به

توانایی ترکیه در مدیریت حساسیت‌های محلی و کاهش تأثیرات منفی تنش‌های داخلی و بین‌المللی بستگی دارد.^۱

غرباء: ناشر سلفی جهادی که همچنان در ترکیه آزادانه فعالیت می‌کند



یک انتشارات ترکی که آثار جهادی چاپ می‌کند، از جمله مطالبی که از سوی داعش برای آموزش مورد استفاده قرار می‌گیرد، در ترکیه بدون هیچ‌گونه پیامدی فعالیت می‌کند و حتی از طریق خریدهایی که برای

1 [rpquarterly.kureselcalismalar.com/quarterly/turkeys-faith-based-diplomacy-in-the-balkans](http://quarterly.kureselcalismalar.com/quarterly/turkeys-faith-based-diplomacy-in-the-balkans)

کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور با پول مالیات‌دهندگان انجام می‌شود، تقویت مالی می‌شود.

کتاب‌هایی که توسط یک انتشارات سلفی در استانبول به نام شرکت «غُرَباءِ یاپینچیلک سان. و تیک. ال تی.دی. (Guraba)»^۱ چاپ شده بودند، در فوریه سال جاری در میان وسایل شخصی شمس‌الله رجبوف، یکی از مظنونان داعش، کشف شد.

رجبوف که در ارتباط با حمله داعش به کلیسای سانتا ماریا در منطقه ساری‌یر استانبول در تاریخ ۲۸ ژانویه ۲۰۲۴ که به مرگ یک نفر منجر شد، بازداشت شده بود، صاحب خودروی هیوندایی بود که دو مهاجم داعش را به محل رساند. او دارای اجازه اقامت ترکیه بوده و به عنوان مترجم نیز کار می‌کرد.



کتاب‌های غرباء قبلاً هم در اختیار تروریست‌های داعش پیدا شده بودند و برخی از این کتاب‌ها برای آموزش مبارزان و جذب نیروهای جدید توسط داعش مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در سال ۲۰۱۶، یک کتاب آموزش جنگ تاکتیکی که توسط غرباء چاپ شده بود، در یک بیمارستان متروکه که پیش از این توسط داعش در شهر الشدادی در جنوب استان حسکه در شمال شرق سوریه استفاده می‌شد، کشف شد. این کتاب که «حرب العصابات» (جنگ چریکی) نام داشت، شامل تاکتیک‌های رزمی برای استفاده علیه حکومت بشار اسد بود و به طور صریح ذکر شده بود که توسط غرباء در ترکیه چاپ شده است.

این انتشارات سابقه‌ای در چاپ و توزیع کتاب‌های جهادی، عمدتاً همسو با ایدئولوژی سلفی افراطی دارد. با این حال، مقامات ترکیه هیچ اقدامی علیه این شرکت یا بنیان‌گذار آن، عبدالله یولجو (با نام شیخ ابو محمد)، که یک واعظ ۶۶ ساله رادیکال است، انجام نداده‌اند.

یولجو که به عنوان یکی از برجسته‌ترین واعظان سلفی در ترکیه شناخته می‌شود، مدیریت «انجمن علمی، فرهنگی و همیاری غرباء (Guraba-Der)» را نیز بر عهده دارد که از تلاش‌های او برای گروه‌های جهادی پشتیبانی می‌کند. این انجمن مجوز فعالیت خود را از وزارت کشور ترکیه دریافت کرده و تاکنون هیچ محدودیتی در فعالیت‌های خود نداشته است.

یولجو، که از ترکمان‌های عراقی است و تابعیت ترکیه دارد، در عربستان سعودی زیر نظر علمای سلفی آموزش دیده و انتشارات او ترجمه‌های ترکی از ادبیات سلفی و همچنین متون اصلی عربی را چاپ می‌کند و آن‌ها را نه تنها در ترکیه، بلکه در خارج از کشور نیز توزیع می‌کند. بررسی کتابخانه‌های عمومی ترکیه نشان می‌دهد که بسیاری از کتاب‌های غرباء از سوی وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه خریداری شده و برای استفاده عموم در کتابخانه‌های سراسر کشور در دسترس قرار گرفته‌اند. این موضوع نه تنها حمایت مالی برای انتشارات فراهم کرده، بلکه مشروعیت عمومی نیز به آن بخشیده است.



جستجوی پایگاه داده کتابخانه عمومی در وبسایت رسمی دولت ترکیه در تاریخ ۱۶ فوریه، ۱۶۱ نتیجه برای کتاب‌های چاپ شده توسط غرباء در کاتالوگ کتابخانه‌ها نشان داد.

برخی از کتاب‌های چاپ‌شده به زبان ترکی و توزیع‌شده در سراسر کشور شامل آثار ابوبصیر الطرطوسی (ملقب به عبدالمنعم مصطفی حلیمه)، یکی از نظریه پردازان جهادی سوری، «کتاب التوحید» از محمد بن عبدالوهاب بنیان‌گذار مکتب وهابی، «جهاد در پرتو قرآن و سنت» از عبدالعزیز الجلیل، «لا تحزن» از عائض بن عبدالله القرنی و «ابتدا توحید» از شیخ ناصر العمر هستند.

طبق اسناد ثبت تجارت، یولجو اکنون تنها مالک غرباء است که در ابتدا توسط اسماعیل یازچی در سال ۱۹۹۴ تأسیس شده بود.

یولجو در رسانه‌های اجتماعی فعال است و از فیسبوک، یوتیوب، توئیتر و اینستاگرام برای انتشار ایدئولوژی خود استفاده می‌کند و هر هفته موعظه می‌کند و با دیگر چهره‌های رادیکال نیز در ارتباط است.

او از پیروان خود خواسته در انتخابات شرکت کنند و گفته که این امر برای مسلمانان ترکیه واجب است. حمایت او از اردوغان به او پشتیبانی سیاسی داده و او را از مشکلات قانونی و برخوردهای سرکوبگرانه دور نگه داشته و امکان ادامه فعالیت‌های تبلیغاتی افراطی خود در ترکیه و خارج از کشور را فراهم کرده است.^۱

1 nordicmonitor.com/2024/02/turkish-salafist-publisher-who-inspired-isis-remains-untouchable-in-turkey



کلیسای کاتولیک



دیدار پاپ با مشهورترین طرفدار سقط جنین ایتالیا



پاپ فرانسیس از اِما بونینو یکی از سیاستمداران کهنه کار ایتالیا که در دهه ۷۰ تلاش کرد سقط جنین را در این کشور قانونی کند، دیدار و عیادت نمود. عکسی که بونینو در شبکه های اجتماعی منتشر کرد، هر دوی آنها را نشان می دهد که روی ویلچر در تراس خانه بونینو در رم نشسته اند. سال گذشته، او گفت که پس از هشت سال مبارزه با سرطان ریه بهبود یافته است.^۱

1 fa.shafaqna.com/?p=1915959

ملاحظه: بونینو برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ به عنوان عضوی از حزب رادیکال ضد تشکیلات ایتالیا انتخاب شد. او باعث تصویب قانونی برای سقط جنین در سال ۱۹۷۸ شد که بعداً در یک همه‌پرسی ملی در سال ۱۹۸۱ تأیید شد.

این دیدار درحالی صورت گرفته که پاپ به عنوان رهبری معنوی مسیحیان کاتولیک بارها مخالفت خود را با سقط جنین اعلام کرده و آن را «قتل یک زندگی انسانی» و مساوی با «استخدام یک قاتل» خوانده است. او بر اساس علم و اخلاق تأکید دارد که از زمان لقاح، حیات انسانی آغاز می‌شود. اما وی در عین حال بر رویکردهای شبانی تأکید دارد و معتقد است کلیسا باید با دلسوزی و پذیرش، با کسانی که از اصول آن دور شده‌اند برخورد کند.

پاپ همچنین موضعی ملایم در قبال سیاست‌مداران کاتولیکی که از سقط جنین حمایت می‌کنند اتخاذ کرده و اعلام کرده که «عشای ربانی پاداشی برای کامل‌ها نیست، بلکه هدیه‌ای است برای حضور عیسی در میان جامعه». او همچنین به تصمیم کلیسای ایالات متحده برای جلوگیری از حضور سیاست‌مداران حامی سقط جنین در مراسم عشای ربانی اعتراض نکرده اما همواره بر لزوم توجه بر مسئولیت شبانی کلیسا تأکید داشته است.

رونمایی از نماد جدید واتیکان



واتیکان اعلام کرد که به منظور جذب جوانان، نمادی جدید برای کلیسای کاتولیک طراحی کرده است: یک شخصیت کارتونی به نام «لوس». اسقف اعظم رینو فیسیچلا، مسئول اصلی برنامه ریزی واتیکان برای جشن سال آینده کلیسای کاتولیک، اظهار داشت: «این نماد از تمایل ما برای ورود به دنیای فرهنگ پاپ، که مورد علاقه جوانان است، الهام گرفته شده است.»

این شخصیت، که نام آن از واژه لاتین به معنای «نور» گرفته شده، توسط سیمون لگنو، یکی از بنیان‌گذاران ایتالیایی برند سبک زندگی توکیدوکی که از فرهنگ ژاپنی الهام می‌گیرد، طراحی شده است. لگنو همچنین شخصیت‌های دیگری به نام‌های «فه»، «ژین» و «اسکای» را به عنوان دوستان «لوس» طراحی کرده است. اسقف فیسیچلا از ویژگی‌های برجسته این نماد به «چشمان روشن و درخشان» و «قلبی

پرامید» اشاره کرده و آن را پلی میان فرهنگ مسیحی و فرهنگ ژاپنی دانسته است.

«لوس» نماد رسمی واتیکان در اکسپو ۲۰۲۵ اوزاکای ژاپن خواهد بود. واتیکان و ایتالیا به صورت مشترک در این نمایشگاه غرفه خواهند داشت. شایان ذکر است که در کلیسای کاتولیک، هر ۲۵ سال یک بار جشنی به نام «سال بخشش و آشتی» برگزار می شود. جشن امسال در شب کریسمس ۲۰۲۴ آغاز و در ۶ ژانویه ۲۰۲۶ به پایان خواهد رسید.^۱

صرفه جویی واتیکان با کسر حقوق اسقف های رم



پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک های جهان، در راستای اجرای سیاست «کسری بودجه صفر»، دستور کاهش ۱۰ درصدی حقوق

1 news.sky.com/story/vatican-unveils-new-cartoon-mascot-for-catholic-church-13244550

کاردینال‌های مستقر در رم (پایتخت ایتالیا) را صادر کرده است. این کاهش که معادل ۵۰۰ یورو در ماه است، از ابتدای نوامبر اجرایی می‌شود. ماکسیمینو کابالرو لدو، رئیس اسپانیایی وزارت دارایی واتیکان و اولین فرد غیرکشیش در این سمت، اعلام کرد که کاردینال‌ها دیگر دو کمک‌هزینه ماهانه دریافت نخواهند کرد. وی تأکید کرد این اقدام به‌طور مستقیم به درخواست پاپ فرانسیس صورت گرفته است.

طبق گزارش‌ها، کاهش حقوق شامل ۲۰ کاردینال از مجموع ۲۳۰ کاردینال کلیسای کاتولیک می‌شود که در رم به‌عنوان «شاهزادگان کلیسا» شناخته می‌شوند. رسانه‌های ایتالیایی تخمین زده‌اند که حقوق ماهانه کاردینال‌های رم بین ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ یورو (معادل ۴۳۰۰ تا ۵۴۰۰ دلار) است.

پاپ فرانسیس که ۸۷ سال دارد و اصالتی آرژانتینی دارد، اخیراً کاهش هزینه‌های واتیکان را به یکی از اولویت‌های اصلی خود تبدیل کرده است. او در نامه‌ای غیرمعمول که ماه گذشته به تمام کاردینال‌های کلیسای کاتولیک جهان ارسال کرد، از آن‌ها خواست سیاست «کسری بودجه صفر» را برای بهبود وضعیت مالی واتیکان و ترویج «روحیه قناعت، پرهیز از اسراف و تعیین اولویت‌های ضروری» در پیش بگیرند.^۱

کلیسای ارتدوکس



رویارویی کلیسای ارتدوکس قبطی با تفکر شیعه



در برهه‌ی اخیر، «حبیب داود دومادیوس» کشیش قبطی اهل مصر به ایران آمد و ضمن دیدار با برخی از علما و مقامات فرهنگی کشور از نزدیکی فکری مسیحیت و شیعه سخن به میان آورد.

او در مراسم سالگرد شهادت سردار قاسم سلیمانی شرکت کرد و از شخصیت او و اقداماتش در عراق و سوریه تمجید نمود و اظهار داشت

که اقدامات سردار سلیمانی در مسیر مبارزه با «تروریسم» و داعش بوده است.

پس از این سفر، گروه‌های تندروی مصری شروع به ایجاد جنجال رسانه‌ای می‌کنند و به بهانه‌هایی از جمله سفرهای او به ایران، به ویژه شهر مقدس قم، و حضورش در برنامه‌های تلویزیونی ایران به کلیسای ارتدوکس مصر اعتراض می‌کنند. آنان به این نکته معترض بودند که این کشیش در این برنامه‌های تلویزیونی درباره نزدیکی میان مسیحیت و مذهب شیعه صحبت کرده است و آن را نوعی «عداوت» با اسلام سنی تفسیر کردند. اسلامی که در مصر و اکثر کشورهای عربی رواج دارد.

پس از بازتاب خبری این سفر در کشور مصر، کلیسای قبطی ارتدوکس بیانیه‌ای درباره این عالم مسیحی صادر کرد. در این بیانیه آمده است: «تمامی اقداماتی جنجال برانگیزی که از سوی کشیش دومادیوس حبیب ابراهیم صورت گرفته، تنها دیدگاه شخصی او را بازتاب می‌دهد و کلیسا هیچ مسئولیتی در قبال این اقدامات ندارد.»

این بیانیه سپس با لحن تندتری در این خصوص موضع‌گیری می‌کند: «این کشیش سال‌ها در هر کلیسایی که خدمت کرده است مشکلات و بحران‌های بسیاری ایجاد کرده و به دلیل این مشکلات به کلیساهای مختلف منتقل گردیده است. همچنین، اقدامات او هر از گاهی باعث ایجاد جنجال در میان مردم، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌شود.»

اما این بیانیه رضایت گروه‌های تندروی اهل سنت کشور مصر را برآورده نمی‌کند. از همین رو، پاپ تواضروس دوم او را از کار در کلیسا منع می‌کند و تصمیم به تشکیل کمیته‌ای متشکل از سه عضو از اسقف‌های کلیسا برای بررسی موضوع می‌گیرد. این کشیش برای حضور در کمیته احضار شد و دلایل اقدامات خود را شرح داد.



پس از اتمام بررسی موضوع اعلام می‌گردد که کلیسا تصمیم به تعلیق کشیش دومادیوس حبیب ابراهیم از خدمات دینی گرفته و وی را از هرگونه ارتباط با رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به صورت کامل منع کرده است. همچنین، برای او دوره‌ای از انزوا در یکی از صومعه‌های قبطی تعیین شده تا فرصتی برای بازنگری در رفتار و اقدامات خود داشته باشد.

این تصمیم به مدت یک سال اجرامی شود و میزان پایبندی وی به این تصمیم در طول این مدت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در صورتی

که او هر یک از سه بند تعیین شده را نقض کند، خود را در معرض خلع از مقام دینی قرار خواهد داد.

از جمله دیگر اقدامات بحث برانگیز این کشیش که بهانه ساز این حملات بوده است اهدای پول به عنوان «عیدی» به مسلمانانی است که در محله های فقیرنشین زندگی می کنند. گروه های تندرو، این اقدام او را «توهین آمیز» دانستند، اگرچه برخی دیگر آن را نشانه ای از تسامح و نزدیکی میان مسلمانان و مسیحیان در مصر تلقی کردند.^۱

مجلس دومای دولتی روسیه قانون ممنوعیت «تبلیغ بی فرزندی» را تصویب کرد



قانون ممنوعیت تبلیغ «بی فرزندی» سه شنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۳ (۱۲ نوامبر ۲۰۲۴) در دومای دولتی روسیه به تصویب رسید. براساس این

قانون، جریمه‌هایی تا سقف ۵ میلیون روبل برای تخطی از آن در نظر گرفته شده است. این قانون که در دومین و سومین قرائت مجلس به تصویب رسید، حمایت تمامی نمایندگان حاضر را جلب کرد و با ۴۰۳ رأی موافق به تصویب نهایی رسید.

قانون ممنوعیت تبلیغ «بی‌فرزندی» سه‌شنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۳ (۱۲ نوامبر ۲۰۲۴) در دومای دولتی روسیه به تصویب رسید. براساس این قانون، جریمه‌هایی تا سقف ۵ میلیون روبل برای تخطی از آن در نظر گرفته شده است. این قانون که در دومین و سومین قرائت مجلس به تصویب رسید، حمایت تمامی نمایندگان حاضر را جلب کرد و با ۴۰۳ رأی موافق به تصویب نهایی رسید.

ویاچسلاو ولودین رئیس دومای دولتی، گفت: «ما به طور خاص در مورد محافظت از شهروندان، در درجه اول از نسل جوان، در برابر اطلاعات منتشر شده در رسانه‌ها صحبت می‌کنیم که بر شکل‌گیری شخصیت آنها تأثیر منفی می‌گذارد.» وی اضافه کرد: «همه کاری باید انجام شود تا اطمینان حاصل گردد نسل‌های جدید شهروندان ما با تمرکز بر ارزش‌های خانوادگی سنتی رشد می‌کنند.»

به گفته وی، قوانین تصویب شده برای حمایت از مردم، تضمین سلامت و ایمنی آنها طراحی شده‌اند.

نمایندگان مجلس دومای دولتی در قرائت دوم و سوم قوانینی را تصویب کردند که انتشار محتوای مخرب را که مانع از فرزندآوری آگاهانه در اینترنت، رسانه‌ها، فیلم‌ها و تبلیغات می‌شود را محدود

می‌کند. برای دستیابی به این هدف، اصلاحاتی در شش قانون موجود انجام شده است که پیش‌تر ترویج پدوفیلی، ال‌جی‌بی‌تی و تغییر جنسیت را ممنوع کرده است.

ویچسلاو ولودین، ابراز امیدواری کرد که این قانون به حفظ ارزش‌های سنتی و حمایت از خانواده‌ها کمک کند.

پیشنهاد این قانون برای اولین بار در ژوئن ۲۰۲۴ مطرح شد، زمانی که معاون وزیر دادگستری، و سویولود وکولوف، از آن به عنوان یک ایدئولوژی با جهت‌گیری افراطی یاد کرد و بر ضرورت مقابله با چنین جریان‌هایی تأکید نمود. در نهایت، این لایحه در ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۴ توسط اعضای مجلس مطرح و بر اساس آن، ایدئولوژی بی‌فرزندی تهدیدی برای ارزش‌های سنتی شناخته شده و عامل ایجاد زمینه‌های کاهش جمعیت تلقی گردید.

موارد ممنوعیت و جریمه‌ها

این قانون هرگونه تبلیغ ایدئولوژی بی‌فرزندی را در رسانه‌ها، سینما، تبلیغات و اینترنت ممنوع کرده است. برای اشخاص حقیقی تا ۴۰۰ هزار روبل، برای مسئولان تا ۸۰۰ هزار روبل و برای اشخاص حقوقی تا ۵ میلیون روبل جریمه تعیین شده که مشابه جریمه‌های مرتبط با تبلیغ تغییر جنسیت و سایر موارد مشابه است.

نمایندگان مجلس دوما، از جمله ماکسیم ایوانوف، مثال‌هایی برای این قانون ارائه کردند. به گفته او؛ فردی که در محیط شخصی از

تمایل خود به نداشتن فرزند صحبت کند، جریمه نخواهد شد اما در مواردی مانند انتشار کتاب، مقاله یا فیلم با محتوای تبلیغ ایدئولوژی بی‌فرزند، این مجازات اعمال می‌شود.

الویرا آیتکولوا یکی از نمایندگان گفت: «هدف از این قانون فقط ممنوعیت تبلیغ است و حق انتخاب فردی برای داشتن یا نداشتن فرزند همچنان محفوظ می‌ماند. همچنین رئیس مجلس دوما تاکید کرد که تصمیم شخصی زنان برای نداشتن فرزند تحت تأثیر این قانون قرار نمی‌گیرد.»

والنتینا ماتویینکو، رئیس شورای فدراسیون، تاکید کرد که این قانون به هیچ وجه اجبار به فرزندآوری نیست و حق تصمیم‌گیری هر فرد بالغ درباره داشتن فرزند را محدود نمی‌کند. وی با انتقاد از روند افراطی شدن فمینیسم در غرب، از آن به عنوان عامل گسترش ایده‌های بی‌فرزند یاد کرد.^۱

کلیسای انگلستان



اسقف اعظم انگلیس به ارتباط اجدادش با صنعت برده‌داری اذعان کرد



«جاستین ولبی»، اسقف اعظم کانتربری، فاش کرد که یکی از اجدادش در جامائیکا مالک برده بوده و پس از لغو برده‌داری توسط دولت بریتانیا، غرامت دریافت کرده است. او تأکید کرده که همچنان به تعهد خود برای رسیدگی به پیامدهای ماندگار و مخرب برده‌داری فرااقیانوسی پایبند است.

ولبی، رهبر کلیسای جهانی انگلیکان، افزود که به تازگی متوجه شده پدرش، «سِر آنتونی مونتگ براون»، منشی خصوصی وینستون چرچیل، اجدادی مرتبط با برده‌داری در جامائیکا و توباگو داشته است. او در این باره توضیح داد: «من فهمیدم که سِر آنتونی مونتگ براون پدر واقعی من است. مادرم در نتیجه یک رابطه کوتاه با او باردار شد و من هرگز ارتباطی با براون، که در سال ۲۰۱۳ درگذشت، نداشتم. او پدر واقعی من است، نه گاوین ولبی، که پس از جدایی مادرم از براون، با او ازدواج کرد.»

به گفته ولبی، براون نوه بزرگ سر جیمز فرگوسن، چهارمین بارونت کیلکران، و صاحب مزرعه‌ای به نام روزل در منطقه سنت توماس بود. این مزرعه بخشی از غرامت ۲۰ میلیون پوندی دولت بریتانیا به مالکان برده پس از لغو برده‌داری را دریافت کرده بود. ولبی تأکید کرد که هیچ بهره‌ای از این غرامت یا عواید ناشی از برده‌داری نداشته، چراکه اصولاً هیچ ارتباطی با پدر واقعی خود نداشته است.

شایان ذکر است که براساس پژوهش‌های اخیر در بریتانیا و آمریکا، بسیاری از سیاستمداران و رهبران کلیسا در این دو کشور اجدادی داشته‌اند که در صنعت برده‌داری و استثمار سیاه‌پوستان آفریقایی نقش داشته‌اند.^۱

ملاحظه: کلیسای انگلستان (Church of England)، در قرن ۱۶ میلادی و در جریان جدایی هنری هشتم از کلیسای کاتولیک رم

1 fa.shafaqna.com/?p=1906139

تأسیس شد و از همان ابتدا رابطه‌ای پیچیده و گاه متضاد با کلیسای کاتولیک داشته است. این کلیسا، که ترکیبی از سنت‌های کاتولیکی و پروتستانی را حفظ کرده، تفاوت‌هایی اساسی با کاتولیک‌ها دارد، مانند نفی اقتدار پاپ و پذیرش ازدواج کشیش‌ها. با این حال، در دهه‌های اخیر، تلاش‌هایی برای گفتگو و نزدیکی بین کلیسای انگلستان و کلیسای کاتولیک، به‌ویژه در زمینه‌های الهیاتی و اخلاقی، صورت گرفته است، هرچند برخی اختلافات تاریخی و اعتقادی همچنان پابرجاست.

استعفای اسقف اعظم انگلیس در پی رسوایی اخلاقی کلیسا



جاستین ولبی، اسقف اعظم انگلستان، در پی افزایش فشارهای عمومی درباره اهمال‌کاری در رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با فساد اخلاقی در کلیسا، از مقام خود استعفاداد.

ولبی روز سه شنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۳ با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که پس از کسب اجازه از چارلز سوم، پادشاه انگلستان، از سمت خود کناره‌گیری کرده است. فشارها برای استعفای او زمانی شدت گرفت که گزارش تکان‌دهنده‌ای درباره گستردگی فساد اخلاقی در کلیسای انگلستان منتشر شد.

بر اساس این گزارش، کشیش «جان اسمیت» در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، دانش‌آموزان پسر را در اردوگاه‌های مذهبی مورد آزار جنسی قرار داده است. با آگاهی مقام‌های کلیسا از این رفتارها، او بدون مواجهه با هیچ‌گونه مجازاتی، از انگلستان خارج شد و به فعالیت‌های خود در خارج از کشور ادامه داد.

طبق این گزارش، یکی از قربانیان آزارهای جنسی اسمیت در سال ۲۰۱۳ به کلیسای انگلستان مراجعه و این موضوع را فاش کرد. ولبی، که در آن زمان از مقام‌های ارشد کلیسا بود، در جریان این پرونده قرار گرفت، اما اقدامی برای پاسخگویی اسمیت انجام نداد. اسمیت در سال ۲۰۱۸، پیش از هرگونه محاکمه، فوت کرد.

پس از افشای این گزارش، اعضای هیئت امنای کلیسای انگلستان طوماری امضا کردند که در آن با ابراز بی‌اعتمادی به عملکرد ولبی، خواستار کناره‌گیری او شدند. در ابتدا، ولبی اعلام کرد که احتمالاً از مقام خود استعفا نخواهد داد، اما روز گذشته با صدور بیانیه‌ای رسمی کناره‌گیری خود را اعلام کرد.

این نخستین بار نیست که کلیسای انگلستان با اتهامات فساد اخلاقی روبه‌رو می‌شود. تحقیقات دو سال پیش، که به گفته رسانه‌های انگلیسی گسترده‌ترین بررسی در زمینه سوءاستفاده‌های جنسی بود، ده‌ها پرونده کودک‌آزاری در کلیسا را شناسایی کرد. در آن زمان، اسقف اعظم کانتربری و اسقف یورک از یافته‌های این تحقیقات عذرخواهی و ابراز شرمندگی کردند.

براساس همان گزارش، از ۳۸۳ مورد فساد شناسایی شده، ۱۶۸ مورد به کودک‌آزاری و ۱۴۹ مورد به آزار جنسی بزرگسالان آسیب‌پذیر مربوط می‌شد. رسانه‌های انگلستان همچنین تأکید کرده‌اند که موارد فساد اخلاقی در کلیسا احتمالاً بیش از آمار اعلام شده است.

البته رسوایی‌های اخلاقی در انگلستان محدود به کلیسا نیست. شش سال پیش، گزارشی درباره فساد اخلاقی در نهاد قانون‌گذاری انگلستان به موضوعی داغ در رسانه‌ها تبدیل شد. تحقیقات نشان داد که آزار جنسی و فساد اخلاقی در میان نمایندگان پارلمان این کشور به دلیل سکوت مقام‌های ارشد به معضلی شایع بدل شده است.^۱



بازگشت ترامپ



**مسیحیان راست‌گرایی که معتقدند ترامپ را خدا فرستاده
است**



در ایالت اوکلاهما، که یکی از ایالت‌های جنوبی و محافظه‌کار ایالات متحده به شمار می‌رود، جریان‌های مذهبی در حال تبدیل شدن به عامل اصلی تعیین‌کننده در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی هستند. این ایالت که به نوعی در مرکز «کمر بند انجیلی» ایالات متحده قرار دارد، شاهد یک هم‌گرایی بی‌سابقه میان دین و سیاست است. این اتحاد مذهبی-سیاسی در اوکلاهما به طور خاص با رهبری کشیشانی

مانند داسقی دیورز، که هم‌زمان سناتور ایالتی است، شکل گرفته و به وضوح بر سیاست‌گذاری‌های ایالتی تأثیر می‌گذارد. دیورز و همکارانش در تلاشند تا به‌طور مستقیم از طریق نفوذ دینی در سیاست، دیدگاه‌های محافظه‌کارانه خود را تقویت کنند و در این مسیر به دنبال ایجاد تغییراتی در قوانین اجتماعی و فرهنگی ایالت و حتی کشور هستند.

این کشیشان، به‌ویژه در کلیساهای باپتیست و سایر فرق مذهبی در ایالات جنوبی، به شدت بر موضوعاتی مانند سقط جنین، آموزش جنسی در مدارس، حق همجنس‌گرایان، و مهاجرت تمرکز دارند. این مسائل نه تنها برای مردم اوکلاهما، بلکه برای بسیاری از ایالات جنوبی، به موضوعاتی حساس و سرنوشت‌ساز تبدیل شده‌اند. کشیشانی چون دیورز به‌طور فعالانه تلاش می‌کنند تا قوانینی را تصویب کنند که مطابق با اصول مسیحی محافظه‌کارانه باشد، قوانینی که در بسیاری از موارد بانگرس‌های سکولار و حقوق بشر در تضاد است.

از طرف دیگر، این حرکت مذهبی-سیاسی با ظهور شخصیت‌هایی مانند دونالد ترامپ در سیاست ایالات متحده هم‌راستا است. ترامپ، که به عنوان یک کاندیدای محافظه‌کار به قدرت رسید، از حمایت قوی بسیاری از رهبران مذهبی و کشیشان برخوردار شد. او که خود را به عنوان مدافع سنت‌های مسیحی معرفی می‌کرد، توانست ائتلاف بزرگی از کلیساهای و گروه‌های مذهبی را پشت سر خود جمع کند. در دوران ریاست جمهوری ترامپ، حمایت‌های بی‌دریغ از گروه‌های مذهبی و

تصویب قوانین محافظه‌کارانه در زمینه‌هایی چون سقط جنین، آزادی‌های مذهبی و نیز معرفی قضات محافظه‌کار به دیوان عالی ایالات متحده، به عنوان نقطه عطف این ائتلاف شناخته می‌شود.

یکی از نتایج این هم‌گرایی میان مذهب و سیاست، تغییرات مهمی در قوانین ایالتی و ملی است که به نفع ارزش‌های مسیحی محافظه‌کارانه انجام می‌شود. این روند به ویژه در ایالات جنوبی مانند اوکلاهما، تگزاس، و آرکانزاس به وضوح مشاهده می‌شود. در این ایالت‌ها، قوانین سختگیرانه تری در زمینه سقط جنین تصویب شده است که برخی از آن‌ها حتی با تلاش‌های مخالفان از طرف دیوان عالی آمریکا رد شده‌اند. این وضعیت به ویژه در اوکلاهما با چالش‌های جدیدی برای معلمان و دانش‌آموزان در مدارس عمومی روبه‌رو شده است. بسیاری از معلمان و والدین در این ایالت‌ها از گنجاندن مطالب مذهبی در برنامه درسی مدارس اعتراض دارند، زیرا این اقدام را مغایر با اصول قانون اساسی و جدایی مذهب از سیاست می‌دانند.

این وضعیت در سطح ملی نیز به شدت مورد توجه قرار گرفته است. در انتخابات ریاست جمهوری اخیر، ائتلاف‌های مذهبی نقشی کلیدی در نتیجه انتخابات ایفا کردند و گروه‌های مذهبی، به ویژه در ایالات جنوبی، از ترامپ به عنوان نماینده ارزش‌های مسیحی و محافظه‌کار حمایت کردند. در نتیجه، این سیاست‌ها بر زندگی روزمره شهروندان آمریکایی تاثیر گذاشته است و به ویژه اقلیت‌ها و گروه‌های مترقی‌تر از این تحولات به شدت نگران شده‌اند. نگرانی‌ها در خصوص تهدید

آزادی‌های فردی و تضعیف حقوق اقلیت‌ها به‌ویژه در زمینه حقوق زنان و حقوق اقلیت‌های جنسی، به موضوعاتی جدی و بحث‌برانگیز در سطح ملی تبدیل شده‌اند.

این تحولات در عرصه اجتماعی و فرهنگی نه تنها در ایالت‌های جنوبی بلکه در سراسر آمریکا هم‌چنان ادامه دارد. گروه‌های مذهبی به‌ویژه در تلاشند تا به‌طور فعال‌تری در روندهای سیاسی کشور تأثیر بگذارند و به‌ویژه در انتخابات ایالتی و ملی از نقش بیشتری برخوردار شوند. در این راستا، بسیاری از سیاستمداران و کاندیداها به دنبال جلب حمایت این گروه‌ها هستند و در تبلیغات خود به ترویج ارزش‌های مذهبی و محافظه‌کارانه می‌پردازند.

در مقابل، این روند با واکنش‌های شدیدی از سوی مخالفان همراه است. گروه‌های مدافع حقوق بشر، سکولارها، و سازمان‌های مدنی با نگرانی‌هایی درباره افزایش نفوذ مذهبی در سیاست و تهدید دموکراسی و آزادی‌های فردی روبه‌رو هستند. این گروه‌ها هشدار می‌دهند که گسترش ناسیونالیسم مسیحی در سیاست ممکن است نه تنها اصول جدایی مذهب از دولت را تهدید کند، بلکه آزادی‌های مذهبی و فردی را نیز تحت الشعاع قرار دهد.^۱

1 bbc.com/persian/articles/crmz23vrmvpo

بازگشت تفکر ملی‌گرایی مسیحی به کاخ سفید



قانون اساسی آمریکا به اصل آزادی دینی به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان آمریکایی اشاره کرده است، و آن را پایه سکولاریسم آمریکایی و اصل تفکیک مسیحیت از دولت می‌داند، اگرچه هیچ اشاره‌ای به نام یا ماهیت هیچ یک از ادیان نشده است، اما در طول تاریخ آمریکا، بحث‌ها و اختلافات زیادی در مورد آزادی‌های دینی وجود داشته است.

در سال‌های اخیر، درگیری‌های پیرامون هویت دینی در ایالات متحده پروبال گرفته است. این امر با ظهور ایدئولوژی «ملی‌گرایی مسیحی» که معتقد است آمریکا در ذات خود یک ملت مسیحی است و این کشور به آن‌ها اختصاص دارد، شدت یافته است. این تفکر، به نوعی با نخستین اصلحیه قانون اساسی که آزادی دین را تضمین می‌کند، در تضاد است و

منجر به تبعیض و گاهی خشونت علیه اقلیت‌های دینی می‌شود. راست‌گرایان دینی از این ایدئولوژی برای آسیب‌رساندن به اقلیت‌های دینی استفاده می‌کنند.

«آماندا تایلر» کارشناس ادیان آمریکایی، در مصاحبه‌ای گفته است: «در نزد ملی‌گرایان مسیحی این کشور، مسیحیت بیشتر به هویت ارتباط دارد تا به دیانت آنان. این تفکر شامل پیش‌فرض‌هایی از جمله ضدیت با مهاجران، برتری نژاد سفید، تسلط بر جامعه و توسل به خشونت در صورت لزوم است.»

دونالد ترامپ پیوسته خطاب به آنان می‌گوید که او می‌داند آن‌ها تحت فشار هستند و در یکی از سخنرانی‌های انتخاباتی خود وعده داد که یکی از اقدامات اولیه‌اش در دوره دوم ریاست جمهوری، تشکیل کارگروهی برای ریشه‌کنی «ضدیت علیه مسیحیت» خواهد بود و تعهد داد که از «سیاست‌ها و محتوای خداپرستی» حمایت خواهد کرد.

در انتخابات ۲۰۲۰، ۸۱٪ از رای‌دهندگان پروتستان تبشیری سفیدپوست به ترامپ رای دادند در حالی که فقط ۱۸٪ به جو بایدن رای دادند.

آمارهای هشداردهنده

یک نظرسنجی که در آن بیش از ۵۴۵۲ رای‌دهنده آمریکایی شرکت داشتند، نشان داد که حمایت از خشونت سیاسی در میان آمریکایی‌های مذهبی در حال افزایش است. برای ارزیابی میزان حمایت

از ملی‌گرایی مسیحی، پنج سوال و جمله مطرح شد که در ذیل آمده است:

۱. آیا خدا از مسیحیان خواسته است که بر تمام جنبه‌های جامعه‌ی آمریکاتسلط داشته باشند؟

۲. آیا دولت ایالات متحده باید اعلام کند که آمریکایک ملت مسیحی است؟

۳. آیا مسیحی بودن بخشی اصلی هویت آمریکایی شما است؟

۴. اگر ایالات متحده از اصول مسیحی دور شود، دیگر کشوری نخواهیم داشت.

۵. آیا قوانین ایالات متحده باید بر اساس ارزش‌های مسیحیت استوار گردد؟

این نظرسنجی، که بزرگ‌ترین نظرسنجی در این زمینه است، نشان داد که می‌توان حدود ۳۰٪ از آمریکایی‌ها را در زمره‌ی طرفداران یا همفکران با ملی‌گرایی مسیحی دانست. این دسته با تمامی و یا معظم عبارات فوق موافق بودند.

حمایت از خشونت سیاسی و نگرانی در مورد وضعیت دموکراسی در آمریکا در حال افزایش است. ۷۵٪ از مردم آمریکا معتقدند آینده دموکراسی در خطر است. همچنین ۲۳٪ از آمریکایی‌ها بر این باورند که برای نجات کشور، ملی‌گرایان واقعی این کشور ممکن است به اعمال خشونت نیاز پیدا کنند. این میزان در سال ۲۰۲۱ فقط ۱۵٪ بود.

از سوی دیگر، آمریکایی‌هایی که معتقدند حق ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ از بین رفته است، بیشتر از دیگران احتمال دارند که از خشونت سیاسی حمایت کنند (۴۶٪ در مقابل ۱۳٪). همچنین ۴۱٪ از کسانی که به نظریه توطئه اعتقاد دارند، حمایت از خشونت سیاسی را تایید می‌کنند. این افراد اعتقاد دارند مهاجران و یهودیان برای مقابله با هیمنه فرهنگی سفیدپوستان مسیحی به این کشور راه داده می‌شوند.

براساس این نظرسنجی، ۳۸٪ از آمریکایی‌ها معتقدند که کشور به یک شخصیت مستبد نیاز دارد تا آن را به مسیر صحیح بازگرداند. کاتولیک‌های لاتین از این تفکر حمایت بیشتری می‌کنند و ۵۱٪ از آن‌ها با این نظر موافق هستند.

آمریکا دوباره مسیحی می‌شود

این نظرسنجی به صورت ژرف به بررسی اعتقاد راسخ آمریکایی‌ها به ایدئولوژی ملی‌گرایی مسیحی پرداخته است. ۳۳٪ از آمریکایی‌ها اعتقاد دارند خدا آمریکا را به مسیحیان اروپایی به عنوان سرزمین موعود عطا کرده است تا توانند جامعه‌ی آرمانی خود را بسازند. بیش از نیمی از پروتستانت‌های انجیلی سفیدپوست با این عبارت موافقت و ۷۷٪ از آمریکایی‌ها معتقدند که بنیان‌گذار کشور آمریکا قصد داشتند یک ملت مسیحی ایجاد کنند.

این نژادپرستان مسیحی بر این باورند که شعار انتخاباتی دونالد ترامپ یعنی «آمریکا را دوباره به عظمت می‌رسانیم» در واقع به معنای بازگرداندن قدرت به مسیحیان سفیدپوست این کشور است.

در بسیاری از کمپین‌های انتخاباتی ترامپ، هزاران نفر از حاضران کلاه‌هایی با عبارت «بیایید تلاش کنیم که آمریکا را دوباره دعا بخواند» به سر می‌گذارند.

۳۹٪ از آمریکایی‌هایی که معتقدند خدا خواسته است ایالات متحده سرزمین موعود برای مسیحیان اروپایی باشد، از استفاده از خشونت سیاسی برای نجات کشور از کسانی که با این باور مخالفت دارند، حمایت می‌کنند.

۵۵٪ از آمریکایی‌ها معتقدند که فرهنگ آمریکایی از دهه ۱۹۵۰ به انحطاط گراییده است. مسیحیان سفیدپوست بیشتر از دیگر گروه‌های دینی با این نظر موافقند (۷۷٪)، در حالی که تنها ۵۷٪ از کاتولیک‌ها با این موضوع موافقت می‌کنند.

دشمنی با دموکراسی و استقبال از خشونت

باور به این که آمریکا سرزمین موعود برای مسیحیان اروپایی است، پایه تفکر ضد دموکراسی به شمار می‌رود. افزون بر این، باورهای ملی‌گرایی مسیحی پیوندی عمیق با تفکراتی دارند که سر تضاد با دموکراسی دارند. از جمله حمایت از نژادپرستی سفید، انکار وجود

نژادپرستی نظام‌مند، یهودی‌ستیزی، اسلام‌هراسی و احساسات ضد مهاجرتی.

موضوع ترسناک‌تر آن است که ملی‌گرایان مسیحی بیشتر از دیگر آمریکایی‌ها معتقدند که خشونت سیاسی در شرایط کنونی ممکن است توجیه‌پذیر باشد تا مانع از کاهش جمعیت سفیدپوستان مسیحی گردد. حدود ۴ نفر از هر ۱۰ نفر از پیروان ملی‌گرایان مسیحی (۳۸٪) و یک سوم از همفکران آنان (۳۳٪) موافقند که چون وضعیت کنونی کشور از مسیر صحیح خارج شده است، ممکن است برای نجات کشور نیاز باشد ملی‌گرایان واقعی این کشور دست به خشونت بزنند.^۱

ترامپیسم: نوستالژی دهه ۱۹۵۰ و بازگشت به گذشته‌ای اسطوره‌شده

کریشنا بوز در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌های ترامپیسم: نمایی از آمریکای اواخر دهه ۱۹۵۰»، تحلیل دقیقی از پدیده ترامپیسم ارائه می‌دهد و آن را بر پایه نوستالژی اسطوره‌ای از دهه ۱۹۵۰ آمریکا توضیح می‌دهد. او این دوران را به عنوان دوره‌ای «بت‌آلود» توصیف می‌کند که به‌ظاهر از تحولات اجتماعی بعدی، مانند جنبش حقوق مدنی، اعتراضات جنگ ویتنام و ظهور فمینیسم، مصون مانده است. بوز معتقد است که ترامپیسم کمتر نوید بازگشت به «عظمت» را می‌دهد و

بیشتر بیانگر نوعی «مقاومت» در برابر تغییرات اجتماعی و فرهنگی است.



نوستالژی دهه ۱۹۵۰: اسطوره‌ثبات و وحدت

به باور بوز، جذابیت سیاسی ترامپ ریشه در اشتیاق برای بازگشت به دورانی دارد که به عنوان زمانی ساده‌تر و با ثبات‌تر در حافظه جمعی بسیاری از آمریکایی‌ها نقش بسته است. حامیان ترامپ، دهه ۱۹۵۰ را

به عنوان «عصر طلایی» قدرت و وحدت آمریکایی تصور می‌کنند؛ دورانی که ایالات متحده بدون چالش‌های داخلی یا خارجی به عنوان یک ابرقدرت سلطه داشت. با این حال، بوز تأکید می‌کند که این دوران به طور عمیق با تبعیض‌های سیستماتیک و هویت‌گرایی محدود تعریف شده بود، به ویژه علیه جوامع غیرسفیدپوست و غیرپروتستان.

بوز، با اشاره به تجربیات شخصی‌اش در تعامل با جامعه طبقه بالای بوستون، تضاد میان تصویر آرمانی از دهه ۱۹۵۰ و واقعیت‌های اجتماعی آن زمان را برجسته می‌کند. او روایت‌هایی از تعصبات نژادی و نابرابری‌هایی ارائه می‌دهد که به رغم ظاهر مودبانه جامعه، عمیقاً در ساختار آن ریشه داشتند. برای مثال، داستان زنی که پسرش را از بازی با کودکان سیاه‌پوست بازمی‌دارد و استفاده عادی از توهین‌های نژادی در میان زنان مرفه، بیانگر ریشه‌دار بودن تعصبات در ساختار اجتماعی آن زمان است.

نوستالژی انتخابی و مقاومت در برابر تغییر

بوز، ترامپیسم را تجسمی از یک نوستالژی ملی حل نشده معرفی می‌کند که به طور انتخابی گذشته را به یاد می‌آورد. شعار «آمریکا را دوباره بزرگ کنیم» در این چارچوب، بازتاب اشتیاق به بازگشت به دورانی است که هویت پروتستان سفید آنگلوساکسون (WASP) بر فرهنگ و سیاست آمریکا مسلط بود. این نوستالژی، مسائل نژادپرستی و نابرابری‌های اجتماعی دهه ۱۹۵۰ را نادیده می‌گیرد و به جای آن، بر

مقاومت در برابر تغییرات جمعیتی وایدئولوژیکی تأکید دارد که آمریکا در دهه‌های اخیر تجربه کرده است.

پیامدهای اجتماعی و سیاسی نوستالژی ترامپیسم

بوز استدلال می‌کند که این نوستالژی، نه تنها ریشه در نارضایتی از «چندفرهنگی مدرن» و «جنبش‌های برابری اجتماعی» دارد، بلکه در برابر اصلاحات اجتماعی دهه ۱۹۶۰، مانند جنبش حقوق مدنی و فمینیسم موج دوم، مقاومت می‌کند. برای حامیان ترامپ، بازگشت به دهه ۱۹۵۰ بازگشتی به زمان ثبات اجتماعی و فرهنگی است که تنوع کم‌تر و نقش‌های اجتماعی آشنا تر داشت.

بوز به طور ظریف نقدی بر محدودیت‌های نوستالژی ارائه می‌کند. او توضیح می‌دهد که پایگاه ترامپ، با آرزوی بازگشت به گذشته‌ای آرمانی، واقعیت‌های تلخ و نابرابری‌هایی را که بسیاری از گروه‌های اجتماعی در آن زمان تجربه کردند، نادیده می‌گیرد. این نوع نوستالژی، به جای پذیرش پیچیدگی‌های تاریخی، تمایلی به ساده‌سازی و اسطوره‌سازی از گذشته دارد که پیامدهای عمیقی بر سیاست و فرهنگ معاصر آمریکا بر جای گذاشته است.

کریشنا بوز در تحلیل خود نشان می‌دهد که ترامپیسم فراتر از یک پدیده سیاسی است؛ این جنبش نمایانگر اشتیاق برای بازگشت به مرزها و نقش‌های اجتماعی آشنایی است که زمانی جامعه آمریکا را تعریف می‌کرد. با این حال، این اشتیاق تا زمانی که پیچیدگی‌های

تاریخی و واقعیت‌های اجتماعی آن «عصر طلایی» درک نشود، می‌تواند به‌گسترش تعصبات و نارضایتی‌های اجتماعی دامن بزند.^۱

چرا اکثریت یهودیان آمریکا به هریس رای دادند؟



طبق آمارهای منتشر شده توسط برخی رسانه‌ها و فعالان سیاسی آمریکایی، بیش از ۷۰ درصد جمعیت یهودیان آمریکا به کامالا هریس رای داده‌اند. این در حالی است که دونالد ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری خود هیچ تلاشی برای دفاع از رژیم اسرائیل فروگذار نکرد و حتی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را به نفع آن نقض کرد. این رخداد دلایل متعددی دارد که به اختصار به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

1 thewire.in/world/trumpism-america-1950s-racism

۱- به طور سنتی، یهودیان عضو حزب دموکرات هستند؛ زیرا این حزب نماینده اقلیت‌های آمریکا بوده و یک حزب لیبرال است که در مقابل محافظه‌کاران، ناسیونالیست‌ها و سایر جریان‌های راست‌گرا قرار می‌گیرد. برخلاف حزب دموکرات، جمهوری خواهان عمدتاً نماینده سفیدپوستان از لحاظ نژادی و اوانجلیست‌ها (مسیحیان پروتستان معتقد به ظهور مسیح) از لحاظ دینی هستند؛ تاجایی که در برخی موارد، آن‌ها به کنیسه‌ها و عبادتگاه‌های یهودی حمله کرده‌اند.

۲- اوانجلیست‌ها که جزو نئوکان‌ها بوده و بر حزب جمهوری خواه سیطره دارند، پروتستان‌های متعصبی هستند که به شدت با یهودیت مخالفند و معتقد به ظهور مجدد حضرت عیسی در اورشلیم هستند. باورهای اوانجلیست‌ها در بسیاری موارد با یهودیان مطابقت دارد؛ برای مثال، آن‌ها معتقدند باید یهودیان بیت المقدس را در کنترل گرفته و برای بار سوم هیکل (معبد سلیمان) را بنا کنند. این معبد مرتبه اول توسط بخت النصر و مرتبه دوم به دست تیتوس، امپراتور روم، تخریب شد. بنابراین، تا اینجای کار یهودیان و مسیحیان اوانجلیست در این نکته اشتراک نظر دارند که باید معبد برای دفعه سوم بنا شود. لکن اوانجلیست‌ها بر این باورند که عیسی مسیح زمانی ظهور می‌کند که نبرد آخرالزمانی آرماگدون در اورشلیم اتفاق بیفتد، معبد سوم نابود گردد و یهودیان نیز کشته شوند. صهیونیست‌ها البته قرائت متفاوتی دارند و پیش‌بینی سوم را خیالی و دروغ می‌پندارند، اما سعی بر همکاری با آن‌ها می‌نمایند تا بتوانند اورشلیم را به طور کامل متصرف شوند.

بنابراین، بسیاری از یهودیان آمریکایی دل خوشی از این مسیحیان آخرالزمانی ندارند و به آن‌ها رای نمی‌دهند.

۳- صهیونیست‌های میانه و چپ‌گرا باور دارند که با توجه به اکثریت مسلمانان ساکن فلسطین، نمی‌توان در این سرزمین یک دولت یهودی حاکم کرد؛ بنابراین باید سازوکار تشکیل دو دولت فلسطینی-یهودی برای حل مناقشات دنبال شود. این راهکار مورد حمایت حزب دموکرات نیز است و به همین دلیل یهودیان چپ‌گرا هوادار این حزب‌اند و به نامزد آن‌ها رای می‌دهند. در مقابل، یهودیان راست‌گرا که نماینده اصلی آن‌ها در حال حاضر نتانیا هوو و حزب لیکود هستند، طرفدار تشکیل یک دولت یهودی بوده و هیچ حقی برای فلسطینی‌ها قائل نیستند. این جریان توسط اوانجلیست‌ها و حزب جمهوری خواه به دلایلی که بیان شد، حمایت می‌شود. اکثر یهودیان آمریکا برای حل معضل فلسطین به راهکار دو دولتی گرایش داشته و با نتانیا هوو و همفکرانش مخالف‌اند.

۴- افشای فسادهای نتانیا هوو و جنایات او در یک سال اخیر و ضرباتی که اسرائیل دریافت کرده نیز در مخالفت با ترامپ بی‌تأثیر نبوده است. زیرا ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری خود حمایت بی‌حد و حصری از وی نشان داد. در حال حاضر، حتی در سرزمین‌های اشغالی نیز مخالفت‌ها با نتانیا هوو به علت فساد مالی، استمرار جنگ‌های بی‌نتیجه، خسته شدن از تهدیدات پیرامونی و ناکارآمدی سیاست‌هایش به شدت بالا گرفته است.

۵- یهودیان چپ‌گرای آمریکایی تبار، از جمله سناتور برنی سندرز، با سیاست‌های استثماری اسرائیل به شدت مخالفند. این گروه نسبت به یهودیان سرمایه‌دار که عمدتاً به جمهوری خواهان منتسب‌اند، ضدیت دارند. خاطرنشان می‌شود که عمده کلان‌سرمایه‌داران یهودی از حزب جمهوری خواه حمایت می‌کنند، زیرا این حزب به طور اصولی نماینده ثروتمندان است.

در نتیجه، با توجه به عوامل فوق‌الذکر و دلایلی که بیان شد، در این انتخابات یهودیان آمریکایی باز هم به حزب دموکرات اعتماد کرده و رای بالای ۷۰ درصدی به کاندیدای آن‌ها دادند.^۱

درخواست اتحاد العلماء برای پایان دادن به جنگ غزه

علی الصلابی، دبیرکل اتحادیه جهانی علمای مسلمان، در گفت‌وگو با «عربی ۲۱» اظهار داشت که پیروزی قاطع دونالد ترامپ، نامزد جمهوری خواه، در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و همچنین تسلط او بر مجلس نمایندگان و سنا، او را برای رهبری ایالات متحده در چهار سال آینده واجد شرایط کرده است. وی این نتیجه را ناشی از رای عرب‌ها و مسلمانان، به ویژه کسانی که جنگ را به طور کلی رد می‌کنند، دانست.

الصلابی تأکید کرد که هرچند معیارهای رای‌دهندگان آمریکایی بیشتر داخلی است، اما با توجه به جنایاتی که اشغالگران علیه

فلسطینیان مرتکب شده اند و نیز افزایش صدهای ضد جنگ در داخل آمریکا، هر رئیس جمهوری، فارغ از گرایش هایش، موظف است به این مطالبات گوش فرا دهد و برای توقف جنگ علیه فلسطینیان و تحقق عدالت گام بردارد.



وی افزود: اگر آمریکای خواهد رهبر جهان باقی بماند، باید عدالت را در اولویت قرار دهد. نشانه عدالت این است که از سیاست های ظالمانه ای همچون تأمین سلاح برای اسرائیل، که به کشتار کودکان و بی گناهان فلسطینی منجر می شود، حمایت نکند. او هشدار داد که ظلم، هر نوع آبادی را به نابودی می کشاند.

الصلابی در پایان ابراز امیدواری کرد که ترامپ در سیاست های کلی آمریکا در باره مسئله فلسطین تجدید نظر کند و گفت: فلسطینیان در نوار غزه و عرب ها و مسلمانان به پیروزی او چشم دوخته اند، با این امید

که این تحول به تغییرات مثبتی در سیاست‌های آمریکا منجر شود و از حمایت از نسل‌کشی در غزه دست بردارد.^۱

نامیدی مسلمانان آمریکا از ترکیب احتمالی کابینه ترامپ



بسیاری از مسلمانان آمریکا که در اعتراض به حمایت دولت بایدن از جنگ طلبی رژیم صهیونیستی در غزه و حملات آن به لبنان از دونالد ترامپ حمایت کرده بودند، با اعلام نام برخی از وزیران و مسئولان پیشنهادی وی، نسبت به تغییر سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا ابراز ناامیدی می‌کنند.

ترامپ، مارکو روبریو، سناتور جمهوری خواه ایالت فلوریدا را برای وزارت امور خارجه برگزیده است. وی از حامیان سرسخت اسرائیل بوده

و نزدیک به یک سال پیش گفته بود که خواستار آتش‌بس در غزه نخواهد شد و اسرائیل باید همه نیروهای حماس را نابود کند.

از سوی دیگر ترامپ مایک هاکِی، فرماندار سابق ایالت آرکانزاس و سیاستمدار محافظه کار طرفدار اسرائیل را که از اشغال کرانه باختری توسط اسرائیل حمایت کرده و راه حل دو دولتی در فلسطین را غیرقابل اجرا خوانده، به عنوان سفیر آمریکا در تل آویو معرفی کرده است.

همچنین ترامپ الیزاستفانیک، نماینده جمهوری خواه مجلس که سازمان ملل را به دلیل محکومیت کشتار اسرائیل در غزه به یهودستیزی متهم کرده بود، به عنوان سفیر آمریکا در این نهاد برگزیده است.

چند تن از حامیان مسلمان و عرب ترامپ گفتند که امیدوار بودند ریچارد گرِنل، سرپرست سابق اداره اطلاعات ملی دولت نخست ترامپ، پس از ماه‌ها ارتباط با جوامع مسلمان و عرب آمریکایی، در کابینه وی نقش کلیدی ایفا کرده و حتی به عنوان وزیر امور خارجه بعدی معرفی شود.

یکی دیگر از متحدان کلیدی ترامپ، مسعد بولوس، پدر همسر لبنانی تیفانی، دختر ترامپ، نیز بارها بارهبران عرب آمریکایی و مسلمان دیدار کرده بود. این دوا به رای دهندگان عرب آمریکایی و مسلمان قول داده بودند که ترامپ نامزد صلح خواهد بود و برای پایان دادن به جنگ هادر خاورمیانه و دیگر نقاط به سرعت عمل خواهد کرد.

ترامپ نیز چندین بار از شهرهای عرب‌نشین و مسلمان‌نشین آمریکا دیدار کرده بود و در دیربورن که اکثریت جمعیت آن را اعراب تشکیل می‌دهند حضور یافت. وی در جریان این دیدار کوتاه گفت که مسلمانان را دوست دارد. نامزد جمهوری خواهان در شهر پیتسبورگ نیز حامیان مسلمان خود را یک جنبش زیبا که به دنبال صلح و ثبات هستند توصیف کرد.

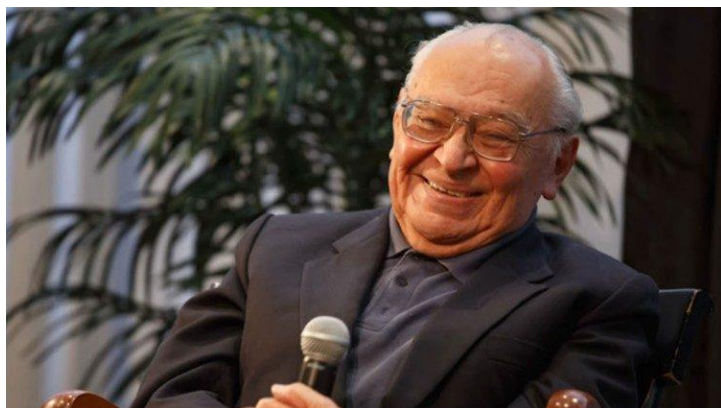
رژینالدو نازارکو، مدیر اجرایی شبکه مشارکت و توانمندسازی مسلمانان آمریکا (AMEEN) گفت که رای‌دهندگان مسلمان امیدوار بودند ترامپ مقاماتی را برای کابینه انتخاب کند که در جهت صلح تلاش کنند اما هیچ نشانه‌ای از آن وجود ندارد.

او گفت: ما بسیار ناامید هستیم. وی افزود: به نظر می‌رسد که این دولت کاملاً مملو از نومحافظه‌کاران و افرادی به شدت طرفدار اسرائیل و طرفدار جنگ بوده است که جنبش طرفدار صلح و ضد جنگ را ناامید کرده است.^۱

الهیات رهایی بخش



گوستاو و گوتیرز، مدافع فقرا، در سن ۹۶ سالگی درگذشت



گوستاو و گوتیرز در شب سه شنبه، ۲۲ اکتبر ۲۰۲۴ (۱ آبان ۱۴۰۳)، در سن ۹۶ سالگی درگذشت. او کسی بود که کلیسا را به بازنگری در نقش خود در دنیایی که با نابرابری اجتماعی مواجه است و تعهد بیشتر به دفاع از ضعیفان فراخواند. گوستاو و گوتیرز پیشگام الهیات رهایی بخش بود، جنبشی که از عدالت اجتماعی و آزادی فقرا حمایت می‌کند.

الهیات رهایی بخش که در دهه ۱۹۶۰ به عنوان پاسخی به نابرابری‌های گسترده اجتماعی در آمریکای لاتین ظهور کرد، تأکید

داشت که ایمان مسیحی برای حفظ اعتبار خود باید به مسائل اجتماعی فقر و طرد شدگی بپردازد.

کتاب گوتیز با عنوان «الهیات رهایی بخش» که در سال ۱۹۷۱ منتشر شد، پایه گذار این جنبش بود و تفکر الهیاتی را در آمریکای لاتین و فراتر از آن عمیقاً تحت تأثیر قرار داد.

«فقر یعنی مرگ»

گوتیز در سال ۱۹۲۸ در پرو متولد شد و ابتدا در رشته پزشکی تحصیل کرد، اما بعداً به فلسفه، روان شناسی و الهیات روی آورد. او در سال ۱۹۵۹ به مقام کشیشی رسید و در سال ۱۹۹۹ به فرقه دومینیکی ها پیوست.

او دهه ها در دانشگاه کاتولیک لیما تدریس کرد و بر چالش های اجتماعی مردم سرزمینش و سراسر آمریکای لاتین تمرکز داشت. در مصاحبه ای با رادیو واتیکان در سال ۲۰۱۵، گوتیز تأکید کرد که توجه به فقر در مرکز پیام مسیحیت قرار دارد. او گفت: «فقر یعنی مرگ. فقر مردم و خانواده ها را نابود می کند. کلیسا امروز این را بهتر از گذشته درک می کند.»

«یکی از بزرگ ترین الهیدانان عصر ما»

یکی از دل نشین ترین داستان های مربوط به گوتیز، دوستی او با الهیدان آلمانی کاردینال گرهارد مولر بود، که زمانی رئیس اداره دکترین

ایمان و اتیکان بود، همان نهادی که زمانی نسبت به برخی جنبه‌های الهیات رهایی بخش ابراز نگرانی کرده بود.

کاردینال مولر در مصاحبه‌ای با واتیکان نیوز درباره مرگ دوستش صحبت کرد و او را «یکی از بزرگ‌ترین الهیدانان عصر ما» نامید.

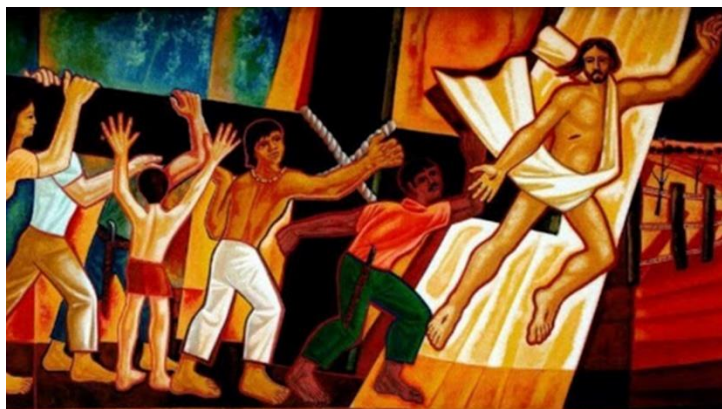


چالشی برای کلیسا

الهیات رهایی بخش تأثیر گسترده‌ای بر کلیسای کاتولیک و جامعه داشت. این جنبش کلیسا را به بازنگری در نقش خود در دنیایی که با نابرابری اجتماعی روبه‌رو است و تعهد بیشتر به دفاع از ضعیفان فراخواند.

میراث گوستاو و گوتیرز در این زمینه و بسیاری زمینه‌های دیگر همچنان زنده است.^۱

الهیات رهایی بخش: جنبش دینی در مبارزه با ظلم و امپریالیسم



پیدایش و شکل‌گیری «الهیات رهایی بخش» به عنوان جنبشی دینی ضد استثماری و مدافع ستم‌دیدگان جامعه، ریشه در شرایط اختناق، کودتاهای سازمان «سیا» و حاکمیت دیکتاتوری‌های نظامی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در آمریکای لاتین دارد. اوج‌گیری مبارزات انقلابی علیه امپریالیسم و عوامل آن در کشورهای آمریکای لاتین و جهان سوم باعث شد بخشی از عالمان پیشرو مسیحیت به موضع‌گیری انقلابی در برابر مداخلات امپریالیستی آمریکا و رژیم‌های مستبد بومی واداشته

1 vaticannews.va/en/church/news/2024-10/gustavo-gutierrez-champion-of-the-poor-dies-aged-96.html

شوند. از دل این تحولات انقلابی، جنبش‌های «مسیحیان برای سوسیالیسم» یا «کشیشان برای سوسیالیسم» متولد شد و فعالیت خود را آغاز کرد. الهیات‌رهایی بخش پاسخی رادیکال از سوی نمایندگان غیرحکومتی کلیسا به شرایط ظالمانه آن دوران بود.

نخستین نظرات در مورد الهیات‌رهایی بخش با آغاز پروتستان‌یسم و اصلاحات دینی در مسیحیت شکل گرفت. عالمان سکولار مسیحی در قرن بیستم نقشی کلیدی در تکامل آن ایفا کردند. در دومین گردهمایی اسقف‌های کلیساهای کاتولیک آمریکای لاتین در سال ۱۹۶۸، در شهر مدلین کلمبیا، که با تفسیری انقلابی از مسیحیت به سود فقرا همراه بود، «الهیات‌رهایی بخش» رسماً مطرح شد. جمعی از اسقفان آمریکای لاتین نیز یک دهه بعد در سال ۱۹۷۹ در شهر پوئبلای مکزیک گرد آمدند و با تحلیل شرایط اجتماعی و اقتصادی منطقه، به انتقاد از مداخلات استعماری آمریکا و دولت‌های دست‌نشانده و مستبد پرداختند. آنان با تأکید بر این که «خدا فقیران را ترجیح می‌دهد»، دیدگاه خود را در مقابل هر نوع ظلم و بی‌عدالتی اعلام کردند.

برخلاف کلیسای حکومتی، واتیکان و بنیادگرایی مسیحی، که همچون بنیادگرایی اسلامی در خدمت استعمارگران، امپریالیسم جنگ افروز و رژیم‌های دست‌نشانده و مستبد قرار داشته و دارند، عالمان الهیات‌رهایی بخش مسیحیت و کلیسا را در خدمت ستم‌دیدگان جامعه قرار داده‌اند. آنان مبارزه علیه استعمار و استثمار و دستیابی به آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه همگانی و تساوی جنسیتی را

وظیفه خود می‌دانند و با تعهد به منافع فقرا، در کنار جنبش‌های انقلابی ایستاده‌اند. از کشیشان برجسته این جنبش می‌توان به کلودویس و لیوناردو بوف از برزیل، گوستاو گوتیرز از پرو، خوزه میگوئیز بونینو از ونزوئلا و کامیلو تورس از کلمبیا اشاره کرد که نقش مهمی در تکوین الهیات‌رهایی بخش داشتند.

گوستاو گوتیرز می‌گوید: «توسعه‌ی واقعی آمریکای لاتین تنها در صورتی میسر است که رهایی از سلطه‌ی کشورهای قدرتمند، خصوصاً ایالات متحده آمریکا، تحقق یابد. این رهایی نیازمند انقلابی است که به طرزی عمیق و گسترده، آزادی از تمامی عوامل محدودکننده یا بازدارنده‌ی خودشکوفایی انسان‌ها را به ارمغان آورد و موانع آزادی را برچیند.»

پیروان این نهضت، به دلیل دفاع از مظلومان و تهدید منافع امپریالیسم آمریکا در آمریکای لاتین، با انواع قید و بند و تهدید مواجه بوده و همچون سایر انقلابیون، آشکارا یا پنهان توسط دولت‌های منفور آمریکا و رژیم‌های تحت حمایت‌اش زندانی، شکنجه، کشته و ترور شده‌اند. نوام چامسکی، اندیشمند مرفی آمریکایی، طی سخنرانی‌ای در دانشگاه کلمبیا در سال ۲۰۰۹ گفت: «ایالات متحده با درگیری در عملیات نظامی فعال به نابود کردن الهیات‌رهایی بخش ادامه داد و در پی آن، تعداد کثیری از کشیشان، برادران و خواهران مقتول، از جمله حتی اسکار رومرو، اسقف اعظم سان سالوادور، به جا ماند.

روی هم رفته، بین ۱۹۶۴ و ۱۹۸۵ بیش از ۱۰۰ رهبر مذهبی در آمریکای لاتین به قتل رسیدند و خونریزی در آن جا خاتمه نیافت.»

واتیکان و نمایندگان کلیساهای حکومتی، الهیات رهایی بخش را جنبشی خطرناک در بسیج فقرا علیه امپریالیسم می دانند. آنان با حرکت از منافع ارتجاعی خود، این جنبش را «انحراف از اساسات مسیحیت» و «اتحاد نامیمون میان مسیحیت و مارکسیسم» دانسته و آن را تخطئه کرده اند. با این حال، گوستاو گوتیرز، نویسنده کتاب «الهیاتی در مورد رهایی»، که به پدر الهیات رهایی بخش شهرت دارد، در این اثر کلیسارابه تعهد برای کمک به فقرا فراخواند. او معتقد بود که بدون دانش چپ و کاربرد آن، درک و تغییر شرایط هولناک مردمان فقیر دشوار است.

با وجود مخالفت های شدید، نمایندگان الهیات رهایی بخش همچنان از جنبش های انقلابی و دولت های مردمی در ونزوئلا، کوبا، و سایر کشورهای آمریکای لاتین حمایت کرده و روابط نزدیکی با احزاب چپ برقرار کرده اند. این جنبش با روی کار آمدن رهبرانی چون هوگو چاوز در ونزوئلا و اوامورالس در بولیوی، حضوری پررنگ در تحولات سیاسی داشته است.

نگاهی به دیدگاه ها

لیوناردو بوف در مصاحبه ای می گوید: «خطر بزرگ در آمریکای لاتین هیچ گاه مارکسیسم نبوده است، بلکه سرمایه داری وحشی و بی اعتنائی طبقات حاکم، مدعی مسیحیت و ضد مردم بوده است.» او همچنین

می‌گوید: «برای مسیحیت بسیار دردناک است که بسیاری از جوامع مسیحی در واتیکان و پاپ چهره فردی را می‌دیدند که در کنار ستمگران ایستاده و به آنان یاری می‌کند.»

کامیلو تورس، کشیش کاتولیک کلمبیایی، به جنبش چریکی چپ‌گرایان پیوست و در سال ۱۹۶۶ در درگیری با نیروهای دولتی کشته شد. او گفته بود: «کاتولیکی که انقلابی نیست، در گناهی مرگ‌آور زندگی می‌کند!»

اسقف مارسیلو باروس گفته است: «مرا یک برانداز می‌نامید؟ حق باشماست! من هم‌گام با مردم سرزمین مبارزه می‌کنم و همپای آنان به پیش می‌روم. همانند یک پارتیزان نیز به انقلاب عشق می‌ورزم.»

برخی عالمان الهیات، همچون سوبرینو، معتقدند: «فقراتنها منبع الهیاتی موثق برای درک تعالیم و حقیقت مسیح هستند.»

شعار این جنبش مسیحی در برزیل چنین است: «زمین برای بی‌زمین، غذا برای گرسنه، سواد برای بی‌سواد، با اعمال خیر؟ نه، بلکه با مجبور کردن دولت به جدی گرفتن مسوولیت خود در برابر فقیرترین شهروندان.»^۱

قانون و خانواده‌گرایی



ممنوعیت استفاده کودکان زیر ۱۶ سال از شبکه‌های اجتماعی در استرالیا



آنتونی آلبنایز، نخست‌وزیر استرالیا، روز جمعه ۱۸ آبان ۱۴۰۳ اعلام کرد که دولت این کشور در ماه جاری میلادی لایحه‌ای را برای ممنوعیت دسترسی کودکان زیر ۱۶ سال به شبکه‌های اجتماعی معرفی خواهد کرد. این قانون بخشی از تدابیری محسوب می‌شود که با هدف حفاظت از کودکان و نوجوانان در برابر خطرات فضای مجازی طراحی شده است.

این یکی از سخت‌گیرانه‌ترین قوانین جهان برای محدودیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای کودکان خواهد بود.

جزئیات قانون جدید

طبق این لایحه پیشنهادی، تمامی پلتفرم‌های اجتماعی مانند «فیس‌بوک، اینستاگرام، تیک‌تاک، اسنپ‌چت» و دیگر شبکه‌های مشابه موظف خواهند بود دسترسی افراد زیر ۱۶ سال را مسدود کنند. این قانون بالاترین محدودیت سنی در سطح جهانی را اعمال کرده و هیچ استثنایی مانند رضایت والدین یا مجوز خاص برای حساب‌های موجود در نظر نگرفته است. همچنین، شرکت‌ها یک سال فرصت خواهند داشت تا سیستم‌های لازم برای اجرای این محدودیت را پیاده‌سازی کنند.

در صورت عدم رعایت مقررات، پلتفرم‌ها با جریمه‌هایی تا سقف «۵۰ میلیون دلار استرالیا» (۳۳ میلیون دلار آمریکا) مواجه خواهند شد. این جریمه‌ها، یکی از سنگین‌ترین مجازات‌ها در حوزه حفاظت از کودکان در فضای مجازی محسوب می‌شود.

تأیید سن کاربران

برای اطمینان از پایبندی به قانون، دولت استرالیا سامانه‌ای برای تأیید سن کاربران طراحی کرده که در مرحله آزمایشی قرار دارد. این سامانه می‌تواند از ابزارهای پیشرفته بیومتریک یا سیستم‌های شناسایی دولتی استفاده کند. همچنین شرکت‌ها موظف خواهند بود

اطلاعات جمع‌آوری شده برای تأیید سن کاربران را بلافاصله پس از فرآیند تأیید حذف کنند تا از حفظ حریم خصوصی افراد اطمینان حاصل شود.

آمارهای نگران‌کننده

طبق آمار رسمی، دو سوم نوجوانان ۱۴ تا ۱۷ ساله استرالیایی، محتوای آسیب‌زایی مانند «مواد مخدر، خشونت، خودکشی» و محتوای ناسالم مرتبط با «عادات غذایی» را در شبکه‌های اجتماعی مشاهده کرده‌اند. این موضوع یکی از اصلی‌ترین دلایل تصمیم دولت برای تدوین این قانون است.

میشل رولند، وزیر ارتباطات استرالیا، در معرفی این لایحه به پارلمان اظهار داشت که این قانون با هدف جلوگیری از تأثیرات مخرب شبکه‌های اجتماعی بر روان و سلامت نسل جوان طراحی شده است.





واکنش‌ها به قانون

این طرح با واکنش‌های مختلفی روبرو شده است. در حالی که بسیاری از خانواده‌ها و گروه‌های حامی کودکان از این اقدام حمایت کرده‌اند، برخی از کارشناسان فناوری و شرکت‌های فعال در حوزه شبکه‌های اجتماعی نسبت به آن انتقاد کرده‌اند.

ایلان ماسک، مالک شبکه اجتماعی «ایکس (توییتر سابق)»، این قانون را تلاشی برای محدود کردن دسترسی به اینترنت برای تمام شهروندان استرالیا توصیف کرده است. او در تاریخ ۲۲ نوامبر (۲ آذر) اظهار داشت که این اقدام می‌تواند تبعاتی گسترده‌تر از اهداف اعلام شده به همراه داشته باشد.

اهداف و پیامدهای قانون

هدف اصلی این قانون، ارتقای امنیت روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانان استرالیایی است. مقامات دولتی تأکید دارند که این قانون به دنبال حفظ سلامت روحی نسل جوان و جلوگیری از تأثیرات مخرب فضای مجازی است. با این حال، نگرانی‌هایی درباره چگونگی پیاده‌سازی این قانون و تأثیرات احتمالی آن بر دسترسی آزاد به اینترنت مطرح شده است.

به گفته کارشناسان، این قانون می‌تواند به الگویی برای دیگر کشورها تبدیل شود که در تلاش برای کنترل تأثیرات منفی شبکه‌های اجتماعی بر کودکان و نوجوانان هستند.^۱

تفکیک خدمات مبتنی بر جنسیت درهند



کمیسیون زنان ایالت اوتار پرادش، در تلاشی برای بهبود ایمنی زنان، تدابیر مختلفی را پیشنهاد کرده است، از جمله منع خیاط‌های مرد از اندازه‌گیری زنان و محدود کردن مردان از آموزش زنان در باشگاه‌ها و مراکز یوگا. پیشنهادهایی که در جلسه کمیسیون در ۲۸ اکتبر مورد بحث شد، مورد حمایت همه اعضا قرار گرفت.

پیشنهاد کمیسیون زنان ایالت اوتار پرادش برای محدود کردن مردان از اندازه‌گیری زنان در خیاطی‌ها، کوتاه کردن موهایشان در

سالن‌ها یا آموزش آنها در باشگاه‌ها بحث‌های قابل توجهی را برانگیخته است. هدف این کمیسیون کاهش موارد «لمس بد» و اطمینان از اینکه زنان در مکان‌های عمومی احساس امنیت می‌کنند با داشتن کارکنان زن در نقش‌های خدماتی خاص است. اقدامات اضافی شامل اجباری شدن امنیت زنان در اتوبوس‌های مدرسه و نظارت دور بین مدار بسته در سالن‌های ورزشی، بوتیک‌ها و سایر موسسات است.

حامیان استدلال می‌کنند که این تغییرات می‌تواند از زنان در برابر آزار و اذیت محافظت کند و با ترجیحات برخی از زنان که با ارائه‌دهندگان خدمات مرد احساس ناراحتی می‌کنند، هماهنگ باشد. چهره‌هایی مانند بابیتا چاوهان، رئیس کمیسیون، تأکید می‌کنند که این پیشنهاد به جای محدودیت‌های اجباری، به زنان امکان می‌دهد تا خدمات را در محیط‌هایی که راحت‌تر می‌دانند انتخاب کنند.

با این حال، منتقدان این پیشنهاد را رویکردی محدودکننده می‌دانند که با مردان و زنان به عنوان ذاتاً ناسازگار در فضاهای مشترک رفتار می‌کند. صدا‌های برجسته‌ای مانند روپ رکا و رما (Roop Rekha Verma) استدلال می‌کنند که این قوانین به جای پرداختن به مسائل اساسی احترام و رفتار مناسب، حس تقسیم اجتماعی را تقویت می‌کنند. منتقدان نگرانند که این امر همچنین می‌تواند بر فرصت‌های شغلی مردان در زمینه‌های سنتی با جنسیت مختلط مانند خیاطی یا آموزش تناسب اندام تأثیر بگذارد.

در حالی که هدف این پیشنهاد توانمندسازی زنان از طریق افزایش امنیت است، مخالفان بر این باورند که ممکن است ناخواسته به انزوای جنسیتی دامن بزند و کلیشه‌هایی را که مردان در مجاورت زنان به طور خودکار مشکوک هستند، تداوم بخشد. برخی استدلال می‌کنند که به جای جداسازی خدمات، اقدامات مؤثرتر ممکن است شامل حساس کردن مردان و ترویج فرهنگ احترام متقابل باشد. برخی دیگر نگران هستند که این رویکرد ممکن است توجه را از پرداختن به چالش‌های شدیدتر مانند خشونت جنسی منحرف کند و در عوض بر اقدامات پیشگیرانه سطح پایین‌تر تمرکز کند.

در نهایت، این پیشنهاد گفت‌وگویی را در مورد تعادل بین ایمنی و انتخاب فردی باز کرده است، و این پرسش گسترده‌تر را مطرح می‌کند که آیا تغییر اجتماعی به بهترین شکل از طریق محدودیت یا توانمندسازی به دست می‌آید.^۱

اسلام گرای و بنگلا دیش



انقلاب بعدی در بنگلا دیش، انقلابی اسلامی خواهد بود



میا غلام پرور، دبیرکل جماعت اسلامی بنگلا دیش، در همایش اعضای این جماعت در شهرستان کوشتیا اظهار داشت: «اگر بعد از انقلاب ۵ اوت (سقوط دولت شیخ حسین و فرار او به هند) انقلاب دیگری رخ دهد، آن انقلاب، اسلامی خواهد بود. همه برادران و خواهران حزب باید برای آن انقلاب اسلامی آماده باشند.»

غلام پرور که به عنوان سخنران اصلی در این همایش حاضر شده بود، افزود: «در دوران ۱۵ ساله حکومت فاشیستی بنگلادش که از آن عبور کردیم، تمام نهادهای دولتی به فساد و جنایت آلوده شده بودند. رژیم فاشیستی گذشته کاملاً فاسد بود. اکنون تنها سه ماه از پایان دوره فاشیسم می‌گذرد و بدیهی است که آثار آن جنایت‌ها به طور کامل از بین نرفته است. جماعت اسلامی هرگز بی‌عدالتی رانمی‌پذیرد و ایستادگی ما در برابر بی‌عدالتی همیشگی و قوی خواهد بود. هدف ما ایجاد یک دولت رفاه بر اساس قوانین خداوند و آرمان‌های پیامبر (ص) است. در آن حکومت، مردم از همه ادیان، طبقات و نژادها در رفاه خواهند بود.»

وی همچنین تأکید کرد که جماعت اسلامی به دولت موقت مهلتی معقول برای برگزاری انتخابات سراسری می‌دهد و گفت: «ما به صراحت اعلام کرده ایم که زمان معقول، نه خیلی زود است و نه خیلی دیر. تعریف زمان معقول این است که برای رای‌گیری آزادانه مردم، شرایط و زمینه‌های لازم فراهم شود. جماعت اسلامی، به عنوان یک حزب انتخابات محور، تنها زمانی «بیانیه انتخاباتی جماعت اسلامی» را اعلام می‌کند که برنامه و زمان برگزاری انتخابات ملی مشخص شده باشد.»

تحلیل وضعیت جماعت اسلامی و چشم‌انداز انتخابات

حزب جماعت اسلامی بنگلادش پس از سال‌های طولانی ممنوعیت فعالیت سیاسی. که توسط حزب عوامی لیگ و دولت شیخ حسینه اعمال شده بود. با سقوط دولت او در ۵ اوت ۲۰۲۴ دوباره به عرصه

سیاسی بازگشته است. این حزب در حال حاضر، در شرایطی که دولت موقت برای برگزاری انتخابات سراسری آماده می‌شود، امیدوار است که در انتخابات آینده موفقیت‌هایی کسب کرده و وارد مجلس و دولت شود. هرچند ظرفیت سیاسی و اجتماعی این حزب در حدی نیست که بتواند دولت و مجلس را به طور کامل در اختیار گیرد، اما با ائتلاف حزبی با سایر احزاب می‌تواند تعدادی از کرسی‌های پارلمان را تصاحب کرده و سهمی در دولت آینده داشته باشد.

با این حال، هنوز تا برگزاری انتخابات سراسری فاصله زیادی وجود دارد و دولت موقت زمان دقیقی برای برگزاری این انتخابات تعیین نکرده است. به نظر می‌رسد این انتخابات زودتر از اواخر سال ۲۰۲۵ برگزار نشود. بنابراین، تحلیل دقیق درباره پیروز انتخابات آینده و تشکیل‌دهنده دولت بعدی همچنان زود است.

اظهار نظر غلام پرور درباره وقوع احتمالی «انقلاب اسلامی» در بنگلادش، بیشتر در پاسخ به تلاش‌های رهبران حزب عوامی لیگ در خارج از کشور و بازماندگان آن در داخل برای بازگشت به عرصه سیاسی با حمایت برخی دولت‌ها و قدرت‌های خارجی، از جمله هند، مطرح شده است. با این حال، تعبیر دقیق «انقلاب اسلامی» در بیانات رهبران جماعت اسلامی تعریف روشنی نداشته و مشخص نیست که چه ویژگی‌هایی برای آن قائل هستند.^۱

بحران آموزشی در مدارس دینی بنگلادش

به قلم: دکتر محمد عیسی شاهی، مرکز تحقیقات اسلامی بیت الشرف داکا



آموزش مدارس دینی در کشور ما نظامی است که مشکلاتش پایانی ندارد. واقعیت تلخ این است که تاکنون بیشتر از آن که به حل مشکلات موجود یا ارتقای کیفیت فکر شود، به اصلاحات پرداخته شده است. نتیجه این روند، نابودی تدریجی این سیستم آموزشی بوده است؛ چنان که بسیاری از مدارس بزرگ دینی به مدارس غیردینی و دانشکده تبدیل شده اند.

متأسفانه، ما که از اصلاح آموزش مدارس دینی صحبت می کنیم، گویا اصلاً از فلسفه وجودی این نهادهای آموزشی آگاه نیستیم. همان طور که یک ساختمان یا درخت بر پایه و بنیاد خود ایستاده است، هر نهاد، سازمان یا ایدئولوژی نیز بر اساس هدف و فلسفه وجودی خود

پایدار است. فراموش کردن این فلسفه، به معنای نابودی کل ساختار است. من در طول زندگی‌ام مقالات و کتاب‌های متعددی، از جمله چهار کتاب، نوشته‌ام تا مردم، به‌ویژه کسانی که به آموزش مدارس دینی می‌اندیشند، را از خطرات این غفلت آگاه کنم. فلسفه وجودی آموزش مدارس دینی، تربیت عالمان دینی و متخصصان اسلامی مجهز به علم و عمل است تا بتوانند به نیازهای زمانه پاسخ دهند و رهبری دینی جامعه اسلامی را بر عهده گیرند.

مشکلات نظام آموزشی مدارس دینی

بی‌توجهی به فلسفه وجودی این مدارس، مشکلات متعددی را برای قدیمی‌ترین نظام آموزشی اسلامی ایجاد کرده است. برای نمونه، در بسیاری از مدارس دینی عالیه که دوره‌های کارشناسی (فاضل) و کارشناسی ارشد (کامل) ارائه می‌دهند، کمبود معلمان واجد شرایط به وضوح احساس می‌شود. معلمان جدید استخدام نمی‌شوند و بسیاری از دارندگان مدرک کارشناسی ارشد (MPhil) یا دکتری (PhD) که از خارج از کشور فارغ‌التحصیل شده‌اند و در مدارس دینی مشغول به تدریس هستند، مورد ارزیابی و بهره‌برداری مناسب قرار نمی‌گیرند. این بی‌توجهی باعث شده است که در برخی مدارس عالیه کلاس‌های دوره‌های پیشرفته (فاضل و کامل) به طور کامل برگزار نشود و حتی امکان تقلب در امتحانات نیز مهار نگردد.

در دهه ۱۹۹۰، پس از بازگشت از تحصیل در ایران، با احساس مسئولیت اجتماعی، اقدام به تأسیس مدرسه دینی دخترانه «خدیجه الکبری» در زادگاهم واقع در جنوب چیتاگونگ کردم. این مدرسه که با همکاری مردم محلی تأسیس شد، اکنون به سطح داخل (کلاس دهم) رسیده و تحت حمایت دولتی قرار دارد. ساختمان چهارطبقه‌ای نیز از سوی دولت به آن اختصاص یافته است. اما این مدرسه با کمبود شدید معلم روبه‌رو است؛ پنج پست معلمی خالی است و جذب نیرو با چالش‌های فراوانی مواجه است. معلمان موجود مجبورند کمبود معلمان دیگر را جبران کنند. پیش‌تر، مدیران مدارس می‌توانستند معلمان واجد شرایط را به‌طور مستقیم جذب کنند، اما اکنون استخدام معلمان مستلزم گذراندن آزمون‌هایی است که با شرایط مدارس دینی سازگار نیست.

بی‌عدالتی در حمایت از مدارس دینی

معلمان مدارس ابتدایی دینی از نظر حقوق و مزایا قابل مقایسه با معلمان مدارس ابتدایی دولتی غیردینی نیستند. همچنین، در حالی که دانش‌آموزان مدارس ابتدایی غیردینی کمک‌هزینه دریافت می‌کنند، این حمایت برای دانش‌آموزان مدارس دینی وجود ندارد. این تفاوت‌ها باعث شده است که تعداد دانش‌آموزان مدارس دینی به‌ویژه در سطوح ابتدایی کاهش یابد. اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، مدارس دینی در

سطوح بالاتر (داخل، فاضل و کامل) نیز با کمبود دانش‌آموز مواجه خواهند شد.

مشکلات ساختاری و تاریخی

ریشه تاریخی برخی از مدارس دینی عالی به مدرسه عالی کلکته بازمی‌گردد که در سال ۱۷۸۰ میلادی توسط انگلیسی‌ها تأسیس شد. جالب این جاست که از زمان تأسیس این مدرسه تا سال ۱۹۲۶، تمام مدیران آن انگلیسی یا مسیحی بودند. هدف اصلی انگلیسی‌ها از تأسیس چنین مدرسی، پیشبرد اهداف استعماری و کنترل بر مسلمانان بود. اما رهبران مسلمان آن زمان تلاش کردند با ایجاد تغییرات کوچک در این مدارس، حداقل آموزش ابتدایی اسلامی را برای فرزندان مسلمانان فراهم کنند.

تهدید مدرن‌سازی افراطی

پس از تأسیس دانشگاه مسلمانان علی‌گدر سال ۱۸۷۵، گرایش به آموزش مدرن انگلیسی در میان مسلمانان افزایش یافت. برخی عالمان پیشنهاد کردند که سیستم مدارس دینی با اضافه کردن کتاب‌های مدارس غیردینی مدرن شود. اما این تغییرات باعث اختلاف میان عالمان شد. در نهایت، بسیاری از مدارس دینی به مدارس دانشکده‌های غیردینی تبدیل شدند. برای مثال، کالج ندرل در داکا و کالج محسن در چیتاگونگ نمونه‌هایی از این تغییرات هستند.

اگر به مشکلات نظام آموزشی مدارس دینی، به‌ویژه مدارس عالیّه، رسیدگی نشود، این نظام با خطر نابودی مواجه خواهد شد. برای بقای این مدارس، لازم است که فلسفه وجودی آن‌ها مورد توجه قرار گیرد و اصلاحات با در نظر گرفتن نیازهای واقعی این مدارس انجام شود. همچنین، لازم است کادر آموزشی مناسب جذب شده و فرصت‌های برابر برای دانش‌آموزان و معلمان مدارس دینی فراهم گردد. در غیر این صورت، این نظام آموزشی کهن و ارزشمند به تدریج از بین خواهد رفت.^۱

ملاحظه: مدارس دینی در بنگلادش به دو دسته قومیه (غیردولتی) و عالیّه (دولتی) تقسیم می‌شوند: مدارس قومیه که تحت مدیریت تشکلهای مذهبی وابسته به دیوبندی‌ها و جماعت تبلیغ، با گرایش‌های سنتی و سلفی فعالیت می‌کنند و از حمایت مالی سعودی‌ها برخوردارند. دیگری مدارس عالیّه که تحت نظارت دولت و دو وزارتخانه آموزشی فعالیت دارند و از سازمان‌دهی و اعتبار بیشتری برخوردارند.

این مدارس از سطح ابتدایی تا فوق‌لیسانس فعالیت دارند و نقش مهمی در کاهش بار مالی دولت در حوزه آموزش عمومی ایفا می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های تاریخی مدارس دینی، آموزش زبان فارسی بود که متون کلاسیک ادبی مانند «گلستان» و «بوستان» سعدی در

آن تدریس می‌شد. با این حال، در سال‌های اخیر، آموزش زبان فارسی به دلایل مختلف رو به افول گذاشته است.

با توجه به شرایط کنونی، لازم است که از میراث مدارس دینی حفاظت شود و اصلاحات آموزشی با توجه به فلسفه وجودی این مدارس صورت گیرد. در غیر این صورت، خطر تضعیف بیشتر این نهادها و از دست رفتن هویت آموزشی اسلامی در بنگلادش وجود دارد.

موسم الرياض ٢٠٢٤



انتقاد تند محمد گورمز از موسم الرياض



انتشار بیانیه ای فوری از دکتر محمد گورمز، رئیس پیشین سازمان دیانت ترکیه، درباره توهین به نمادها و شعائر اسلامی در سرزمین حرمین شریفین در جشنواره ریاض، طوفانی از گفت وگوها را به پا کرد. در این میان، این پرسش به طور جدی مطرح شده که چرا الأزهر به عنوان بزرگ ترین نهاد دینی جهان اسلام بیانیه ای صادر نکرد تا حقیقت ماجرا در جشنواره ریاض روشن شود؟

در بیانیه این مقام دینی ترکیه چنین آمده است:

«بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَ عَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَمَنْ وَالَاه..

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾

اما بعد..

آنچه در موسم رياض امسال اتفاق افتاده است، ما را به شدت متأثر و نگران کرده است، به ویژه استفاده از یک ماکت از مقدس ترین مقدسات ما، کعبه شریفه، به عنوان صحنه ای برای بازیگران و دکورهای که رقصندگان و مدل های برهنه دور آن می چرخند. این صحنه اگر در هر یک از کشورهای جهان رخ می داد، جهان اسلام به مثابه یک انسان واحد واکنش نشان می داد تا از وقوع آن جلوگیری کند. پس چگونه چنین اتفاقی در دیار حرمین شریفین و در سرزمینی که پیامبر بزرگوار و صحابه بزرگوار در آن زیسته اند، رخ داده است؟

گورمز افزود که کعبه خانه خداست و متعلق به هیچ خاندان، کشور، قبیله یا گروهی نیست. دفاع از آن و حفظ حرمت آن وظیفه ای بر دوش هر مسلمان است و این وظیفه برای علمای دین به ویژه بیشتر است زیرا آنها وارثان پیامبرانند. جای تأسف و ناراحتی است که علمای بلاد حرمین در برابر این تجاوز آشکار به حرمت ها سکوت کرده اند، در حالی که آنها همواره حتی ساخت مدل هایی از کعبه برای آموزش حج و عمره به کودکان را جایز نمی دانند.

وی همچنین گفت که استفاده از مجسمه‌هایی از کعبه برای سرگرمی یا تفریح افراد ناباب و مفسدان فی الارض، موضوعی است که عقل آن را نمی‌تواند درک کند و منطقی نیست. این امر حتی بر گردن گناهکاران و فاسقان مسلمان سنگین است و هر مسلمان باید کعبه را خط قرمز بداند که هیچ‌کس حق ندارد به آن آسیب بزند.

وی از رسانه‌ها و توجیهاتی که در مورد این موضوع مطرح می‌شود انتقاد کرد و آنها را به دودسته تقسیم کرد: یا نویسندگان این توجیهات جایگاه کعبه را در قلب مسلمانان نمی‌دانند که این یک فاجعه است، یا از آن آگاهند و با هدف خاصی این کار را انجام می‌دهند که این هم فاجعه‌ای بزرگ‌تر است.

این بیانیه، به گفته گورمز، نه برای دشمنی یا بدنام کردن سرزمین حرمین شریفین و مردم آن، بلکه به عنوان نصیحتی از سوی افرادی که عشق به حرمین شریفین دارند، بوده است. وی همچنین از عقلای سرزمین حرمین خواست تا در این زمان‌های سخت که مسلمانان در آن هستند، اجازه ندهند چنین جنایتی در سرزمینی که خداوند آن را با وحی شریف و پیامبر بزرگوارش شرافت داده، رخ دهد.

وی در پایان آورد که مسلمانان در سراسر جهان نمی‌پذیرند که مقدساتشان مورد توهین قرار گیرد و بر علمای بلاد حرمین و مسئولان آن است که در برابر این منکر بایستند، چرا که آنها در روز قیامت مسئولند.

عبد الناصر سلامه، رئیس پیشین سردبیر روزنامه الاهرام، نیز گفت که وقتی موضوع به حدی می‌رسد که یک ماکت مشابه کعبه برای رقص مدل‌ها در جشنواره ریاض به نمایش گذاشته می‌شود، باید جلوی آن گرفته شود و حداقل صدای الأزهر شنیده شود.

برخی سکوت الأزهر را توجیه کردند و گفتند که این نهاد نمی‌خواهد بحران‌هایی با عربستان سعودی ایجاد کند، ولی بسیاری این را غیر قابل قبول و تسلیم در برابر حدود الهی دانستند.

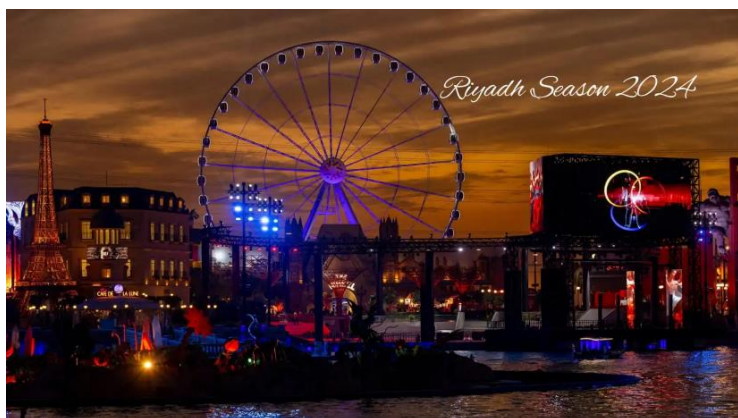
از سوی دیگر، دکتر هانی سلیمان، نویسنده و اندیشمند، اظهار داشت که ماکتی که گفته می‌شد در نمایش مدایلی صعب در ریاض وجود داشته، در واقع در این نمایش نبوده است و عکس‌ها مربوط به نمایش مد در نیویورک در سال ۲۰۲۳ است. وی همچنین توضیح داد که تصاویر شیاطینی که در اطراف ماکت قرار داده شده‌اند، یک ترفند فتوشاپ است.^۱

ملاحظه: درباره گفته هانی سلیمان این توضیح لازم است که در کنار داستان پرحاشیه دوره پنجم موسم الرياض، هر چند خبری جعلی مانند رفتن جنیفر لویز بر فراز نماد کعبه بر ساخته شد، اما انتقادات از اهانت به خانه کعبه به جا و ناظر به اجرای ترانه «Rotate» توسط دو رپر به نام‌های Becky G و Burna Boy در مراسم افتتاحیه «موسم الرياض ۲۰۲۴» بود. نماد کعبه در این اجرا به وضوح دیده می‌شود. «بکی جی» در افتتاحیه این جشنواره

و هنگام اجرا از نماد مکعبی استفاده کرد که نه تنها تمام مشخصات آن با کعبه هم‌خوان بود بلکه از نمادهای ۹۹۹ و ۶۶۶ که معانی خاصی هم دارند در اجرای خود استفاده کرده است.

گذر به سکولاریسم؛ فصل ریاض و چالش هویت‌سازی ملی

به قلم: زهرا اکبری



گام‌های بلند بن سلمان برای ری‌برندینگ و هویت‌سازی جدید در عربستان به وضعیت بی‌سابقه‌ای منجر شده است که تعجب مخاطبان و البته تقبیح بسیاری را به دنبال داشته است. اجرای پر حاشیه جنیفر لوپز و سایر هنرمندان شناخته شده در جشنواره «فصل ریاض» در کنار سایر اتفاقات از جمله ترویج نمادهای غیرابته‌رنگویم ضد دینی مانند گردش رقاصه‌ها به دور سازه‌ای کعبه‌مانند، رویدادی کم‌نظیر در

ششمین دوره برگزاری این موسم سالیانه بوده است. از همین رو، موسم الرياض ۲۰۲۴ را باید بزرگترین گام علی حکمرانی جدید سعودی در راستای تحقق سکولاریسم و حتی فراتر از آن، لائیسیته، دانست.

هر چند برای جشنواره ریاض، دعوت از ستارگان موسیقی و سینمای جهان و برگزاری کنسرت‌های مملو از رقص و آواز دیگر پدیده عجیبی نیست، اما برنامه‌هایی که هفته گذشته در سرزمین نزول وحی شاهد آن بودیم، چیزی فراتر از صرفاً یک جشنواره موسیقی و مدلباس بود. روندی که از مدت‌های پیش در عربستان آغاز شده و آن را با احتیاط و تسامح، سکولاریسم نام می‌نهادیم، امروز می‌توانیم آن را عبور از سکولاریته و ورود به سپهر لائیسیته بدانیم. چنین فرایندی بیش از هر چیز با مسئله هویت‌سازی در ارتباط است؛ هویتی که زمانی دال مرکزی آن تعصب قبیله‌ای بود و پس از ظهور اسلام هویت دینی تا حد زیادی جای آن را گرفت، امروز در حال عبور به سمت نوعی هویت ملی‌گرایانه سکولار است که مروج اصلی آن نیز رئیس حاکمیت سعودی هستند.

در عربستان همواره نهاد دین از سیاست جدا بوده و هر چند در برهه‌هایی مانند دهه ۲۰ میلادی که سال‌های شکل‌گیری حکومت مستقل سعودی است، نقش نهاد دین و خاندان وهابی آل‌شیخ پررنگ‌تر بوده، اما فی‌ذاته باید حکومت سعودی را حکومتی سکولار دانست. حال، این سکولاریسم خفی در سال‌های حضور بن‌سلمان در قدرت، کم‌کم از وضعیت جدایی دین و سیاست به وضعیت عدم اجازه به

دین برای دخالت در امور عمومی و کوتاه کردن دست آن از هر گونه نقش آفرینی اجتماعی تغییر کرده است.

در ۲۳ آبان ماه ۱۴۰۳، سالن «هزار و یکمین فصل الی صعب» که محل برگزاری نمایش مد لباس برند معروف لبنانی است، شاهد اجرای برنامه توسط هنرمندانی از جمله سلن دیون، جنیفر لویز، هالی بری، کامیلا کابایو، نانسی عجرم و بلانکا لی بود؛ اجراهایی که البته با پوشش‌های ناپه‌نجار، واکنش‌ها و اعتراضات بسیاری را برانگیخت. البته سال گذشته نیز موسم الرياض میزبان ایگی آزیلیا، خواننده زن استرالیایی بود که با اجرای آهنگ «الالهة الانثی» و مضامین شرک‌آلود، هنجارشکنی کم‌سابقه‌ای در عرصه فرهنگی این کشور را رقم زد.



در حالی که مدت‌هاست از حاکمان سعودی توقع همدردی با مردم غزه و لبنان در برابر جنایات رژیم صهیونیستی وجود ندارد، اما انتظار می‌رفت این فشن‌شو حداقل بهره‌ای از فرهنگ عربی-اسلامی برده

باشد، اما تعداد باز یگران و مدل هایی که هر یک الیمانی از فرهنگ غربی را با خود به همراه داشتند برای حضار و خبرنگاران تعجب برانگیز بود. لکن آنچه بیش از هر چیز خشم مسلمانان را به همراه داشت، وجود یک سازه مکعب شکل مانند کعبه بود که مدل های لباس دور تا دور آن می رقصیدند؛ گویی طواف آن شبه کعبه را به جامی آوردند. این شباهت به مناسک مذهبی مسلمانان، با اعتراضات گسترده ای همراه شد تا جایی که برخی معتقدند این شباهت، هرگز اتفاقی نبوده و اهداف ضد اسلامی پشت پرده آن وجود داشته است.

رسانه منتقد سعودی با نام خط البلد، معتقد است حکام سعودی از مدت ها پیش در فکر ساختن بنایی در برابر کعبه مقدس در ریاض بوده اند و این بنای کعبه گون آیینی که مدل های عریان لباس را منعکس می کرد، هدفی جز به چالش کشیدن اعتقادات مسلمانان با هدف اهانت به قبله آن ها نداشته است. دلیل این امر، تضعیف اسلام برای جلب رضایت صهیونیست ها و نیز منحرف کردن حواس و دقت مردم از مسائل مهم تری همچون فلسطین است.

یک مقام سعودی در واکنش به این اعتراضات گفت هیچ نمونه مشابهی از کعبه ساخته نشده، بلکه تنها چهار آیینی از زمین تا سقف قرار داده شدند تا تصاویر، مدل ها و لباس ها را به صورت دیجیتالی نمایش دهد. این در شرایطی است که در اوایل سال جاری میلادی، پروژه ساخت یک بنای مکعب شکل به نام «مکعب» در ریاض آغاز شد که گفته می شود قرار است بزرگترین ساختمان جهان باشد. طرح اولیه

این پروژه ۵۰ میلیارد دلاری که طول و عرض و ارتفاعی به اندازه ۴۰۰ متر خواهد داشت، شباهت غیرقابل انکاری با خانه خدا دارد و به نوعی کعبه‌ای مطلق و در ابعاد چندصد متری خواهد بود. این طرح که از ابتدا با مخالفت‌ها و اعتراضاتی روبرو بود، اکنون با رویدادهای موسم ریاض دوباره به سرزبان‌ها برگشته و این تکذیبیه‌ها را غیرقابل باور کرده است. نکته جالب دیگر در واکنش مسئولان سعودی، گرفتن انگشت اتهام به سمت اسلام‌گرایان و اخوان المسلمین است. به طوری که با دفاع محکم از این برنامه‌ها، تمامی انتقادات وارده به هنجارشکنی‌ها از سوی کاربران مجازی را حاصل کارشکنی‌های اخوان دانسته و این سازمان و به طور کلی ایدئولوژی اسلام‌گرایانه را مانعی بر سر راه پیشرفت جامعه و رسیدن مردم به علایقشان عنوان کرده‌اند. پرواضح است که قرائت لیبرال از اسلام که بن سلمان سال‌ها پیش آن را به عنوان اسلام میانه‌رو معرفی کرد، کم‌کم جایگزین اسلام وهابی‌ای می‌شود که در طول دهه‌ها، مدارس علمیه و آموزش‌های مذهبی در سراسر جهان اسلام را احاطه کرده بود.

از سویی فضای مجازی سعودی و شبکه‌های اجتماعی آن، از این وقایع غافل نبوده و با تکرار هشتگ «نرفض تدنيس بلاد الحرمين» (هتک حرمت به سرزمین حرمین را رد می‌کنیم)، نسبت به آن واکنش نشان دادند. کاربران همچنین دوباره نسبت به دستگیری شیخ دکتر صالح آل طالب، امام جماعت سابق مسجد الحرام که در سال ۲۰۲۰ و به دلیل انتقاد از حکومت سعودی راهی زندان شده بود، اعتراض کردند.

واقع مردم عربستان که زیر پا گذاشته شدن مقدسات خود را به وضوح مشاهده می‌کنند و در این مسیر تنها سکوت علمای دینی را می‌بینند، بیش از پیش یادآور عالمانی هستند که شجاعت انتقاد و ایستادن در برابر کج روی های آل سعود را داشته‌اند.



در این میان، توجهات به سمت علمای جامیه که در سال‌های اخیر وظیفه توجیه تصمیمات حاکمان سعودی و سفیدشویی هنجارشکنی‌های فرهنگی را بر عهده داشته‌اند، جلب شده است. از جمله این افراد، شیخ عائض القرنی است که پس از طرح انتقاداتی از حکومت سعودی و دستگیری‌اش، از مواضع خود عقب‌نشینی کرده و اکنون هم‌صدا با آل سعود، از تصمیمات بن‌سلمان حمایت می‌کند. ترکی‌الشلهوب، معارض شناخته‌شده سعودی، بخشی از سخنان یکی از علمای جامیه را منتشر کرده که در آن از مردم می‌خواهد در برابر شرب خمر و زنا، آشکار حاکم جامعه نیز سکوت کرده و آن را تکذیب کنند. با

اشره به این سخنان، الشلهوب معتقد است نمی توان از چنین عالمانی انتظار انتقاد و برخورد با این هنجارشکنی ها را داشت.

به طور کلی به نظر می رسد مسیری که بن سلمان در آغاز به قدرت رسیدنش آغاز کرده، اکنون با سرعت بالایی و بدون احتیاط و ملاحظه نسبت به امواج خشمی که در بخش های سنتی و مذهبی جامعه عربستان برانگیخته خواهد شد، ادامه پیدا می کند. گویی او دیگر نگرانی چندانی از بحران مشروعیت ندارد و کاملاً به سمت جامعه ای غیر/ضد دینی پیش خواهد رفت. برای حکومت سعودی میزبانی از اکسپو ۲۰۳۰ و جام جهانی فوتبال ۲۰۳۴ بهانه کافی جهت پافشاری روی طرح ها و پروژه های جنجالی از این قبیل را داده و سرکوب مخالفین را آسان تر کرده است. این نمادها و رویدادها زمانی زنگ خطر را بیشتر به صدا در میاورند که با طرح های بنیادی تری در تغییر افکار و سلیقه عموم مردم همراه شود؛ از جمله تغییر کتاب های درسی و اجازه به رواج همجنس گرایی. چه اینکه سرمربی تیم فوتبال الاتحاد زنان عربستان، با همراه داشتن دستبندی رنگین که نماد اقلیت های جنسی است و همچنین اثری از ستاره داوود روی دست خود، که البته آزادانه و در انتظار حضور و فعالیت دارد، نشانه ای است بر عزم راسخ آل سعود در رقم زدن یک انقلاب ایدئولوژیک تمام عیار و نادیده گرفتن مخالفت ها و اعتراضات.

به نظر می رسد تلاش های رهبران سعودی در این راستا، هر چند طبقه متوسط جدید و بخشی از جوانان را با خود همراه کرده است، اما

اعتراضاتی از گوشه و کنار و از حساب‌های توئیتری پید او پنهان مشاهده می‌شود نشان می‌دهد این اقدامات - حداقل تا کنون - نتوانسته به جامعه هویتی یکپارچه ببخشد و حتی بالعکس، موجب بروز واکنش‌های مخالف از سوی مردم و به طور خاص قشر مذهبی و سنتی این کشور شده است؛ هر چند باید توجه داشت اعتراض به روندی که کاملاً حکومتی است در جامعه‌ای که تمام فضای آن زیر رصد دقیق نهادهای امنیتی و سایبری است، تا حد زیادی غیرممکن و بسیار خطرناک است.



از سوی دیگر، این شکاف و اختلاف فرهنگی در کنار وضعیت نابسامان اقتصادی این کشور، مزید بر نارضایتی‌ها شده است. مهم‌ترین نمود این وضعیت، کسری بودجه ۲۰۲۴ به اندازه ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور است. وضعیتی که منجر به کاهش

سرمایه‌گذاری‌های خارجی عربستان و همچنین تقلیل سهام‌های آن در شرکت‌های خارجی شده است. در همین ماه اکتبر نیز قیمت‌ها در بخش مسکن، آب، برق، گاز و سایر انواع سوخت با افزایش حدود ۱۰ درصدی نسبت به زمان مشابه در سال گذشته بوده و اجاره‌بهای مسکن نیز ۱۱.۶ درصد افزایش داشته است. البته میانگین تورم این ماه حدود ۲ درصد بوده است. بر اساس آماری که دولت عربستان در نوامبر ۲۰۲۳ منتشر کرده بود، تنها حدود ۲۰ درصد از جوانان بالای ۱۵ سال عربستان در جشن‌ها و جشنواره‌های ملی شرکت کرده‌اند. این در حالیست که دلیل عمده جوانان سعودی برای عدم شرکت در این جشن‌ها و جشنواره‌ها، هزینه بالای آن بوده است. هر چند گزارش سال ۲۰۲۴ هنوز منتشر نشده است، اما از همین نمونه پیشین میتوان دانست که این گونه رویدادها تنها بخش محدودی از جامعه را مخاطب خود قرار داده و بخش کثیری از ساکنین این کشور تمایل و یادستری به آن ندارند.

اکنون باید دید آیا بدنه فعلی حاکمیت سعودی خواهد توانست جامعه موزائیکی عربستان را با فشارهای بالا به پایین برای تثبیت هویت ملی مدرن، یکدست سازد و با فائق آمدن بر شکاف‌های روزافزون فرهنگی و اقتصادی، دولت-ملتی به معنای درست کلمه بنا کند یا نه.^۱

چالش ناتمام حجاب



گشت پلیس اخلاق؛ تدبیر لیبی برای مقابله با بی حجابی



دولت لیبی تدابیر جدیدی را برای مقابله با بی حجابی در این کشور اتخاذ کرد. این تدابیر جدید که هدف از آن تقویت ضوابط اجتماعی و اخلاقی است، جنجال آفرین بوده و رعایت پوشش اسلامی و حجاب رادر جامعه اجباری می‌کند.

تدابیر جدید دولت لیبی جرقه دو قطبی شدن گروه‌های مخالف و موافق حجاب رادر جامعه لیبی روشن کرده است؛ موافقان حجاب آن را

گامی در راستای حمایت از ارزش‌ها و سنت‌های لیبی می‌دانند، در حالی که گروه دیگر این قوانین را بیانگر ایجاد محدودیت در آزادی فردی برشمرده‌اند.

همچنین براساس برنامه اعلام‌شده از سوی دولت لیبی، پلیس اخلاق برای اجرای قوانین جدید مرتبط با نوع پوشش و رفتارهای عمومی روی کار خواهد آمد و از پوشیدن لباس‌های نامناسب در اماکن عمومی جلوگیری خواهد کرد.

عماد طرابلسی، وزیر کشور در دولت وحدت ملی لیبی در این باره اعلام کرد: «گشت‌های پلیس اخلاق از ابتدای ماه آینده بر سر کار خواهند آمد و قوانین جدید (مربوط به حجاب) را در محافل عمومی اجباری خواهند کرد.»

وی افزود: «این قوانین شامل ممنوعیت لباس‌های نامناسب و مدل موهای عجیب و غریب که با سنت‌های لیبیایی هم‌خوانی ندارد، خواهد بود.»

این وزیر لیبیایی همچنین بر لزوم پایبندی زنان به پوشیدن لباس‌های مناسب در اماکن عمومی تأکید کرد.

الطرابلسی درباره اقدامات انضباطی گفت: «صاحبان کافه‌ها و رستوران‌هایی که اجازه پوشش نامناسب اعم از زن و مرد جوان را بدهند با آنها برخورد خواهد شد و آرایشگاه‌هایی که مقررات قانونی و اجتماعی را رعایت نکنند، تعطیل می‌شوند.»

وی تأکید کرد: به هیچ کس اجازه نمی‌دهیم رفتار توهین‌آمیز با زنان داشته باشد و تلاش می‌کنیم نیروهای خود را بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت تربیت کنیم.^۱

آغاز ممنوعیت استفاده از برقع و پوشش چهره در سوئیس از ۲۰۲۵



از ابتدای سال ۲۰۲۵، سوئیس تصمیم به اجرای قانون ممنوعیت پوشیدن برقع و پوشش کامل صورت در اماکن عمومی گرفته است. این قانون که در سال ۲۰۲۱ در همه‌پرسی عمومی تصویب شد، برای متخلفان جریمه‌ای تا ۱۰۰۰ فرانک (معادل حدود ۱۱۰۰ دلار) تعیین کرده است.

براساس آمارها، سوئیس در سال جاری میزبان بیش از ۳۰۰ هزار گردشگر از کشورهای حوزه خلیج فارس بوده است که در میان آن‌ها، ۱۱۶ هزار نفر از شهروندان عربستان سعودی بوده‌اند. ژنو محبوب‌ترین مقصد گردشگران این منطقه است و پس از آن، زوریخ، اینترلاکن و لوسرن در رتبه‌های بعدی قرار دارند. با اجرای این قانون، نگرانی‌هایی درباره تأثیر احتمالی آن بر گردشگران خلیج فارس مطرح شده است؛ به‌ویژه که این گروه از گردشگران با اقامت‌های طولانی و هزینه‌های بالای خود نقشی مهم در اقتصاد سوئیس ایفا می‌کنند.

در سپتامبر ۲۰۲۳، مجلس نمایندگان سوئیس با ۱۵۱ رأی موافق در مقابل ۲۹ رأی مخالف، قانون ممنوعیت پوشش کامل صورت مانند برقع یا نقاب را به تصویب رساند. مطابق این قانون که پیش‌تر در مجلس سنا نیز تأیید شده بود، پوشاندن بینی، دهان و چشم در اماکن عمومی و ساختمان‌های خصوصی که در معرض دید عموم هستند، ممنوع است؛ هرچند برخی استثنائات نیز در نظر گرفته شده است.

تصویب این قانون موجی از بحث‌ها و واکنش‌ها را در داخل و خارج سوئیس برانگیخته است. برخی کارشناسان معتقدند که این اقدام، تعهد سوئیس به آرمان‌های دموکراسی و مدارا را زیر سؤال می‌برد. منتقدان این قانون را تهدیدی برای آزادی‌های شخصی می‌دانند و آن را نمایانگر احساسات ضد مهاجر در اروپا تلقی می‌کنند. از سوی دیگر، سازمان‌های فمینیستی و مدافع حقوق زنان و آزادی‌های مدنی نیز از مخالفان سرسخت این قانون به‌شمار می‌آیند.



واکنش کشورهای اسلامی به این اقدام سوئیس متفاوت بوده است. برخی آن را حق حاکمیتی سوئیس برای تعیین قوانین داخلی دانسته‌اند، در حالی که دیگران آن را به عنوان نمودی از بی‌توجهی فرهنگی یا حتی تبعیض تعبیر کرده‌اند. سازمان همکاری اسلامی (OIC) نگرانی خود را از این قانون ابراز کرده و آن را اقدامی تنش‌زا دانسته که ممکن است به افزایش اسلام‌هراسی منجر شود. شورای روابط آمریکایی-اسلامی (CAIR)، بزرگ‌ترین سازمان مدافع حقوق مسلمانان در آمریکا، نیز این ممنوعیت را محکوم کرده است.^۱

اسلام‌ستیزان در آلمان



نیم‌نگاهی به تأثیرات جنگ غزه بر مسلمانان در آلمان



با آغاز جنگ غزه، آلمان افزایش قابل توجهی در دشمنی‌ها علیه مسلمانان ثبت کرده است. در سال ۲۰۲۳، پلیس آلمان در سطح ملی ۱۴۶۴ جرم با انگیزه‌های احتمالی اسلام‌ستیزانه ثبت کرده است که به‌طور چشمگیری بیشتر از سال قبل است. در سال ۲۰۲۲، تعداد جرایم اسلام‌ستیزانه ثبت شده ۶۱۰ مورد بود. از تاریخ ۷ اکتبر تا پایان سال ۲۰۲۳، ۴۹۳ جرم ثبت شد. در نیمه اول سال جاری، پلیس ۳۵۲ حمله به

مسلمانان را گزارش کرد. در مجموع، ۸۴۵ حمله علیه مسلمانان و مساجد صورت گرفته است.

آمارها و وقایع مستند شده

این حملات شامل تهدیدها، توهین‌ها، صدمات بدنی و حملات به مساجد می‌شوند. پس از حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و حملات سنگین ارتش اسرائیل در نوار غزه، تعداد این وقایع به‌طور سریع افزایش یافت.

آمار واقعی ممکن است بیشتر باشد، زیرا همه موارد به‌عنوان «اسلام‌ستیزانه» ثبت نمی‌شوند. شبکه اتحاد علیه اسلام‌ستیزی در سال ۲۰۲۳، ۱۹۲۶ مورد اسلام‌ستیزانه را ثبت کرد که به‌طور میانگین بیش از پنج حمله در روز است. این حملات اغلب زنان مسلمان و اماکن مذهبی را هدف قرار داده‌اند.

فهرست وقایع

اکتبر ۲۰۲۳

۳ - اکتبر ۲۰۲۳: یک نوجوان با الفاظ نژادپرستانه مورد توهین قرار گرفت و با یک اسلحه‌گازی تهدید شد.

۷ - اکتبر ۲۰۲۳: افراد ناشناس شیشه‌های یک مسجد را با سنگ شکستند.

۱۶- اکتبر ۲۰۲۳: مردی از روی پل به پایین انداخته شد؛ پلیس در حال بررسی احتمال انگیزه‌های راست‌گرایانه است.

۱۸- اکتبر ۲۰۲۳: یک دوچرخه‌سوار به حجاب یک رهگذر زن حمله کرده و آن را از سرش کشید.

۱۸- اکتبر ۲۰۲۳: افراد ناشناس دیوار یک مسجد را با نماد ستاره داوود خط‌کشی کردند.

۲۰- اکتبر ۲۰۲۳: مردی قرآن را سوزاند و آن را جلوی مسجدی انداخت.

۲۱- اکتبر ۲۰۲۳: شعار «اسلام را بکشید» توسط افراد ناشناس روی دیوار خارجی یک مسجد نوشته شد.

۲۵- اکتبر ۲۰۲۳: یک زن که با حجاب درخواست شغلی داده بود، با عبارت «کاری برای تو وجود ندارد» رد شد.

۲۷- اکتبر ۲۰۲۳: یکی از کارکنان سیستم حمل‌ونقل عمومی مورد حمله و توهین نژادپرستانه قرار گرفت.

۲۸- اکتبر ۲۰۲۳: افراد ناشناس یک قرآن سوخته را به مسجدی ارسال کردند.

۳۱- اکتبر ۲۰۲۳: نامه‌هایی با پیام‌های نفرت‌آمیز و فصولات سگ به مساجد مختلف فرستاده شد.

نوامبر ۲۰۲۳

۱- نوامبر ۲۰۲۳: شعارهای ضداسلامی روی محوطه یک دانشگاه نوشته شد.

۳- نوامبر ۲۰۲۳: حمله آتش زابه یک مؤسسه الهیات اسلامی انجام شد.

۸- نوامبر ۲۰۲۳: صاحبخانه‌ای از اجاره دادن خانه به یک زوج مسلمان خودداری کرد با این جمله که «نمی‌خواهم یک مسلمان مستأجرم باشد».

۱۱- نوامبر ۲۰۲۳: یک مسجد دوباره قرآن سوخته همراه با فضولات دریافت کرد.

۱۴- نوامبر ۲۰۲۳: یک زن در شهر بن مورد توهین نژادپرستانه و ضرب و شتم قرار گرفت.

۱۵- نوامبر ۲۰۲۳: افراد ناشناس غذایی را همراه با پیام‌های تهدیدآمیز سفارش دادند و به مسجد فرستادند.

۱۷- نوامبر ۲۰۲۳: قبور مسلمانان با صلیب‌های شکسته (نماد نازی‌ها) خراب شدند.

۱۹- نوامبر ۲۰۲۳: افراد ناشناس دیوار خانه یک خانواده مسلمان را با نمادهای نازی خط‌کشی کردند.

۲۰- نوامبر ۲۰۲۳: دو مسجد قرآن سوخته همراه با فضولات دریافت کردند.

۲۲- نوامبر ۲۰۲۳: شعارهای ضد اسلامی بر روی دیوار یک خانه نوشته شد.

- ۲۳ نوامبر ۲۰۲۳: مردی به یک زن مسلمان توهین کرد و تلاش کرد حجاب او را بردارد.

- ۲۵ نوامبر ۲۰۲۳: یک دختر مسلمان به دلیل داشتن گردنبند مذهبی توسط هم‌کلاسی‌هایش مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

- ۳۰ نوامبر ۲۰۲۳: شعارهای ضد اسلامی روی دیوار یک خانه نوشته شد.

دسامبر ۲۰۲۳

- ۶ دسامبر ۲۰۲۳: درب ورودی یک خانه با شعارهای ضد اسلامی خراب شد.

- ۱۵ دسامبر ۲۰۲۳: شعار «همه فلسطینی‌ها را بکشید» روی دیوار خارجی یک دبیرستان نوشته شد.

- ۱۶ دسامبر ۲۰۲۳: یک مسجد دوباره نامه تهدید آمیز نژادپرستانه دریافت کرد.

- ۱۷ دسامبر ۲۰۲۳: یک آرایشگاه بانما دستاره داوود خط‌کشی شد.

- ۱۷ دسامبر ۲۰۲۳: غذایی همراه با پیام‌های نفرت آمیز برای مسجدی فرستاده شد.

- ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳: دختری ۱۴ ساله با نقاب مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفت.

- ۲۱ دسامبر ۲۰۲۳: شعار «لعنت به اسلام» روی جعبه‌های برق نوشته شد.



ژانویه ۲۰۲۴

۱۶ ژانویه ۲۰۲۴: مردی ۳۲ ساله در مرکز شهر براونشوایگ مورد ضرب و شتم و توهین نژادپرستانه قرار گرفت.

۱۹ ژانویه ۲۰۲۴: دوزن محجبه در درسدن توسط یک فرد ناشناس تف شده و مورد توهین نژادپرستانه قرار گرفتند. پلیس امنیت در حال بررسی است.

۲۰ ژانویه ۲۰۲۴: یک مسجد در اسن هدف حمله آتش زان قرار گرفت و یک صلیب شکسته در برف جلوی آن حک شده بود. مظنونان بازداشت شدند.

۲۲ ژانویه ۲۰۲۴: افراط گرایان راست گرا در دورتموند به یک جوان ۲۴ ساله حمله کرده و او را مجروح کردند.

۲۲ ژانویه ۲۰۲۴: یک زن مسلمان در ایستگاه قطاری در الزتروئردا مورد توهین نژادپرستانه قرار گرفت و تلاش شد تا حجاب او کشیده شود. دو فردی که سعی در کمک داشتند نیز توسط مهاجمان مورد حمله قرار گرفتند.

۲۵ ژانویه ۲۰۲۴: دیوارهای یک مسجد در بادن-وورتمبرگ با شعارهای راست گرایانه خراب شد.

۲۷ ژانویه ۲۰۲۴: یک دانش آموز ۱۵ ساله به یک همکلاسی ۱۴ ساله توهین نژادپرستانه کرد و به او حمله فیزیکی کرد.

۲۸ ژانویه ۲۰۲۴: یک زن ۷۲ ساله در اتوبوسی در برلین-شارلوتنبورگ مورد توهین نژادپرستانه و حمله قرار گرفت.

فوریه ۲۰۲۴

۳ فوریه ۲۰۲۴: یک مسجد در بیلفلد پیام‌های نفرت‌آمیز مرتبط با گروه NSU دریافت کرد.

۴ فوریه ۲۰۲۴: مردی ۲۹ ساله که پسر امام مسجد بود، جلوی مسجدی در پینه مورد اصابت گلوله قرار گرفت.

۷ فوریه ۲۰۲۴: شعارهای ضد اسلامی در ایستگاه قطاری در دویسبورگ نوشته شد.

۷ فوریه ۲۰۲۴: اتاق نماز یک دانشگاه در برلین تخریب شد.

۸ فوریه ۲۰۲۴: مسجدی در بیلفلد بار دیگر پیام‌های نفرت‌آمیز از طریق خدمات ارسال دریافت کرد.

۱۴ فوریه ۲۰۲۴: یک مسجد دیگر در اسن نیز پیام‌های نفرت‌آمیز مشابهی دریافت کرد.

۱۶ فوریه ۲۰۲۴: بیش از ۱۰۰ پیام نفرت‌آمیز به مساجد در ایالت نوردراین-وستفالن ارسال شد.

۱۷ فوریه ۲۰۲۴: مردی ۲۳ ساله یک سیستم گرمایشی در مسجدی در دورتموند را به آتش کشید.

۲۴ فوریه ۲۰۲۴: لوح یادبودی برای قربانیان NSU در کمیتس خراب شد.

۲۵ فوریه ۲۰۲۴: یک مسجد در فلیپسبرگ با شعارهای ضداسلامی خط‌کشی شد.

مارس ۲۰۲۴

۱۳ مارس ۲۰۲۴: یک زن مسلمان در پارکی در هامبورگ مورد حمله و توهین ضداسلامی قرار گرفت.

۱۳ مارس ۲۰۲۴: معلمی در کوت‌بوث متهم شد که دانش‌آموزان مهاجر را کتک زده است.

۱۷ مارس ۲۰۲۴: مسجدی در تانهاوزن تخریب شده و بانمادستاره داوود خرابکاری شد.

۱۸ مارس ۲۰۲۴: یک زن ۲۴ ساله در ایستگاه مترو برلین مورد توهین نژادپرستانه قرار گرفته و هل داده شد.

۱۹ مارس ۲۰۲۴: شعارهای ضداسلامی در ووپرتال مشاهده شد.

۲۶ مارس ۲۰۲۴: زنی در برلین کودکان و معلمان را در مسجد تهدید کرد.

۲۷ مارس ۲۰۲۴: خانواده‌های مسلمان در بوخوم نامه‌های نژادپرستانه دریافت کردند.

آوریل ۲۰۲۴

۳ آوریل ۲۰۲۴: دو مسجد در ایالت هسن هدف حملات ضداسلامی قرار گرفتند.

۱۳ آوریل ۲۰۲۴: مسجدی در بیلفلد مورد حمله قرار گرفت؛ فرد مظنون دستگیر شد.

۱۵ آوریل ۲۰۲۴: حملات علیه مسلمانان و یهودیان از زمان جنگ خاورمیانه دو برابر شده است.

۱۷ آوریل ۲۰۲۴: خانواده‌ای مسلمان در بایرن مورد توهین نژادپرستانه قرار گرفتند و پدر خانواده مجروح شد.

۲۷ آوریل ۲۰۲۴: مسجدی در کیل با شعارهای سیاسی خرابکاری شد.

۲۷ آوریل ۲۰۲۴: مادری و پسرش در یک سوپرمارکت مورد توهین و تهدید نژادپرستانه قرار گرفتند.

۲۹ آوریل ۲۰۲۴: دود دختر جوان در درسدن توسط زنان مسن تر مورد توهین نژادپرستانه قرار گرفتند.

مه ۲۰۲۴

۱۱ مه ۲۰۲۴: نه زن مسلمان در وارنموند مورد توهین قرار گرفتند؛ مهاجم سلام نازی داد.

۲۳ مه ۲۰۲۴: پسری ۱۱ ساله به طور نژادپرستانه مورد توهین قرار گرفت، کتک خورد و سپس توسط یک خودرو زیر گرفته شد.

۲۴ مه ۲۰۲۴: شعارهای نژادپرستانه در جزیره زولت باعث خشم گسترده در سطح ملی شد.



ژوئن ۲۰۲۴

۱ ژوئن ۲۰۲۴: زنی ۲۴ ساله در بن مورد توهین نژادپرستانه قرار گرفت و حجاب او کشیده شد.

۷ ژوئن ۲۰۲۴: یک زن مسلمان به دلیل داشتن حجاب از دریافت خدمات در یک مرکز روان پزشکی (AWO) محروم شد.

۱۱ ژوئن ۲۰۲۴: در هنگام رأی گیری در برمرهافن، یک زن داوطلب انتخاباتی مورد توهین نژادپرستانه قرار گرفت.

۱۲ ژوئن ۲۰۲۴: یک مسجد در بوتروپ با شعارهای ضداسلامی خرابکاری شد.

۱۵ ژوئن ۲۰۲۴: دو دختر سیاه پوست در گره و زمولن توسط نوجوانانی مورد حمله و توهین نژادپرستانه قرار گرفتند.

۲۳ ژوئن ۲۰۲۴: خانواده ای مسلمان در برلین توسط مردی با اسپری فلفل تهدید شدند.

۲۵ ژوئن ۲۰۲۴: شیشه های یک مسجد در هام شکسته شد.

ژوئیه ۲۰۲۴

۲ ژوئیه ۲۰۲۴: مادری جوان در ماگدبورگ توسط دوزن مورد توهین نژادپرستانه قرار گرفته و مورد حمله قرار گرفت.

۱۳ ژوئیه ۲۰۲۴: مردی ۴۶ ساله پس از حمله ای نژادپرستانه بازداشت شد.

۱۶ ژوئیه ۲۰۲۴: زنی مسلمان در برلین توسط مردی به طور
نژادپرستانه مورد حمله قرار گرفت.

۲۳ ژوئیه ۲۰۲۴: مردی در پارکینگ یک سوپرمارکت در برلین
شعارهای راست گرایانه سرداد و به عابران حمله کرد.

۲۴ ژوئیه ۲۰۲۴: دو مرد در برلین طی حمله‌ای با چاقو مجروح شدند؛
احتمال انگیزه ضد اسلامی در حال بررسی است.

۲۷ ژوئیه ۲۰۲۴: آتش سوزی در یک رستوران در منطقه راین-زیگ
احتمالاً با انگیزه‌های نژادپرستانه انجام شده است.

۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴: جزئیات جدید نشان داد که حمله‌ای با چاقو در
مونخ هدفمند برای قتل مسلمانان بوده است.

اوت ۲۰۲۴

۱ اوت ۲۰۲۴: مردی در اتاق اورژانس برلین به پرستاری حمله کرد و به
او توهین نژادپرستانه کرد.

۶ اوت ۲۰۲۴: دو مادر و فرزندانشان در یک ایستگاه مترو مورد
توهین و تهدید ضد اسلامی قرار گرفتند.

۶ اوت ۲۰۲۴: مردی در مونخ به دو نفر با چاقو حمله کرد؛ این حمله
به عنوان اقدامی ضد اسلامی طبقه بندی شد.

سپتامبر ۲۰۲۴

۱ سپتامبر ۲۰۲۴: گروهی به زنی محجبه در خیابان حمله کردند.



۱ سپتامبر ۲۰۲۴: مردی مست، کودکی را مورد ضرب و شتم قرار داد و به او توهین نژادپرستانه کرد.

۲ سپتامبر ۲۰۲۴: زنان مسلمان توانستند از یک حمله با چاقو در اتوبوس جلوگیری کنند.

۹ سپتامبر ۲۰۲۴: تئوری‌های توطئه علیه مسلمانان افزایش داشت.

۱۳ سپتامبر ۲۰۲۴: سه مسجد در گوتینگن نامه‌های نفرت‌آمیز دریافت کردند؛ پلیس در حال بررسی است.

۱۴ سپتامبر ۲۰۲۴: طرح‌های حمله علیه مسلمانان و یهودیان کشف شد؛ یک مرد ۱۹ ساله محاکمه شد.

۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴: آتش‌سوزی در خانه‌ای که دو نفر جان باختند؛ پلیس احتمال انگیزه‌های نژادپرستانه را بررسی می‌کند.

۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴: پسر توسط فردی ناشناس مورد خفه کردن و توهین نژادپرستانه قرار گرفت.^۱

پایان جنبش ضد اسلامی پگیدا: از اوج تا افول



هانس فورلندر، کارشناس علوم سیاسی از درسدن آلمان، پایان اعتراضات خیابانی جنبش پگیدا را «تصمیمی ضروری و دیرهنگام» توصیف کرد. او معتقد است موضوعاتی که پگیدا مطرح کرد، اکنون توسط جنبش‌های راست‌گرای افراطی دیگر همچون حزب آلترناتیو برای آلمان (AfD)، ادامه یافته و حتی رادیکال‌تر شده‌اند.

جنبش پگیدا که در اکتبر ۲۰۱۴ شکل گرفت، به عنوان «اروپایی‌های میهن پرست علیه اسلام‌گرایی» شهرت یافت. در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، این گروه هزاران نفر را به خیابان‌های درسدن کشاند، اما در سایر شهرهای آلمان استقبال از آن به مراتب کمتر بود. در سال ۲۰۲۱، اداره حفاظت از قانون اساسی آلمان این جنبش را به عنوان یک گروه افراطی شناسایی کرد و رهبر آن، لوتس باخمان، که سوابق کیفری متعددی دارد، به طور رسمی به عنوان یک راست‌گرای افراطی شناخته شد. باخمان اخیراً اعلام کرد که به دلایل مالی و سلامتی، آخرین تجمع پگیدا در دهمین

سالگرد تأسیس آن برگزار خواهد شد. او همچنین از برنامه‌هایی برای پادکست‌ها و تولید محتوا در رادیو و تلویزیون در آینده خبر داد.

پیامدهای اجتماعی و سیاسی

به گفته فورلندر، پگیدا گفتمان عمومی را به سمت رادیکالیسم و عادی‌سازی نفرت سوق داد و به تشدید تقابل شرق و غرب آلمان کمک کرد. او معتقد است که بحران مهاجرت در سال ۲۰۱۵ نیز به این جنبش و حزب AfD جانی دوباره بخشید. اما پگیدا نه تنها در راست‌گرایان افراطی، بلکه در میان مخالفان نیز موجی از اعتراضات متقابل به راه انداخت و به بخشی از نبرد گسترده‌تر جامعه مدنی آلمان تبدیل شد.

افول تدریجی

با گذشت زمان و کاهش حمایت عمومی، جنبش پگیدا از صحنه سیاسی محو شد. تا اوایل ۲۰۲۰، این گروه ۲۰۰ تجمع برگزار کرد و طی چهار سال و نیم بعد تنها ۴۹ تجمع دیگر شکل گرفت. اکنون، اعلام پایان اعتراضات خیابانی با تجمع شماره ۲۵۰ به نوعی نقطه پایانی برای جنبشی است که روزگاری توجه افراط‌گرایان داخلی و خارجی، از جمله گرت ویلدرز و بیورن هوهه، را به خود جلب کرده بود. پایان پگیدا نشانه‌ای از محدودیت‌های افراط‌گرایی در جوامع دموکراتیک است، هرچند تأثیرات منفی آن همچنان در جامعه باقی خواهد ماند.^۱

اسلام ستیزی دولتی در هند



کلیشه سازی؛ بالیوود و تصویر سازی نفرت آمیز از مسلمانان



صنعت پر جنب و جوش فیلم در هند، بالیوود، تأثیر عمیقی بر افکار عمومی و هنجارهای اجتماعی دارد. با این حال، در سال های اخیر، روندی نگران کننده در این صنعت مشاهده شده است: «دیگری سازی» مسلمانان و به تصویر کشیدن سبک زندگی و دیدگاه های سنتی آن ها به شکلی منفی. این روند به ویژه در بازنمایی مسلمانان کشمیری برجسته است. این افراد، که به واسطه مهمان نوازی و تمایل به صلح شهرت دارند، در فیلم ها به عنوان تروریست و بنیادگرا معرفی می شوند.

ارائه نادرست از اسلام

اسلام، دینی که بر عدالت و هماهنگی تأکید دارد، اغلب در بالیوود به طور نادرست به نمایش گذاشته می‌شود. توصیف اسلام سنتی به عنوان بستری برای تروریسم نه تنها غیر واقعی، بلکه به طور عمیقی کنایه آمیز است. آموزه‌های اسلامی به صراحت اعمال خشونت علیه کودکان، زنان و سالمندان را حتی در شرایط جنگی منع کرده‌اند. با این حال، بالیوود به ندرت به علل واقعی درگیری‌های کشمیر، که بیشتر اقتصادی و سیاسی هستند، می‌پردازد. این منطقه به دلیل اهمیت استراتژیک و اقتصادی، به مهره‌ای در جنگ قدرت میان هند و پاکستان تبدیل شده و مردم عادی کشمیری بار سنگین این بحران را بر دوش می‌کشند.

در گذشته، بالیوود فیلم‌هایی مانند «حیدر» تولید می‌کرد که تصویری پیچیده‌تر و واقعی‌تر از درگیری‌های کشمیر ارائه می‌داد. اما اکنون چنین فیلم‌هایی نادر شده‌اند و روند غالب به سمت ساده‌سازی همه چیز با انگ «تروریسم اسلامی» پیش می‌رود. این تصویر تک بعدی نه تنها خطرناک، بلکه باعث تثبیت کلیشه‌های مضر و تقویت اسلام‌هراسی می‌شود.

سوءاستفاده از اصطلاحات اسلامی

بالیوود به طور عامدانه اصطلاحاتی مانند «مقصد» (هدف)، «جنات» (بهشت) و «حورین» (بانوان بهشتی) را، که ریشه در فرهنگ و الهیات

اسلامی دارند، در فیلم‌های خود تحریف و با تروریسم و افراط‌گرایی پیوند می‌دهد. این کار، نه تنها معنا و بستر واقعی این واژگان را مخدوش می‌کند، بلکه تصویری گمراه‌کننده ایجاد می‌کند که گویا این مفاهیم ذاتاً از خشونت حمایت می‌کنند. نتیجه این است که کل آموزه‌های اسلامی زیر سایه سوء‌ظن قرار می‌گیرند و این روایت مخرب را تقویت می‌کنند که اسلام بستری برای افراط‌گرایی است.

شخصیت‌پردازی کلیشه‌ای مسلمانان

یکی از مشکلات جدی در بالیوود، به تصویر کشیدن کلیشه‌ای شخصیت‌های مسلمان است. مسلمانان اغلب مجبورند به عنوان سربازان قهرمان بمیرند تا وفاداری خود به کشور را ثابت کنند، یا با سبک زندگی غیرسنتی مانند نوشیدن الکل و آواز خواندن با دوستان از سوء‌ظن‌ها فرار کنند. این روایت، این واقعیت را نادیده می‌گیرد که میهن‌پرستی و شهروندی دو مفهوم جداگانه هستند و شهروند خوب بودن نیازی به نمایش آشکار میهن‌پرستی ندارد.

نقش مخرب اسلام‌هراسی

فیلم‌هایی مانند «مبارز» با بازی هریتیک روشن، نشان می‌دهند که چگونه اسلام‌هراسی به‌طور موزیانه در داستان‌های بالیوود نفوذ کرده است. در این فیلم، شخصیتی که برقع به تن دارد، به عنوان مأموری دشمن معرفی می‌شود، القامی‌کند که برقع یک تهدید امنیتی است. این تصویرسازی گمراه‌کننده است، زیرا هیچ سابقه‌ای از حملات

تروریستی توسط زنان برقع‌پوش در کشمیر وجود ندارد. این نوع روایت‌ها باعث ایجاد بی‌اعتمادی و ترس نسبت به مسلمانان می‌شود. اسلام‌هراسی نه تنها توسط بالیوود ترویج می‌شود، بلکه توسط جامعه‌ای که این کلیشه‌ها را پذیرفته، مورد استقبال قرار می‌گیرد. این روند خطرناک به افزایش تعصب، نابردباری و خشونت علیه مسلمانان دامن می‌زند. بالیوود، به عنوان یکی از قدرتمندترین نیروهای فرهنگی، وظیفه دارد به جای تفرقه و نفرت، به ترویج صلح و تفاهم کمک کند.

بالیوود باید تولید فیلم‌هایی را در اولویت قرار دهد که تصویری واقعی و متعادل از مسلمانان ارائه دهند. این تغییر تنها مسئله‌ای مربوط به صداقت هنری نیست، بلکه گامی اساسی برای ساختن جامعه‌ای شمول‌پذیر و بردبارتر است. هنر باید ابزاری برای تفاهم و همبستگی باشد، نه ابزاری برای تقویت تعصب و تفرقه. وقت آن رسیده است که بالیوود پیش از آنکه دیر شود، این مسئولیت را بپذیرد.^۱

سیاست استفاده از ترقه در جشنواره‌های مذهبی



شایام جی. منون (Shyam G. Menon) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست استفاده از ترقه در جشنواره‌های مذهبی» به مشکلات ترقه و آتش‌بازی در جشنواره‌های مذهبی کرالا می‌پردازد و آن را مشخصه یک مخمسه سیاسی می‌داند که در چنبره احزاب سیاسی قرار گرفته است.

تلفیق پیچیده دین و سیاست در کرالا مسئله‌ای است که بانزدیک شدن انتخابات‌های مختلف پیچیده‌تر می‌شود. تلاش‌های سیاسی برای بهره‌برداری از احساسات دینی، به‌ویژه در جشنواره‌های پرترفدار، به موضوعات جدال‌برانگیز و حتی مناقشات امنیتی دامن زده است.

شایام در این مقاله، به‌طور جامع به موضوع استفاده از مواد آتش‌بازی در جشنواره‌های مذهبی کرالا و چالش‌های مرتبط با آن می‌پردازد. او ابتدا به حوادث تلخ و ناگوار ناشی از آتش‌بازی در جشنواره‌های مذهبی اشاره می‌کند. یکی از این حوادث اخیر در ۲۸ اکتبر

۲۰۲۴ در معبدی در منطقه کاساراگود رخ داد و بیش از ۱۵۰ نفر زخمی شدند. این اتفاقات دلخراش یادآور حادثه بسیار مرگبار دیگری است که در سال ۲۰۱۶ در معبد پوتینگال رخ داد و جان بیش از ۱۰۰ نفر را گرفت. این رویدادها اهمیت رعایت مقررات ایمنی و مدیریت صحیح را برجسته می‌کنند.

شایام همچنین به نظرات سیاستمداران محلی می‌پردازد که مقررات جدید دولت مرکزی را غیرمنطقی و غیرضروری می‌دانند، و به این واقعیت اشاره می‌کند که این سیاستمداران به دلیل ملاحظات سیاسی و جذب آرا، با تغییرات ایمنی مخالفت می‌کنند. سیاستمداران به دلایل سیاسی و برای حفظ محبوبیت خود، مخالفت‌هایی با مقررات جدید ایمنی دارند. این مقررات که توسط دولت مرکزی تصویب شده‌اند، فواصل مشخصی را برای ایمنی مردم و حفاظت از ساختمان‌ها در هنگام آتش‌بازی تعیین کرده‌اند، اما برخی از وزرای جبهه دموکراتیک چپ (LDF) این قوانین را «غیرمنطقی» و «غیرقابل اجرا» توصیف کرده‌اند. برای مثال، وزیر امور معابد، وی. ان. واساون، به صراحت مقررات جدید را مورد انتقاد قرار داد و خواستار تغییرات شد.

شایام توضیح می‌دهد که این نوع واکنش‌ها ریشه در پیچیدگی‌های سیاسی کرا لا دارد؛ جایی که جمعیت متراکم و شهرهای نزدیک به هم باعث می‌شود خطرات ناشی از آتش‌بازی بسیار جدی باشند. در عین حال، ترکیب سیاست و دین، فضایی ایجاد کرده که در آن منطق و علم به راحتی نادیده گرفته می‌شوند. سیاستمداران،

به خصوص در آستانه انتخابات، سعی می‌کنند با جلب حمایت گروه‌های مذهبی، جایگاه خود را حفظ کنند. این وضعیت در مراسم بزرگی مانند جشنواره تریسور پورام (Thrissur Pooram)، که شامل نمایش‌های عظیم آتش بازی و صف‌آرایی فیل‌ها است، بیشتر نمود پیدا می‌کند.

برای مثال، حادثه‌ای که در جشنواره تریسور پورام ۲۰۲۴ رخ داد و منجر به تعلیق موقت آتش بازی به دلیل اختلاف نظر بین پلیس و برگزارکنندگان شد، به سرعت به موضوعی سیاسی تبدیل شد. در این میان، حزب حاکم بی‌جی‌پی (BJP) نیز سعی کرد با استفاده از این موضوع، جایگاه خود را تقویت کند. سورش گوپی، بازیگر سینما و سیاستمدار بی‌جی‌پی، با ورود نمایشی خود به صحنه با آمبولانس، جنجال دیگری را برپا کرد. این اقدامات و واکنش‌ها نشان می‌دهد که چگونه مسائل امنیتی و منطقی به راحتی در چنبره بازی‌های سیاسی گرفتار می‌شوند.

علاوه بر این، شایام تأکید می‌کند که سیاست کرالا در حال تغییر است. در گذشته، فضای سیاسی این ایالت تحت سلطه دو جبهه اصلی، یعنی جبهه دموکراتیک چپ (LDF) و جبهه دموکراتیک متحد (UDF) بود، اما اکنون حزب بی‌جی‌پی (BJP) به عنوان یک نیروی جدید وارد صحنه شده است. هرچند این حزب تاکنون موفقیت‌های محدودی داشته، اما افزایش تدریجی سهم آرا و حمایت‌های مذهبی، این حزب را به یک بازیگر مهم تبدیل کرده است. این وضعیت باعث می‌شود که مسائل مذهبی و سنتی، مانند آتش بازی در جشنواره‌ها، به موضوعاتی

حساس و بحث برانگیز تبدیل شوند و فشار بر دولت‌ها برای همراهی با این مسائل بیشتر شود.

در نهایت، شایام به نقش تاریخی کرالا به عنوان ایالتی که زمانی به خرد، علم و تفکر عقلانی معروف بود، اشاره می‌کند و اینکه چگونه این ارزش‌ها به تدریج تحت تأثیر جریان‌های سیاسی و دینی افراطی کم‌رنگ شده‌اند. نمونه‌ای از این تغییرات، عدم توجه به توصیه‌های کمیته‌هایی است که پس از حوادث ناگوار، پیشنهادهای ایمنی ارائه داده‌اند؛ توصیه‌هایی که به دلیل فشارهای سیاسی یا بی‌توجهی دولت‌ها، نادیده گرفته شده و اجرایی نشده‌اند.^۱

یوتیوب و تشویق به افراط‌گرایی در هند

مقاله ویپول کومار با عنوان «سوپر چت: چگونه یوتیوب و کاربران آن با ایجاد نفرت کسب درآمد می‌کنند» به بررسی ارتباط میان مدل‌های درآمدزایی یوتیوب و محتوای افراطی در هند می‌پردازد. کومار تأکید دارد که ویژگی سوپر چت یوتیوب، که امکان نمایش برجسته نظرات پولی کاربران در پخش زنده را فراهم می‌کند، بستری برای تقویت سخنان نفرت‌انگیز و تنش‌های اجتماعی فراهم کرده است.

این مقاله نشان می‌دهد که چگونه یوتیوب با اجرای ناقص سیاست‌های محتوا، اجازه می‌دهد سخنان مضر و نفرت‌پراکن به

1 thewire.in/religion/tripping-on-rituals-the-politics-over-use-of-firecrackers-in-keralas-religious-festivals

سودآوری تبدیل شوند. کاربران افراطی از سوپر چت برای برجسته کردن پیام‌های تفرقه‌انگیز و تحریک‌آمیز استفاده می‌کنند و سازندگان محتوا نیز با تولید محتوای بحث‌برانگیز به دنبال جذب بیشتر مخاطب و درآمد بالاتر هستند. این چرخه به تقویت روایت‌های خطرناک منجر شده و در کشوری مانند هند، که فضای سیاسی-اجتماعی آن پرتنش است، پیامدهای شدیدی داشته است.



کومار استدلال می‌کند که یوتیوب در تعدیل محتوای مضر، عمدی یا غیر عمدی، کوتاهی می‌کند. مثال‌هایی از جمله حمایت ضمنی یوتیوب از سازندگان افراطی مانند بهارتی، که از نفرت علیه مسلمانان حمایت می‌کند، نشان می‌دهد که پلتفرم در مواجهه با سخنان خشونت‌آمیز منفعلانه عمل می‌کند. حتی در مواردی که نظرات برچسب‌گذاری می‌شوند، اقدامات جدی برای حذف آنها انجام نمی‌شود.

همچنین، یوتیوب در کشورهایی مانند هند، که قوانین نظارتی ضعیف‌تری دارند، نسبت به کشورهای توسعه‌یافته آزادی عمل

بیشتری برای انتشار محتوای مضر فراهم می‌کند. این تناقض نشان می‌دهد که سیاست‌های تعدیل یوتیوب ممکن است تابع فشارهای تجاری باشد و تعهدات اخلاقی را نادیده بگیرد.

مدل درآمدزایی و حمایت از افراط‌گرایی

یوتیوب از هر پیام سوپر چت ۳۰ درصد سهم می‌برد و از این طریق از محتوای نفرت‌پراکن سود می‌برد. این مدل درآمدزایی به سازندگان انگیزه می‌دهد تا محتوای قطبی تولید کنند و به کاربران امکان می‌دهد دیدگاه‌های افراطی خود را با پرداخت پول برجسته کنند. این روند نه تنها سخنان مضر را مشروعیت می‌بخشد، بلکه یوتیوب را به یک عامل اصلی در عادی‌سازی سخنان مشوق نفرت تبدیل کرده است.

مثال دیگری که کومار ارائه می‌دهد، مونومانسار، سازنده محتوای هندی، است که محتوای خشونت‌آمیز علیه مسلمانان منتشر می‌کرد. علیرغم گزارش‌های متعدد درباره کانال او، یوتیوب تا زمان فشار بین‌المللی واکنش نشان نداد، که این امر نشان‌دهنده رویکرد واکنشی پلتفرم است.

در هند، که بسیاری از مردم برای اطلاعات به رسانه‌های اجتماعی متکی هستند، انتشار محتوای نفرت‌انگیز می‌تواند به خشونت در دنیای واقعی منجر شود. یوتیوب، به جای تأمین امنیت جامعه، روایت‌های مضر را تقویت می‌کند و سود را بر استانداردهای اخلاقی اولویت می‌دهد.

کومار نتیجه می‌گیرد که یوتیوب باید نقش خود را در تقویت افراط‌گرایی بپذیرد و از اقدامات جدی برای اولویت دادن به امنیت جامعه بر سودآوری استفاده کند. تا زمانی که پلتفرم‌ها محتوای تحریک‌آمیز را «مناسب برای کسب و کار» ببینند، این مشکلات ادامه خواهد داشت.^۱

عشق در زمانه «جهاد عشق»: زندگی پیچیده زوج‌های هندو-مسلمان در هند



در کشوری مانند هند، جایی که خانواده‌ها نقشی اساسی در مراسم عروسی و زندگی روزمره زوج‌های تازه ازدواج کرده دارند، زندگی یک هندو که با یک مسلمان ازدواج کرده یا برعکس، چگونه است؟ چرا چنین زوج‌هایی تصمیم می‌گیرند در جامعه‌ای که اغلب هویت‌های هندو و

1 thewire.in/communalism/super-chat-Youtube-hate-speech-muslim-mone

مسلمان را متضاد و ناسازگار می‌پندارد، با یکدیگر ازدواج کنند؟ فرزندان این زوج‌ها چگونه بین تعلقات دینی والدین خود تعادل برقرار کرده و رابطه خود را با ایمان تعیین می‌کنند؟

اگر این پرسش‌ها برای شما جذاب است، کتاب «صمیمیت در بیگانگی: مطالعه‌ای روان‌کاوانه از روابط هندو-مسلمان» نوشته آشیس روی ارزش خواندن دارد. روی، روان‌کاوی است که آموزش‌های علمی خود را در دانشگاه دهلی و دانشگاه بی.آر. امبیکار دهلی کسب کرده است.

پژوهش روی مبتنی بر مصاحبه‌های متعدد با زوج‌های طبقه متوسط شهری است. او تلاش می‌کند تا «دنیای درونی روان‌شناختی» این زوج‌ها را بررسی کند و به پرده‌برداری از تعارضات ناگفته‌ای بپردازد که بین دو جامعه در این دوران وجود دارد. این کتاب با استفاده از «روان‌زیست‌نگاری‌ها» - شرح‌های جزئی و تاریخی از زندگی شرکت‌کنندگان - ساختار یافته است و به جای بازنمایی کلیشه‌ای از زوج‌ها به عنوان قربانیان «جهاد عشق»، به تعامل میان زندگی اجتماعی-خانوادگی بیرونی و زندگی درونی خیال و اشتیاق زوج‌ها می‌پردازد.

نقدگفتمان «جهاد عشق»

روی به خوبی تعمیم‌های سمی و کلیشه‌هایی را که به بی‌اعتمادی و نفرت دامن می‌زنند، به چالش می‌کشد. کتاب «صمیمیت در بیگانگی»

نشان می‌دهد که گفتمان «جهاد عشق» ادعاهایی بی‌اساس و آسیب‌زای ترویج می‌کند که بر پایه باورهای مردسالارانه، زنان هندو را «بی‌میل جنسی» و مردان مسلمان را «وحشی»، «بیش فعال جنسی» و «شکارگر» توصیف می‌کند. این تعصبات، مانع از شناخت ازدواج‌هایی می‌شود که بر اساس عشق و اراده آزاد شکل گرفته‌اند.

کتاب روی بر تلاش و اراده زوج‌های هندو-مسلمان برای حفظ پیوند شکننده‌شان در برابر فشارهای بیرونی تأکید دارد. این فشارها اغلب از سوی خانواده‌های آن‌ها، به‌ویژه والدین و خواهر و برادرها، اعمال می‌شود. برای مثال، در کتاب با زنی هندو به نام «سُونینا» آشنا می‌شویم که خانواده‌اش پس از ازدواج با مرد مسلمانی به نام «قاسم» رابطه‌شان را با او قطع کردند. همچنین، «عاصم»، مرد مسلمانی که با «رنو»، زنی هندو ازدواج کرد، بارها از مادرش شنید که او دیگر یک مسلمان واقعی نیست.

حفظ «پاکی» با ازدواج نکردن با افراد خارج از مذهب، نگرانی مشترکی است که در این کتاب بارها به آن اشاره شده است. با این حال، زوج‌هایی که تعهد عمیقی به یکدیگر دارند، می‌توانند در برابر این فشارها مقاومت کنند. روی می‌نویسد: «صمیمیت و عشق می‌توانند اشکال مختلفی داشته باشند - از شور عاشقانه همه‌جانبه گرفته تا عشق افلاطونی غیرجنسی یا عشقی مبتنی بر هم‌گرایی فکری. هویت و عشق همواره یکدیگر را شکل داده و عمیق‌تر می‌کنند.»

تجارب پیچیده زوج‌ها

روی داستان‌هایی متنوع از زوج‌های هندو-مسلمان را روایت می‌کند که زندگی آن‌ها تنها به یک تصویر ایده‌آل محدود نمی‌شود. برای مثال، «شعیب»، مرد مسلمانی که در جریان شورش‌های بمبئی پس از تخریب بابری مسجد دستگیر شد و سپس بی‌گناه شناخته شد، انرژی خود را صرف تأسیس یک باشگاه کریکت برای نزدیکی هندوها و مسلمانان کرد. او با «کارونا»، زن هندوئی که یک سازمان مردم‌نهاد برای ترویج همزیستی ادیان تأسیس کرده بود، ازدواج کرد. اما این تصویر ایده‌آل با این حقیقت که شعیب رابطه‌ای پنهانی با دختری ۱۸ سال کوچک‌تر از خود داشت، پیچیده می‌شود.

یکی دیگر از روایت‌های جالب در این کتاب، داستان «اصغر»، مرد مسلمانی است که جد بزرگش یک کاهن هندو بود و در حضور یک صوفی مسلمان شد. اصغر با نمایش هرگونه نماد مذهبی در خانه مخالف است، اما این امر برای همسر هندو او، «راچانا»، سرکوب‌کننده به نظر می‌رسد. در حالی که بسیاری از زوج‌های مصاحبه‌شده به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر دو مراسم مذهبی هندو و اسلامی شرکت کنند، اصغر معتقد است که مذهب ذهن انسان را آلوده می‌کند و نمی‌گذارد دخترشان با دین ارتباطی داشته باشد.

اصغر از این‌که در صورت وقوع شورش، هویت دینی او و خانواده‌اش چگونه مورد قضاوت قرار می‌گیرد، می‌ترسد. او دین را بیماری می‌داند و تلاش می‌کند حتی نام خداوند را نیز به زبان نیاورد. با

این حال، روی بادرکی عمیق و بدون قضاوت، آسیب‌پذیری اصغر را در مواجهه با تبعیض و ناامنی‌های اجتماعی به تصویر می‌کشد.

کودکان زوج‌های میان‌دینی

در حالی که برخی فرزندان زوج‌های میان‌دینی یکی از دو مذهب را انتخاب می‌کنند و برخی دیگر عناصر هر دو دین را می‌پذیرند، دسته‌ای نیز می‌خواهند هویتی مستقل از هر دو مذهب ایجاد کنند. کتاب روی بیشتر بر زوج‌ها متمرکز است و به تأثیر تولد فرزندان بر روابط آن‌ها با خانواده‌هایشان می‌پردازد.

روی به عنوان یک پژوهشگر آگاه، شکاف‌های پژوهش خود را می‌پذیرد و اذعان می‌کند که مصاحبه با والدین زوج‌ها می‌توانست زمینه‌ای میان‌نسلی به انتخاب‌های آن‌ها بیفزاید. او همچنین اشاره می‌کند که هویت او به عنوان یک پژوهشگر هندو ممکن است بر پاسخ‌های شرکت‌کنندگان مسلمان تأثیر گذاشته باشد. این خودآگاهی، نشانه‌ای از یکپارچگی علمی در پژوهش است.

کتاب «صمیمیت در بیگانگی» نه تنها چالش‌های روابط هندو-مسلمان را به تصویر می‌کشد، بلکه کلیشه‌های رایج درباره این روابط را به خوبی به چالش می‌کشد.^۱

1 frontline.thehindu.com/books/intimacy-alienation-hindu-muslim-couples-india-love-jihad-book-study-family-marriage-conversion/article68769243.ece

نظارت گسترده بر مدارس اسلامی در ایالت اوتار پرادش



ایالت اوتار پرادش تحقیقاتی در مورد نزدیک به ۴۲۰۰ مدرسه ابتدایی اسلامی یا مکتب که عمدتاً در نزدیکی مرز نیپال هستند، آغاز کرده است. این تحقیقات جدید به دنبال تحقیقات قبلی توسط یک تیم تحقیقاتی ویژه است که سوء استفاده احتمالی از بودجه خارجی توسط مدارس را بررسی کرده بود. همچنین، پیشنهاد تعطیلی ۸۴۴۹ مدرسه غیررسمی در سراسر ایالت را می‌دهد.

تحقیقات تشدید شده ایالت اوتار پرادش هند در مورد تقریباً ۴۲۰۰ مکتب (مدرسه ابتدایی اسلامی) در نزدیکی مرز نیپال نشان دهنده تلاقی پیچیده سیاست آموزشی، نگرانی‌های امنیت ملی و

حساسیت‌های اجتماعی است. این تصمیم به دنبال تحقیقات قبلی به رهبری یک تیم تحقیقاتی ویژه (SIT) است و بازتاب نظارت مداوم دولت بر مدارس و سایر مدارس اسلامی، به ویژه در مناطقی است که به دلیل نزدیکی به مرزهای بین‌المللی حساس تلقی می‌شوند. ایالت اوتار پرادش، با انگیزه ادعاهای سوء استفاده از بودجه خارجی، کمیته‌های سطح منطقه را به ارزیابی منابع مالی، تاریخچه تاسیس و انطباق عملیاتی این مدارس هدایت کرده است.

رویکرد این ایالت از تحقیقات گسترده به رهبری گروه ضد تروریسم (ATS۲) به تحقیقات محلی‌تر توسط مقامات سطح منطقه تبدیل شده است، که نشان‌دهنده تمرکز عمیق‌تر بر ریشه‌های بودجه و ساختار این موسسات است. افسران اقلیت منطقه [۳] با همکاری افسران محلی گروه ضد تروریسم و قضات زیربخش [۴] تحقیقات را انجام خواهند داد. این تغییر نشان‌دهنده تغییر به سوی یکپارچه‌سازی دیدگاه‌های سطح جامعه و نظارت بر اجرای قانون در ارزیابی مدارس است که تاکنون بدون به رسمیت شناختن رسمی دولت کار می‌کرده‌اند.

گزارش اصلی تیم تحقیقاتی ویژه هنوز به طور عمومی فاش نشده است، که نگرانی‌های شفافیت و انتقاد احزاب مخالف را برانگیخته است. توصیه‌های موجود در این گزارش شامل تعطیلی فوری مدارس ناشناخته است که به گفته منتقدان، از تراکم واقعی جمعیت اقلیت در مناطق مرزی بیشتر است. این اختلاف درک شده بحث‌هایی را

برانگیخته است و برخی استدلال می‌کنند که دولت ممکن است بر خطرات امنیتی بیش از حد تأکید کند و به طور بالقوه به شکاف‌های جمعی دامن بزند.

انتقادات و نگرانی‌ها

اپوزیسیون و چندین گروه مدافع ادعا می‌کنند که این تمرکز بر مکتب‌ها و مدارس، به ویژه مدارس در مناطق مرزی، به طور غیرمنصفانه به مؤسسات آموزشی اسلامی و جوامعی که در آنها خدمت می‌کنند، انگ می‌زند. «شهنواز علم [۵]» از حزب کنگره زمان تحقیقات را به عنوان مظنون برجسته می‌کند و پیشنهاد می‌کند که این تاکتیکی برای تحریک نگرانی‌های جمعی پیش از انتخابات فرعی آینده است. او به سابقه دولت‌های تحت رهبری حزب BJP اشاره می‌کند که علیرغم درخواست‌های مکرر جامعه مسلمانان برای اثبات این ادعاها، مدارس در منطقه را با تهدیدات امنیتی مرتبط می‌کردند.

مقامات سابق هیئت «مدرسه شیکشه [۶]» ایالت اوتار پرادش نگرانی‌ها را در مورد رفتار با مدارس به عنوان «مراکز تحقیقات» و نه به عنوان مؤسسه‌های آموزشی قانونی تکرار می‌کنند. آنها استدلال می‌کنند که این بررسی مداوم نقش این مدارس در ارائه آموزش به جوامع محروم را تضعیف می‌کند. علاوه بر این، طبق گزارش‌ها، روند رسمیت یافتن مدارس با وجود هزاران نفر که به دنبال تأیید اعتبار بودند، متوقف شده است. بدون به رسمیت شناختن، این مدارس در

یک منطقه خاکستری باقی می‌ماند، جایی که آنها قادر به دسترسی به حمایت‌های دولتی نیستند و تحت نظارت بیشتر قرار دارند.

مواضع دولت

راجبهار [۷] وزیر امور اقلیت‌های ایالت اوتار پرادش با این انتقاد مخالفت می‌کند که هدف اصلی دولت از بین بردن هرگونه فعالیت غیرقانونی مرتبط با این مؤسسات است. او به طور خاص از سوءظن در مورد مدارس ثبت نشده در امتداد مرز نپال که به عنوان امکانات «هتل مانند» عمل می‌کنند، اشاره می‌کند که به معنای خطر امنیتی است. با این حال، برخی این موضع را به عنوان بخشی از الگوی بزرگتر نگاه به نهادهای اسلامی از دریچه امنیتی به جای نگاه آموزشی یا توسعه‌ای می‌دانند.

به گفته دولت، برخی از مدارس به دلیل عدم رعایت استانداردهای زیرساختی خاص، مانند داشتن کلاس‌های درس یا فضاهای اداری مشخص، واجد شرایط نیستند. با این حال، منتقدان استدلال می‌کنند که معیارهای دقیق، دسترسی تحصیلی را برای جمعیت‌های مسلمان کم درآمد و اغلب روستایی که برای تحصیل پایه به این مؤسسات متکی هستند، محدود می‌کند.

این بحث بر شکاف ایدئولوژیک عمیق‌تری در مورد چگونگی ادغام نهادهای اقلیت‌های مذهبی در چارچوب‌های آموزشی و امنیتی دولت تأکید می‌کند. این تحقیق سؤالاتی را در مورد چگونگی درک مؤسسات آموزشی اقلیت در روایت گسترده‌تر امنیت ملی ایجاد

می‌کند. علاوه بر این، منتقدان پیشنهاد می‌کنند که یک رویکرد متعادل‌تر ممکن است شامل افزایش شفافیت یافته‌های تیم تحقیقاتی ویژه و تلاش مشارکتی‌تر برای اطمینان از رعایت استانداردهای آموزشی این مدارس به جای تمرکز انحصاری بر منابع مالی آنها باشد.

این مورد نشان‌دهنده تعادل ظریفی است که دولت‌ها هنگام بررسی مسائل مربوط به آموزش دینی، اعتماد جامعه و امنیت ملی با آن روبرو هستند. در حالی که ایالت‌ها و تارپرادش استدلال می‌کنند که تحقیقات یک اقدام محافظتی است، صداهای مخالف آن را تبعیض آمیز و غیر ضروری می‌دانند. نتیجه این تحقیق، و مدیریت دولت با یافته‌های آن، ممکن است به طور قابل توجهی بر روابط جامعه و چشم‌انداز سیاست پیرامون آموزش اقلیت‌ها در منطقه تأثیر بگذارد.^۱

دکتر
دکتر

اسلام نوسانتارا؛ ماهی پرورشی غرب در برکه‌ی اندونزی

به قلم: مصطفی محمدی



در برهه‌ی یک ساله‌ی اخیر، اندونزی شاهد حضور شخصیت‌های برجسته دینی همچون پاپ فرانسیس و شیخ الازهر بود. ضمن آن‌که مقامات مختلف دینی و سیاسی کشورهای عربستان، امارات و مصر به این کشور آسیای شرقی رفته و پیوسته از یک قرائت نوظهور به نام «اسلام نوسانتارا» حمایت حماسی کرده‌اند. سیر روند ظهور و راهبرد کلامی این مسلک که رویارویی با اسلام سیاسی به شمار می‌رود دایره‌ی گمان استعماری بودن این پروژه را پررنگ‌تر از سابق می‌کند. مسئله‌ی قابل تامل آن است که تاکید بر حمایت از این قرائت زمانی شدت می‌گیرد که باید توجه نهادهای دینی به سمت جنگ غزه معطوف گردد و اسلام مقاومت‌گرا از رونق بیشتری در محافل دینی رسمی بهره‌مند شود

اما جز صدور بیانیه‌های لفظی شاهد اقدامی ملموس از سوی این نهادها در میدان نیستیم. این در حالیست که برای ترویج اسلام نوسانتارا اقدامات گسترده‌ای در فاز اجرایی صورت گرفته است. این نوشتار بر آن است که به انگیزه‌ی گسترش و پایگاه‌های مروج این قرائت غربی پسند در جهان اسلام نگاهی موشکافانه بیان دزد و دریابد که آیا این ترس بر اساس یک احساس «دن کیشوتی» است و یا آبخوری از فکت‌های متعدد غیر قابل انکار دارد؟ و چگونه یک قرائت حاشیه‌ای پا به سرزمین مادر می‌گذارد؟

نیاز غرب به قرائتی جدید از اسلام

برای تغییر بافت سنتی و احکام‌گرای عربی-اسلامی منطقه‌ی خاورمیانه تا شمال شرقی آفریقا پروژه‌های نظامی-سیاسی متفاوتی در چندین سده‌ی اخیر به اجرا درآمده است. اگرچه استعمار آسیب‌هایی به این بافت اجتماعی عقیدتی وارد ساخته است، اما هیمنه‌ی تعالیم الهی بر فرهنگ مردمان این منطقه همچنان به وضوح قابل مشاهده است. سنگ بنای بیشتر این پروژه‌ها فشار سیاسی و جذاب نمایی مدرنیته از طریق هنر نمایشی بوده است که هر دو با مقاومت سخت علمای سنتی مواجه گردیده‌اند.

شاید سد محکم همین مقاومت است که سبب طرح یک ایده جدید گردید. ایجاد یک بازخوانی متفاوت از متون دینی که برای اقشار سنتی قابل پذیرش باشد که بتواند راه‌گشای برنامه‌های استعماری در

منطقه به شمار رود به گونه‌ای که گرایش جوانان به اسلام سیاسی و یا همان اسلام مقاومت‌گرا را کاهش دهد. استخوانی در گلوئی امپریالیسم که سال‌ها برنامه‌ریزی را در کشورهای مثل ایران، عراق و یا حتی افغانستان به سادگی برهم زند. راهکاری برای کنترل حرکت‌های مقاومت در لبنان، فلسطین و یمن که همگی هزینه‌های هنگفتی بر روی دست جبهه‌ی غرب می‌گذارد.

انتخابی به نام نوسانتارا

اسلام نوسانتارا که خود را به عنوان اسلامی برای انسانیت معرفی می‌کند گمشده‌ی چند قرن اخیر استعمارگران تاریخی این منطقه است. این ایده که در اندونزی با مشاوره برخی از پژوهشگران غربی بنا گردید شعار اصلی خود را بازگشت تسامح به جامعه‌ی انسانی برمی‌شمارد و راه تحقق آن را مقابل با اصول‌گرایی و مبارزه با فرمت‌های اسلام خاورمیانه‌ای می‌داند. البته، پر واضح است ترجمه‌ی تسامح در این تفکر همان عدم مشروعیت زدایی از حکام، عدم جبهه‌گیری در برابر دیگر ادیان و سازش با فرهنگ غربی است.

این عقیده اسلام اصول‌گرا و مبتنی بر قواعد اجتماعی برگرفته از متون دینی را همان اسلام شکل‌گرای عربی می‌داند که باعث گرایش مسلمانان به افراط‌گرایی می‌گردد. این تفکر که توسط نهضت علمای اندونزی ترویج می‌شود اسلام اصول‌گرا را مناسب دنیای مدرن

نمی‌داند و آن را مانع همزیستی مسالمت‌آمیز بر اساس ارزش‌هایی مبتنی بر تسامح می‌داند.

تغییر در نقشه‌ی راه

باید به این مسئله توجه داشت که اگر یک کشور تصمیم بگیرد تعریف خود از اسلام را در مرزهایش اجرا کند امر ناآشنایی نیست. اما این که پروژه‌ای که برای بافت اجتماعی اندونزی طراحی شده بود تغییر در نقشه‌ی راه خود ایجاد کند و سعی در صدور آن به مرکز پیدایش اسلام کند تامل برانگیز است. نکته‌ی مهم اینجاست که چگونه و از چه طریقی صدور این اسلام ساختگی به منطقه خاورمیانه امکان پذیر شده است؟



امارات: نقش پررنگ بازیگری کوچک

کشور امارات که سال‌هاست از مزیت دلار نفتی بهره‌مند است و تلاش می‌کند با این ثروت و حمایت از گروه‌های اسلامی پایگاه نفوذ خود را در جهان اسلام گسترش دهد تا عمق استراتژیک برای خود

خریداری کند یک حکومت دیکتاتوری محسوب می‌شود که تفکرات اسلام‌گرایی و نشر آن را خطری عمیق برای نظام سیاسی خود می‌داند. نظام این کشور ترجیح می‌دهد اسلامی را ترویج کند که جایگاه مشروعیت‌زدایی از حاکم را برای خود تعریف نکرده باشد.

از این رو، محمد بن زاید روابط خود را به سرعت با اندونزی گسترش می‌دهد و در سال ۲۰۱۹ به اندونزی سفر می‌کند و وعده‌ی گسترش روابط سیاسی و دینی را با مهد اسلام نوسانترا می‌دهد. سپس در سال ۲۰۲۲ توافقنامه شراکت اقتصادی جامع با این کشور می‌بندد و در سال ۲۰۲۴ رئیس جمهور اندونزی برای پیگیری گسترش این روابط به امارات می‌رود. کارگروه گسترش روابط توسط شخص وزیر امور خارجه‌ی امارات تشکیل می‌شود و اقدامات گسترده‌ای صورت می‌گیرد. در تمامی این گفتگوها کلیدواژه تسامح و اعتدال‌گرایی ذکر می‌گردد.

«مسجد جامع شیخ زاید» در شهر سولوی اندونزی افتتاح می‌گردد. دانشگاه‌های دو کشور به یکدیگر مرتبط می‌شود و خیابانی در امارات به نام رئیس جمهور اندونزی زده می‌شود. این اقدامات تنها بخش کوچکی از روابط بسیار گسترده‌ی این دو کشور در دهه‌ی اخیر می‌باشد.

ورود عربستان به زمین بازی

محور دیگر کشور عربستان سعودی است که سال‌ها فضای دینی اندونزی را تحت نفوذ خود داشت. شاید چنین پندار شود که این

سیطره همچنان استوار است که گمان می‌رود شرایط در حال تغییر است.

با روی کار آمدن ولیعهد جدید عربستان که آرزوهای متعددی در سر داشته و دارد اسلام سلفی احکام‌گرا به یکی از بزرگترین چالش‌های داخلی او تبدیل گردیده است. این قرائت سلفی از اسلام محدودیت‌های گسترده‌ای در برابر پروژه‌های محمد بن سلمان ایجاد می‌کند. او که با شعار اصلاحات اجتماعی خود را در عرصه‌ی سیاست مطرح کرد در ابتدا توانست مخالفت اقشار سنتی را با فشار سیاسی و نظامی پاسخ دهد. اما او به خوبی می‌داند که این آتش دوباره شعله‌ور خواهد شد. از این رو، در کنار بازداشت علمای مخالف و دادن آزادی عمل به علمای سلطان دست به اقدام استراتژیک دیگری زده است.

ترویج اسلام تسامح‌گرا و اعتدالی برای کشوری که بیشترین شمار اعدام را در جهان دارد شاید مضحک به نظر برسد اما این محتوای سخنرانی امام جماعت مسجد النبی در کشور اندونزی بود که با حضور ۱۵۰ هزار نفر برگزار گردید. حذیفی که خود فرزند یکی از علمای تندرو و افراط‌گرا می‌باشد گزینش می‌شود تا در اندونزی به حمایت اجباری از اسلام تسامح‌گرا بپردازد تا دیگر علمای سلفی متوجه پیام طبقه‌ی حاکم سیاسی کشور بشوند.

در دیداری دیگر، «آل شیخ» وزیر امور اسلامی عربستان به کشور اندونزی می‌رود و منادی اسلام میانه‌رو و اعتدال‌گرا می‌شود که مورد استقبال وزیر امور دینی اندونزی قرار می‌گیرد. در پاسخ، وزیر اوقاف

اندونزی به عربستان رفت و مهر تاییدی بر همان محتوای پیشین می‌زند.

این تعامل سیاسی در خصوص اسلام تسامح‌گرا در سطح دانشگاه‌های دو کشور از سال ۲۰۱۸ به صورت رسمی اعلام گردید. در جلسه‌ای که هیئت اعزامی از دانشگاه شهرهای مقدس مکه و مدینه با موسسات آموزش عالی اندونزی برگزار کردند دو طرف در نهایت توافق بر سر ترویج اسلام تسامح‌گرا و یا همان اسلام اعتدال‌گرا را حاصل این نشست دانستند. امری که از اساس نمی‌تواند در توافقنامه دو نهاد آموزش عالی مطرح شود مگر آن که فشار سیاسی حاکمان دو کشور پای این سخن را به میان آورده باشد.

الزهرمدافعی در نقش مهاجم

جبهه‌ی سوم که البته از لحاظ پایگاه دینی رتبه‌ی نخست را بدون تردید در اختیار دارد الزهر مصر قطب جهان اهل تسنن است. این نهاد در سال‌های اخیر گرایش اجباری به کشور امارات پیدا کرده است به ناچار اقدام به تعمیق روابط خود با اسلام نوسانتارای اندونزی کرد. البته نظام سیاسی مصر که خود از وجود قدرت و جایگاه مطلق الزهر رنج می‌برد بسیار مشتاقانه تحکیم روابط با اندونزی و ترویج این اسلام خنثی را دنبال کرد.

شاید سفر دکتر «احمد الطیب» به اندونزی خود نمایان‌گر عمق این رابطه باشد. شخصی که در سال‌های اخیر به جز امارات به کمتر کشوری

سفر کرده است. در جریان این سفر شیخ الطیب با رئیس جمهور اندونزی دیدار می‌کند و اعلام می‌کند الازهر منبر ترویج اسلام تسامح‌گرا است و آن را تنها راه حل برای مشکلات مسلمانان معرفی می‌کند. از سوی دیگر الازهر مصر و «مجلس حکماء المسلمین» اندونزی به صورت رسمی اعلام می‌کنند که تمام تلاش خود را برای ترویج اسلام اعتدال‌گرا به کار خواهند بست.

سفیر اندونزی در مصر اعزام مبلغان اسلام نوسانتارا به مصر را باعث افتخار خود می‌داند و آنان را سفیران گسترش اعتدال‌گرایی در جهان اسلام برمی‌شمارد. این سخن نه تنها حساسیتی در جامعه دینی مصر ایجاد نمی‌کند بلکه نهاد الازهر خود اعلام می‌کند این دانشجویان نماد پیوند اسلام با تمدن روز به شمار می‌آید و باید الگوی دیگران باشند.

دولت مصر نیز از این قافله عقب نماند و چهره‌ی بولد شده خود یعنی «اسامه الازهری» را که در آن زمان مشاور محبوب رئیس جمهور بود و بعدها به وزیر اوقاف ارتقای سمت یافت به اندونزی فرستاد و او نیز با شور و اشتیاق بیشتر همان شعارها را در جلسات مختلف بر زبان جاری کرد.



ورود پرچم مسیحی به دایره‌ی بازی

بار دیگر باید اشاره کرد که جبهه‌گیری چند کشور با یک تفکر نزدیک به یکدیگر با هدف ترویج یک قرائت از اسلام شاید زیاد دور از ذهن نباشد و حساسیت برانگیز نیز محسوب نشود زیرا کشورهای همسو تمایل به گسترش قرائت محبوب خود از اسلام دارند تا بتواند پیوندهای سیاسی و دینی میان خود را تعمیق ببخشند. اما نکته‌ی تامل برانگیز حضور کلیسای کاتولیک در این جبهه است.

پاپ فرانسیس که از بیماری‌های متعدد جسمی رنج می‌برد و این امر در عمل امکان سفر را برای او بسیار محدود می‌سازد به کشور اندونزی سفر می‌کند و در آنجا مورد استقبال کم‌نظیر مردم اندونزی قرار می‌گیرد. او با شعار انسجام میان ادیان به مسجد جامع اندونزی می‌رود

و اعلام برادری با مسلمانان اندونزی می‌کند و شعار خود را ترویج تسامح‌گرایی قلمداد می‌کند.

بدون تردید واضح و آشکار است که دین مسیحیت از تعالیم دینی خود عقب‌نشینی نکرده است، پس چگونه این اخوت حاصل گردید؟ تضاد فکری موجود در سده‌های پیشین به یکباره چگونه حل شد؟ آن هم یک تضاد فکری که باعث بروز جنگ‌های صلیبی گردید.

تنها جواب قابل پذیرش عدول اجباری طرفداران اسلام تسامح‌گرا از ارزش‌های مقاوم‌گرایی در اسلام است که جهان غرب آن‌ها را با اهداف استعماری و استکباری خود سازگار نمی‌بیند. اسلام نوسانتاراکه ابتدا با کمک پژوهشگران غربی در حاشیه‌ی جهان اسلام پرورش یافت اکنون به ویروسی مناسب برای از کار انداختن سیستم ایمنی بافت سنتی کشورهای اسلامی تبدیل گردیده است.

حکومت‌های ذکر شده که همگی وابسته به آمریکا و هم‌پیمان او در منطقه‌ی خاورمیانه هستند و جملگی شعار وادادگی خود را با کلام عادی‌سازی روابط با اسرائیل دنبال می‌کنند برای پیگیری اهداف سیاسی داخلی و خارجی خود انتشار این ویروس دینی را بسیار مناسب یافته‌اند.^۱

جشن هالووین در عراق؛ نفوذ فرهنگی و تهدید هویت ملی



ورود جشن هالووین به عراق در سال‌های اخیر، بحث و جدل‌های فراوانی را در میان مردم و نخبگان فرهنگی و سیاسی این کشور برانگیخته است. این جشن که ریشه در فرهنگ‌های کهن سلتی دارد و امروزه بیشتر به عنوان یک پدیده سرگرم‌کننده غربی شناخته می‌شود، اکنون به یکی از نمادهای اثرپذیری فرهنگی در جوامع عربی تبدیل شده است.

هم‌زمان با جشن‌های هالووین در غرب (۳۱ اکتبر ۲۰۲۴ – ۱۰ آبان ۱۴۰۳)، چندین مراسم هالووین در شهرهای بغداد و بصره برگزار شد که با واکنش‌های متناقضی همراه بود. در اقلیم کردستان این جشن‌ها به صورتی گسترده‌تر برگزار شد. طبق یک گزارش تنها در اربیل پنج جشن

هالووین برگزار شد^۱ و دانشگاه آمریکایی سلیمانیه نیز جشنی مفصل تدارک دید و تصاویر آن را به طور رسمی در صفحه فیس بوک خود بازنشر کرد.^۲ در یکی از این مراسم‌ها در رستوران «اغصان الزیتون» در بغداد، نیروهای امنیتی وارد عمل شدند و ۲۳ نفر را بازداشت کردند. این بازداشت‌ها از نگاه مسئولان امنیتی به دلیل «برگزاری مراسم غیراخلاقی و مغایر با ارزش‌های جامعه» صورت گرفت.

اعتراضات مردمی نیز در برخی مناطق عراق به ویژه در بصره شکل گرفت، جایی که معترضان در مقابل هتل گرند میلینیوم تجمع کردند و از برگزاری جشن هالووین در این هتل انتقاد کردند. مقامات سیاسی محلی در بصره اعلام کردند که این نوع جشن‌ها با آداب و رسوم اصیل عربی و اخلاق اسلامی سازگار نیستند و چنین مراسم‌هایی را در شرایط بحرانی منطقه‌ای و در مواجهه با تهدیدات خارجی مغایر با اصول فرهنگی و دینی دانستند.

جشن هالووین از دید برخی جوانان عراقی یک پدیده فرهنگی سرگرم‌کننده است که از طریق فیلم‌ها و سریال‌های غربی شناخته شده و به عنوان راهی برای تجربه‌ای متفاوت مورد استقبال قرار گرفته است. با این حال، برای بسیاری از نخبگان و تحلیلگران، این جشن تنها یک سرگرمی ساده نیست، بلکه نمایانگر نفوذ فرهنگی و گسترش

1 farhangemelal.icro.ir/news/21681

2 facebook.com/share/p/13tWfxNDMt

نمادهای بیگانه در جوامعی است که همچنان درگیر بحران‌های هویتی و اجتماعی هستند.

از منظر اجتماعی، هالووین در عراق نماد تضاد میان نسل‌ها و ارزش‌ها شده است. برای بسیاری از عراقی‌ها، ورود جشن‌هایی با ریشه‌های غربی نشان‌دهنده تهدیدی برای فرهنگ و ارزش‌های سنتی است. از سوی دیگر، بخشی از نسل جوان که از طریق رسانه‌های جهانی با این آیین‌ها آشنا شده‌اند، آن را راهی برای فاصله گرفتن از مشکلات روزمره و تجربه‌ای جدید می‌دانند. همین تضادها، زمینه‌ساز شکاف‌های اجتماعی عمیق‌تری میان گروه‌های مختلف جامعه شده است.

در کنار ابعاد اجتماعی و فرهنگی، جشن هالووین در عراق ابعاد سیاسی نیز پیدا کرده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که سفارتخانه‌های برخی کشورهای غربی، از جمله آمریکا، مبالغ قابل توجهی را برای برگزاری این جشن‌ها در عراق اختصاص داده‌اند. این اقدام، از نگاه منتقدان، بخشی از تلاش‌های گسترده برای تضعیف هویت اسلامی و تقویت گرایش‌های غرب‌گرایانه در منطقه است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد برگزاری این جشن‌ها در زمانی که منطقه درگیر بحران‌های سیاسی و انسانی است، تلاشی برای منحرف کردن اذهان عمومی از مسائل حساس مانند جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و لبنان باشد.

نکته قابل توجه دیگر، ارتباط برگزاری این جشن‌ها با جریان عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی است. جشن‌ها لووین در عراق و دیگر کشورهای عربی، از جمله عربستان سعودی و امارات، که میزبان این مراسم‌ها بوده‌اند، نشان‌دهنده نفوذ جریان‌های حامی سازش با این رژیم در منطقه است. این جشن‌ها نه تنها از ارزش‌های غربی حمایت می‌کنند، بلکه در تقابل مستقیم با فرهنگ مقاومت قرار دارند و به نوعی تلاش برای تضعیف این گفتمان به شمار می‌آیند.

در نهایت، گسترش جشن‌های وارداتی مانند هالووین در عراق، پیامدهای عمیقی برای هویت فرهنگی و اجتماعی این کشور به همراه دارد. از یک سو، این جشن‌ها ممکن است به عنوان ابزاری برای گسست فرهنگی و ایجاد فاصله میان نسل‌ها عمل کنند و از سوی دیگر، فرصتی برای جریان‌های سیاسی غرب‌گرا فراهم آورند تا اهداف خود را از طریق ابزارهای فرهنگی پیش ببرند.

برخورد جامعه عراق با این پدیده می‌تواند به سرنوشت هویت فرهنگی این کشور شکل دهد. تقویت جشن‌ها و آیین‌های بومی، همراه با افزایش آگاهی عمومی درباره پیامدهای فرهنگی و سیاسی چنین رویدادهایی، می‌تواند گامی مؤثر برای حفظ انسجام اجتماعی و هویت ملی در عراق باشد. در غیر این صورت، گسترش چنین جشن‌هایی ممکن

است به تدریج ارزش‌های سنتی و باورهای اصیل این جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و به تضعیف فرهنگ بومی بینجامد.^۱

نمادگرایی دینی؛ جدال بر سر بازوبند «تاج مسیح» در ارتش اسرائیل



در برهه‌ی اخیر استقبال از بازوبند «تاج مسیح» در میان سربازان اسرائیلی گسترش یافته است. این نشان یک تکه پارچه است که توسط نیروهای راست‌گرا روی بازوی سربازان قرار داده می‌شود. روی این نشان تصویر تاجی با کلمه «مسیح» است که به باور یهودیان به مسیح موعود از نسل پادشاه داوود اشاره دارد. یهودیان راست‌گرا

۱ امن/بینهم-نسا-اعتقال-۲۳-شخصا-ثنا-احتفال-غیر-خلاق-بعید-1 shafaq.com/ar/-
الهالوین-فی-بغداد
alarab.co.uk/الروتین-لکسر-العراق-فی-الهالوین

حضرت مسیح را یک «رهبر سیاسی و نظامی توانا» می‌دانند، اما حضرت مسیح در باور خاخام‌های یهودی با پیامبر عیسی علیه‌السلام تفاوت دارد و به عنوان یک ناجی آخر زمانی به شمار می‌رود.

این مساله هنگامی توجه‌ها را جلب کرد که رادیوی ارتش اسرائیل اعلام کرد که «هرتسی هالوی» رئیس ستاد ارتش اسرائیل این نشان را از بازوی یکی از سربازان برداشته است. او این اقدام را چندین بار در ماه‌های اخیر انجام داده است اگر چه فرماندهان نظامی در سال گذشته به این موضوع که به طور گسترده میان سربازان گسترش یافته بود، توجهی نکرده بودند.

هرتسی پس از برداشتن نشان، آن را در جیب سرباز گذاشت و گفت: «اگر می‌خواهی، می‌توانی آن را نزدیک قلبت نگه داری، اما روی لباس نظامی فقط درجه‌های نظامی قرار داده شود.»

حدود شش ماه پیش، سخنگوی ارتش اسرائیل تصویری از سربازان در خان یونس منتشر کرد که در آن نشان مسیح به صورت مبهم روی بازوی یکی از سربازان دیده می‌شد.

این اقدام هالوی با انتقاداتی از سوی سازمان‌های دینی مرتبط به ارتش مواجه شد. سازمان «تورات لحیما» در حساب ایکس خود نوشت: «آیا کسی توضیحی دارد که چرا یک سال گذشته و هرتسی هالوی هنوز استعفا نداده است؟ چرا او به این صندلی چسبیده و حقوق بالایی دریافت می‌کند؟ شاید او نمی‌خواهد پیروز شود؟»

خاخام «الحانان میلر» در یک ویدئو توضیح داد: «در یهودیت، [حضرت] مسیح [علیه السلام] پادشاه و یک رهبر سیاسی و نظامی است. ما نمی‌دانیم مسیح کیست و منتظر این برهه از تاریخ هستیم، اما ایمان داریم که او از نسل پادشاه داوود [علیه السلام] خواهد بود.» از آغاز جنگ در غزه، استفاده از آیات تورات به شکل گسترده‌ای در میان سربازان این رژیم رواج یافته است. بنیامین نتانیا‌هو نیز از این موضوع بارها استفاده سیاسی کرده است.

در خصوص استفاده از نمادهای دینی می‌توان به ویدئوهایی از سربازان اسرائیلی اشاره کرد که از داخل غزه منتشر کرده‌اند. آن‌ها مشغول دعا یا برپایی کنیسه در خانه‌هایی هستند که صاحبان فلسطینی آن‌ها آواره کرده‌اند.^۱

دن ماتئو؛ بازنمایی دل‌نشین نهاد دین در خدمت جامعه

مجموعه‌های نمایشی تلویزیونی در ایتالیا همچنان محبوبیت بالایی دارند و رسانه‌های اجتماعی نتوانسته‌اند خانواده‌های ایتالیایی را از تلویزیون دور کنند. در این میان، سریال‌های نمایشی رقابت شدیدی برای جذب مخاطب و ماندگاری در فهرست علاقمندی‌ها دارند. یکی از موفق‌ترین این مجموعه‌ها، سریال «دن ماتئو» است که بیش از دو دهه است در اولویت تماشای خانواده‌های ایتالیایی قرار

دارد. این سریال به دلیل جذابیت، طنز، ابعاد اجتماعی و خانوادگی اش که در بسیاری از آثار دیگر دیده نمی‌شود، توانسته جایگاه ویژه‌ای پیدا کند. به ویژه اینکه «دن ماتئو» با داشتن شخصیت اصلی کشیشی میانسال، پیوند عمیقی با تاریخ و جامعه مذهبی ایتالیا دارد.



داستان سریال در قلب آمبریا روایت می‌شود، جایی که کشیشی با استعداد طبیعی در تحقیقات جنایی، با پلیس محلی همکاری می‌کند تا دسیسه‌ها را افاش کرده و مظنونان را تبرئه کند. علاوه بر حل پرونده‌های مختلف، سریال به مسائل شخصی و اجتماعی کشیش و دوستانش می‌پردازد. پدر ماتئو (با بازی ترنس هیل) شخصیت اصلی سریال است؛ یک کشیش کاتولیک در گوپیو، پروجا که به دلیل توانایی شگفت‌انگیزش در کشف حقایق جنایی شناخته می‌شود. او فردی عاقل و محترم است که به خوبی مشکلات مردم را درک می‌کند و همیشه آماده کمک است. پدر ماتئو با شخصیت مثبت و جذاب خود، اغلب به

مجرمان کمک می‌کند تا در مسیر رستگاری گام بردارند و آن‌ها را امتقاع می‌کند که به جرایم خود اعتراف کنند و مسئولیت پذیر باشند.

نینو فراسیکا، کم‌دین مشهور، نقش مارشال آنتونیو چکینی را بازی می‌کند، یک کارابینیر میان سال که بهترین دوست پدر ماتئو است و اغلب در سریال لحظات طنز و تسکین دهنده را به نمایش می‌گذارد. از سال ۲۰۰۰ که اولین فصل این سریال پخش شد، تاکنون ۱۴ فصل آن در شبکه‌رای (کانال ۱ ایتالیا) به نمایش درآمده است. بررسی و الهام‌گیری از این سریال می‌تواند به تولیدات نمایشی ما در ایران کمک کند تا روحانیت را به شیوه‌ای جذاب و مؤثر در تلویزیون نشان دهند. این نوع بازنمایی که در سریال‌هایی مانند «پرده‌نشین» نیز مورد توجه بوده، می‌تواند به درک عمومی از نقش نهاد دین در جامعه کمک کند، به‌ویژه با رویکردی ملایم و نه معارض، که دکترین کلیسای کاتولیک نیز بر آن تأکید دارد. برخی فصول این سریال بازیرنویس فارسی در دسترس است، اما جایگزینی آن در صدا و سیما می‌تواند ارزشمند باشد.^۱

گزارش

بیانیه مجمع صرب‌ها: تلاش برای سلطه فرهنگی-دینی



در پی بحث اخیر در شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره اوضاع بوسنی و هرزگوین، جامعه اسلامی بوسنی و هرزگوین ابراز امیدواری کرد که بازیگران بین‌المللی خطرات واقعی ناشی از عدم جلوگیری از اجرای بیانیه «مجمع همه صرب‌ها» را جدی بگیرند.

در اطلاعیه دفتر روابط عمومی جامعه اسلامی بوسنی و هرزگوین آمده است:

«آنچه در این بیانیه پیش‌بینی شده است، نه تنها نفی کشور بودن بوسنی و هرزگوین است، بلکه هدف آن ایجاد سلطه فرهنگی، دینی، نظامی و سایر اشکال سلطه یک قوم بر قلمرو چندین کشور چند قومیتی و مذهبی است. تجربه نسل‌کشی و وحشت دهه ۹۰ میلادی به ما

می‌آموزد که چنین طرح‌های انحصارطلبانه و سلطه‌گرایانه، مبتنی بر تشکیل کشوری بزرگ، باید به موقع و پیش از آنکه صلح، ثبات و آینده کل منطقه را تهدید کنند، جدی گرفته و متوقف شوند.»

واکنش میلوراد دودیک

میلوراد دودیک، رئیس‌جمهور موجودیت صربسکا در بوسنی و هرزگوین، به اطلاعیه جامعه اسلامی بوسنی و هرزگوین واکنش نشان داد. او در توییت‌رنوشت:

«جامعه اسلامی در همه چیز تئوری توطئه می‌بیند، اما پیامدهای غم‌انگیز عملکرد خود را نادیده می‌گیرد. اقدام تروریستی در شهر بوسانسکا کروپا پیامد مستقیم تلقین مذهبی، انحصارطلبی و تعصب است، یعنی همان تفسیر نادرست اسلام که روشن است جامعه اسلامی مخالفی با آن ندارد. بیانیه مجمع همه صرب‌ها هیچ‌کس را به زیر پا گذاشتن قوانین تشویق نکرده است، چه رسد به ارتکاب جنایت. تنها سلطه‌ای که در بوسنی و هرزگوین وجود دارد، سلطه‌ای است که توسط رهبران جامعه اسلامی تبلیغ و حمایت می‌شود. آنها حق تاریخ، فرهنگ و زبان اقوام دیگر را انکار کرده و تلاش می‌کنند این اقوام را به ملتی خیالی تبدیل کنند.»

بیانیه مجمع همه صرب‌ها

مجمع همه صرب‌ها در روز شنبه ۸ ژوئن ۲۰۲۴ در بلغراد با حضور مقاماتی چون الکساندر ووچیچ، رئیس‌جمهور صربستان، میلوراد

دودیک، رئیس‌جمهور صربسکا در بوسنی و هرزگوین، اعضای دولت‌های صربستان و جمهوری صربسکا، رهبر کلیسای ارتدوکس صربستان و دیگر مقامات برگزار شد. در این نشست، بیانیه‌ای در حمایت از حقوق ملی و سیاسی قوم صرب به تصویب رسید.

این بیانیه که شامل ۴۹ ماده است، اهدافی مانند ایجاد سلطه فرهنگی-دینی بر قلمرو چندین کشور چند قومیتی و مذهبی را دنبال می‌کند. از جمله تصمیمات این مجمع، تعیین ۱۵ فوریه (روز ملی صربستان، معروف به روز «سرتنیه») به عنوان روز ملی جمهوری صربسکا بود. این بیانیه برای تصویب به پارلمان‌های صربستان و جمهوری صربسکا ارسال خواهد شد.

موارد برجسته بیانیه

- مجمع همه صرب‌ها از نمایندگان قوم صرب در نهادهای قانون‌گذاری و اجرایی، اعضای آکادمی‌های علوم و هنر، نمایندگان کلیسای ارتدوکس صربستان و دیگر شخصیت‌های برجسته صرب تشکیل شده است.

- این مجمع، شورای ملی قوم صرب را برای هماهنگی و پیگیری اقدامات مجمع و اهداف آن تشکیل می‌دهد.

- شورای ملی شامل رؤسای جمهور، نخست‌وزیران، رؤسای پارلمان‌های صربستان و جمهوری صربسکا، و دیگر مقامات بلندپایه است.

- این بیانیه، قوم صرب را یک موجودیت منحصر به فرد توصیف می‌کند که حق دارد سنت‌ها و هویت خود را حفظ کند.

- مجمع، کلیسای ارتدوکس صربستان را یکی از ارکان هویت ملی صرب‌های داند و بر همکاری نزدیک کلیسا با دولت تأکید دارد.

- کوزوو بخشی جدایی‌ناپذیر از صربستان معرفی شده و از قرارداد صلح دیتون به عنوان سندی تضمین‌کننده خودمختاری جمهوری صربسکا حمایت می‌شود.

- قطعنامه سربرنیتسا که توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شده، از سوی این مجمع رد شده است. این قطعنامه تلاش برای مقصر شناختن کل قوم صرب را غیر قابل قبول می‌داند.

تأکید بر اجرای قرارداد دیتون

مجمع همه صرب‌ها تأکید کرده که قرارداد صلح دیتون، که خودمختاری جمهوری صربسکا را تضمین می‌کند، به طور قابل توجهی نقض شده است. این مجمع خواستار احترام به مفاد قرارداد و توقف اقدامات غیرقانونی مانند انتقال صلاحیت‌ها از سطح جمهوری صربسکا به دولت مرکزی بوسنی و هرزگوین شده است. همچنین، انتصاب نماینده عالی جامعه بین‌الملل در بوسنی و هرزگوین را برخلاف این قرارداد دانسته و آن را محکوم کرده است.^۱

جماعة التبليغ: جمعیتی جهانی با بزرگ‌ترین اجتماعات مذهبی جهان



هر ساله در تاریخ ۳۱ اکتبر میلادی (برابر با ۱۰ آبان) در منطقه‌ای در نزدیکی شهر لاهور با عنوان «رایوند» یکی از بزرگ‌ترین اجتماع‌های مذهبی جهان به نام «اجتماع تبلیغی جماعت» برگزار می‌شود.

«جماعت تبلیغ» را می‌توان یکی از پدیده‌های شگفت‌آور دنیای مدرن دانست؛ گروهی تبلیغی که با تکیه بر اصول ساده و بدون بهره‌گیری از رسانه‌های مدرن، تأمین مالی خارجی یا حمایت‌های سیاسی و حکومتی، به سرعت در بسیاری از نقاط جهان گسترش یافته و میلیون‌ها نفر را جذب کرده است. این جنبش، با تمرکز بر تبلیغ اصول دینی و اخلاقی، به یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های تبلیغی جهان اسلام تبدیل شده است.

جماعة التبلیغ در «شبه قاره هند» تأسیس شد و مؤسسان و بزرگان آن از نظر فقهی پیرو مکتب «حنفی» و از نظر اعتقادی به آموزه‌های «ماتریدی» هستند. این جماعت همچنین تحت تأثیر طرق تصوف در هند، مانند «چشتیه»، «قادریه»، «نقشبندیه» و «سهروردیه» قرار دارد و برای بزرگان این طریقت‌ها احترام ویژه‌ای قائل است.

اجتماعات بزرگ مذهبی

یکی از ویژگی‌های برجسته جماعة التبلیغ، برگزاری اجتماعات بزرگ مذهبی است که هر ساله در نقاط مختلف جهان برگزار می‌شود. «اجتماع رایوند» که در منطقه‌ای نزدیک لاهور پاکستان برگزار می‌شود، یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات مذهبی جهان است. این اجتماع که از تاریخ «۳۱ اکتبر» (۱۰ آبان) آغاز می‌شود، هزاران نفر از مبلغان دینی از کشورهای مختلف، از جمله ایران، هند، بنگلادش، آمریکا، انگلیس، کانادا، عربستان و کشورهای آفریقایی را گرد هم می‌آورد. علاوه بر اجتماع رایوند، جماعة التبلیغ دو اجتماع بزرگ دیگر نیز دارد:

۱. «اجتماع پیشوا» در داکای بنگلادش.

۲. «اجتماع بوپال» در هند.

همچنین، اجتماعات کوچک‌تر با حدود ۱۰ هزار نفر در اروپا و آمریکانیز برگزار می‌شود.

شیوه‌های تبلیغی

فعالیت‌های جماعة التبلیغ با تمرکز بر اصول زیر انجام می‌شود:

۱. تأکید بر «فضائل اعمال» به‌ویژه نماز، بدون پرداختن به جزئیات فقهی.

۲. تشویق مردم به مشارکت در تبلیغ دین برای مدت‌هایی مشخص (یک روز در هفته، سه روز در ماه، چهل روز در سال یا چهار ماه در طول عمر).

۳. «امر به معروف بدون نهی از منکر»، با این استدلال که نهی از منکر ممکن است باعث ناراحتی و پراکندگی مردم شود.

۴. عدم دخالت در سیاست، به حدی که حتی در اسرائیل نیز دو مرکز تبلیغی فعال دارند.

مبلغان جماعة التبلیغ اغلب به دور از زندگی خانوادگی، تمام وقت خود را صرف تبلیغ دین می‌کنند. یکی از اساتید نقل می‌کند که مبلغی در آفریقای مرکزی را ملاقات کرده است که ۱۱ سال پیش برای تبلیغ دین از خانه خارج شده و هنوز بازنگشته است.

به گفته برخی منابع، جماعة التبلیغ حدود ۱۰ میلیون مبلغ فعال در ۱۶۰ کشور جهان دارد. این جماعت توانسته با رویکردی ساده و بی‌حاشیه، پیام دینی خود را به میلیون‌ها نفر منتقل کند و به عنوان یک جنبش مذهبی بین‌المللی شناخته شود.

جماعة التبليغ، با ساختاری غیرسیاسی و تمرکزی خاص بر تبلیغ ساده و مستقیم دین، توانسته است جایگاه ویژه‌ای در جهان اسلام پیدا کند. اجتماعات بزرگ این جماعت، مانند رایوند، نمادی از همبستگی و حرکت جهانی این گروه است که همچنان به رشد و تأثیرگذاری خود ادامه می‌دهد.^۱

اجبار مسلمانان روهینگیا به خدمت برای ارتش میانمار



براساس گزارشی از شبکه تلویزیونی ژاپنی (NHK)، ارتش میانمار پس از تحمل خسارات سنگین در عملیات نظامی علیه نیروهای تجزیه طلب موسوم به ارتش آراکان، مسلمانان روهینگیا را در ایالت آراکان مجبور به جنگ در صفوف مقدم خود کرده است.

این گزارش می‌افزاید که ارتش میانمار با محاصره شدن توسط ارتش آراکان، به این اقدام متوسل شده و از آن به عنوان ترفندی برای افزایش خصومت میان اقلیت روهینگیا و سایر گروه‌های جمعیتی ایالت راخین استفاده می‌کند.

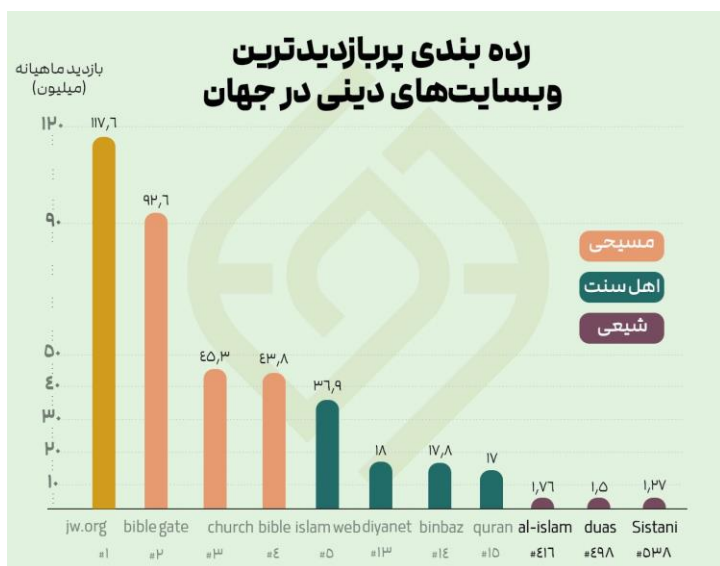
کلیپ‌های ویدئویی منتشر شده که گفته می‌شود در مارس گذشته در آراکان فیلم برداری شده‌اند، نشان‌دهنده استخدام اجباری روهینگیا توسط ارتش میانمار هستند. در یکی از این ویدئوها، یک مقام نظامی با آرم ارتش غرب میانمار دیده می‌شود، در حالی که مردانی که به نظر می‌رسد روهینگیا هستند، در لباس‌های مشابه لباس نظامیان میانمار حضور دارند و برخی به زبان روهینگیا صحبت می‌کنند.

در ویدئوی دیگری، جوانان روهینگیا در حال سوار شدن به کامیونی حامل سلاح‌های ارتش دیده می‌شوند که به گفته تحلیل‌گران سازمان حقوق بشر «میانمار ویتنس»، این سلاح‌ها شامل مسلسل‌های «BA-۶۳» هستند که معمولاً توسط ارتش تولید و به نیروهای پلیس داده می‌شوند.

همچنین در این گزارش آمده است که مردی از اقلیت روهینگیا در مصاحبه‌ای با NHK اظهار داشته که پیش از فرار، به اجبار توسط ارتش میانمار به خدمت گرفته شده است. او توضیح داده که حدود ۴۰ نفر از مردم روستای او نیز مجبور به پیوستن به ارتش شده‌اند و وعده داده شده که در صورت پیروزی در نبرد، شهروندی میانمار به آن‌ها داده

می‌شود. در غیر این صورت، خانواده‌هایشان مورد آزار و اذیت قرار خواهند گرفت.^۱

نگاهی به رده‌بندی وبسایت‌های پرمخاطب دینی جهان



نگاهی به رده‌بندی وبسایت‌های پرمخاطب دینی جهان خبر از تغییراتی مهم در معادلات رسانه‌های دینی می‌دهد. نخست آنکه میانگین بازدید این وبسایت‌ها نسبت به سال قبل، نه تنها رشد نداشته که عمدتاً کاهش بازدید داشته‌اند.

این مساله در کنار رشد رسانه‌های اجتماعی همین پایگاه‌ها، خبراز افت جایگاه رسانه‌ای وبسایت در کار مذهبی می‌دهد.

نکته بعدی اینکه همچنان یهودیان - با کم‌تر از سه درصد جمعیت جهان - ۱۸ درصد سهم پایگاه‌های اینترنتی پر بازدید کل جهان را دارند. پایگاه شاهدان یهوه با ۱۱۷ میلیون بازدید در ماه، برای سومین سال متوالی پرمخاطب‌ترین سایت مذهبی است.

امادر مورد پایگاه‌های شیعی، بالاترین جایگاه بارتبه ۴۱۶ متعلق به وبسایت قدیمی «الاسلام» است که وارد سی‌امین سال فعالیت خود می‌شود.

سایت ادعیه مفاتیح «دعا» در جایگاه بعدی ست و در میان مراجع تقلید نیز پرمخاطب‌ترین وبسایت، متعلق به آیت‌الله سیستانی با نزدیک به ۱۰۲ میلیون بازدید در ماه و جایگاه ۵۳۸ جهان است.

اما آیا این رنکینگ نشان‌دهنده اثربخشی تبلیغی این نهادهاست؟

صرف پر بازدید بودن یک وبسایت، الزاماً ربطی به اثربخشی آن ندارد و البته در بازدید بالای یک وبسایت عوامل دیگری نیز اثر دارند. مثلاً برخی از این پایگاه‌ها، کارکرد متون مرجع دارند. از آن سو هجمه‌های رسانه‌ای، ترندهای فرهنگی و توجهات سیاسی نیز عوامل دیگری در مراجعه به پایگاه‌های یک مذهب هستند.^۱